اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۴ دوره سوم دوشنبه ۲ آذر ماه ۱۳۶۰ برابر با ۲۶ محرم ۱۴۰۲ و ۲۳ نوامبر ۱۹۸۱ بها ۴۰ ریال

دشمن اصلی ما آمریکاست!

ما هرگز با آمریکا سازش نخواهیم کرد

رئیس جمهور

"... هرگز ما با آمریکا سازش نخواهیم کرد. آمریکا در طول سالیان گذشته به ما خیلی ظلم کرده، روزگار ما را خیلی سیاه کرده، شریرترین انسان‌ها را سالیان دراز بر ما مسلط کرد، ده‌ها هزار از عزیز ترین انسان‌ها کشته شدند، اقتصاد ما به این شکل درآمده، اخلاق وفرهنگ ما تباه شده، خیلی صدمات بر ما وارد آورده... بعد از انقلاب هم امریکا باز لحظه‌ای از شیطنت و شرارت علیه ما خودداری نکرده، تحریکات و حمله کرده، عوامل خودش را در داخل کشور بکار انداخته... نه فقط خیانت او به ما رسیده، منطقه را پر از خیانت و گناه کرده. آنچه در سایه وجود منحوس

بقیه در صفحه ۲

باید سرانجام قانون به عمل درآید

حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور درگفتار تلویزیونی که چندی پیش بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری با مردم داشت، براین نکتهٔ مهم تاکید کرد که:

"... ما بایستی امنیت اجتماعی وقضائی وامنیت کامل محیط زندگی و محیط کار را برای همه افراد فراهم کنیم و وجه دیگر این اصل اینست که همهٔ کسانی که وفادار به جمهوری اسلامی هستند ونظام جمهوری اسلامی را قبول دارند، با هر اندیشه وتفکری بتوانند آزادانه زندگی کنندوکسی به آنها تعرض نکند."

حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی، نیز در

بقیه در صفحه ۲

توطئهٔ پاکستان وترکیه علیه انقلاب ایران وارد مرحلهٔ جدی تری می شود

دیروز اعلام شد که رئیس حکومت کودتائی ترکیه به دیدار رئیس حکومت کودتائی پاکستان رفته است. پاکستان و ترکیه هردو پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا درمنطقه هستند. پاکستان وترکیه هردو پایگاه ضد انقلاب فراری ایران علیه ایران انقلابی هستند. باتوجه به همهٔ رویدادهای منطقه که حاکی از آماده‌شدن آمریکا برای عمل نظامی علیه جنبش‌های انقلابی و کشورهای منطقه، و قبل ازهمه و پیش ازهمه علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران است، بدون تردید دیدار روٴسای دوکشور پاکستان وترکیه را باید گام جدید وجدی‌تر برای تدارک هجوم ضدانقلابی آمریکا ودست‌نشاندگانش علیه ایران انقلابی تلقی کرد.

ما به مقامات مسئول وهمهٔ مردم وتمام نیروهای انقلابی ایران هشدار میدهیم وهشیاری، آمادگی واتحاد همگان رادرمقابله با این توطئهٔ خطرناک می طلبیم.

همه چیز برای اجرای قانون آماده است

در صفحه ۱۸

ازساواکی های توطئه‌گر غافل نشوید!

رئیس جمهور: "شما تصور نکنید که همه این انفجارها وترورها مربوط به گروهکهاست، بلکه فراریان رژیم سابق و ساواکیها هم سهم دارند. همان کسانی که در روزهای اول انقلاب افراد کمیته را ترور می‌کردند و آنها را شهید می‌ساختند، امروز بازهم مشغول هستند به توطئه که ما نباید از آنها غافل باشیم"

اینکه پس از گذشت ۳ سال و نیم از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران، علیرغم حذف نام ساواکیها - این گروه جنایتکار واهرم سرکوب در رژیم سرنگون شده پهلوی - از مطبوعات و رسانه های گروهی واظهارات مسئولین، نسبت به توطئه‌های آنان هشدار می‌دهیم و

بقیه در صفحه ۱۹

بیانیه مشترک

حزب توده ایران

وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری تثبیت، تحکیم وگسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟

در صفحه ۷

شعار تظاهرات میلیونی مردم در راهپیمائی علیه طرح فهد:

مرگ بر آمریکا! مرگ بر صهیونیسم!

قطعنامه راهپیمائی: ملت رشید و مسلمان ایران ضمن تجدید بیعت با امام خمینی همت گمارده که تا آخر با آمریکای جنایتکار دست از مبارزه برندارد.

در صفحه ۱۷



موجی از دریای خروشان خلق. مردم شعار می‌دادند. سازش با آمریکا، سازش با اسرائیل، هرگز!

امام خمینی: دولت درخدمت مردم است

باید به استقبال خواستهای مردم شتافت

دستاوردهای انقلاب درمسیرحرکت بسوی اهداف ضدامپریالیستی خود در زندگی کوتاه سه‌ساله‌اش ستودنی است:

امپریالیسم راهزن وغدار آمریکا ازکشور بیرون رانده‌شده که بزرگترین دستاورداست، هشیاری مردم انقلابی بردسیسه‌های اقتصادی امپریالیسم فائق آمده، که اعجاب انگیزاست، برضدانقلاب - درطیف‌های گوناگون آن - راه بسته‌مانده، که نشانهٔ توانمندی انقلاب است، انقلاب به‌سوی بازشناسی دوستان و دشمنان خود دیده گشوده، که علامتی ازحرکت بسوی بلوغ است.

اما متاسفانه، به دلایل معین، انقلاب در خط مردمی خود، یعنی حرکت بسوی انجام خواست‌های زحمتکشان و رفع دشواری‌های آنان، هنوز توفیقی نداشته است. و چنین است که رئیس جمهور حجت الاسلام خامنه‌ای دردیدار با رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران میگوید:

"دوران کار و خدمت به مردم قدری هم دیر شده".

این تاخیر نامطلوب، صرفنظر از بخشی ازآن، که ناشی از وراثت یک رژیم وابسته ضدمردمی است، به طور عمده ناشی از حکومت ۹ ماههٔ لیبرال‌هااست، که محرومیت توده‌های زحمتکش را امری محتوم و غارت کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان راحقی خدشه ناپذیر می‌دانستند، ناشی از معاطلهٔ دست اندرکاران در نابود ساختن مواضع کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان در رشته‌های کشاورزی، صنعت وبازرگانی است، که به این اقشار طفیلی امکان داده زحمتکشان را حتی بیش از دوران قبل از انقلاب غارت کنند. ۱۲۰ میلیارد تومان سود خالصی که طی دوسال نصیب سرمایه‌داران استثمارگر شده به معنای آنست که دراین دوسال بطورمتوسط از دسترنج هر خانوار ایرانی ۱۵ هزار تومان به یغما رفته است، واگر

بقیه در صفحه ۲

تداوم تعطیل دانشگاه‌ها ومدارس عالی:

فاجعه‌ای که باید از آن جلوگیری کرد

سه‌شنبهٔ گذشته، **امام خمینی**، رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، با اعضاء "ستادانقلاب فرهنگی" دیدار داشتند. طبق گفتهٔ آقای دکتر حبیبی، عضو "ستادانقلاب فرهنگی"، **امام خمینی** در این دیدار دگرباره بر بازگشائی هرچه سریع تر دانشگاه‌ها و تسریع در برنامه‌ریزی نظام جدید آموزش عالی تاکیدکردند.

تاکید مجدد **امام خمینی** بربازگشائی هرچه سریعتر مراکزآموزش عالی، بیانگر درک عمیق ایشان از نیاز های انقلاب وجمهوری اسلامی ایران و بازتاب پرسش های فراوانی است که برای مردم و جوانان میهن مان، در ارتباط با تداوم زیانبارتعطیل دانشگاه‌ها ومدارس عالی، وجود دارد، و به حق توجه رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است.

از آغاز سال جاری، رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به کرات وضع نظام آموزش عالی را مورد توجه قرار داده‌اند و مسئولین "انقلاب فرهنگی" را به بازگشائی دانشگاه ها درسال تحصیلی جاری فراخوانده‌اند.

در فروردین ماه امسال، **امام خمینی** درملاقات با اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی تاکیدکردندکه:

"**همهٔ نیروی خود را برای بازگشایی دانشگاه‌ها تجهیزکنید**" و انجام "اصلاحات لازم" را به بازگشایی دانشگاه‌ها و فعالیت آن موکول کردند.

امام خمینی با بصیرت و ژرف اندیشی، ضرورت بهره‌گیری ازهمه نیرو های متخصص و کارآمد را مورد توجه قرار دادند وگفتند:

"**... همین قدرکه استادی باشد، تخصص داشته باشد و درمسیری که ما می‌خواهیم متخصص وقابل بهره‌برداری باشد وکار او سودمند ونافع به اجتماع باشد وعمل او به هیچوجه برخلاف نهضت نباشد، ولو اینکه مسلمان نباشد ما ابایی نخواهیم داشت از سود جستن ازکاراو و تخصص او، بلکه اصرار داریم که حتما از خدمات اینگونه استادان هم استفاده کنیم وسود بجوئیم**".

متاسفانه، علیرغم این تاکیدات و رهنمودهای ارزندهٔ **امام خمینی**، تا کنون به بازگشائی دانشگاه‌ها و مدارس عالی توجه کافی نشده وچشم انداز نظام آموزش عالی کشور همچنان مبهم و نگرانی آور است.

در آغاز، مسئولین "انقلاب فرهنگی"، درمصاحبه‌های مکرر،

بقیه در صفحه ۱۹

اسناد سخن می گویند:

آمریکا یک سال و نیم قبل از کمک نظامی محدود اتحاد شوروی به افغانستان، لشکرکشی به منطقه را آغاز کرد

بقیه در صفحه ۱۶

دشمن اصلی ما...

بقیه از صفحه ۱

رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل صهیونیستی) بوجود آمده، سرکوبی نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی در منطقه است، وجود دولت‌های مرتجع و خبیثی که طوطی وار آنچه را که امریکا میخواست تکرارمیکردند (و میکنند) مثل سادات و جانشینش که وابسته و معلول آمریکاست. **بنابراین دشمن اصلی برای ما آمریکاست و هرکس که با او همدست و همکار باشد... ما هرگز با آمریکا سازش نخواهیم کرد.»**

اینها بخشی از سخنان حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور است که درهفته‌گذشته (۲۴آبان‌ماه۶۰) خطاب به‌مردم‌ایران ایراد داشت. این سخنان فقط بیانگر احساس شورانگیز انقلابی نیست، خط سیاسی، خط امام خط انقلاب خط شناخت دشمن آشتی‌ناپذیر ولزوم دوام مبارزهٔ آشتی‌ناپذیر بااو برای کسب استقلال همه‌جانبه‌است.

این خط قهرا وطبعا خط دیگری هم میطلبد، تا پیروز شود. مضمون این خط را رئیس‌جمهور چنین بیان داشت:

"دشمن... این‌طورنشان داده است که دولت جمهوری اسلامی ایران قصد دخالت در امور داخلی‌کشورهای دیگردارد. من این‌را تکذیب میکنم. قانون‌اساسی‌ماهم اینرا تکذیب میکند. دخالت در اموردا خلی‌هیچ کشوری‌در شان جمهوری اسلامی (ایران) نیست. مانه‌فقط نسبت به‌مسلمان‌ها، بلکه غیر‌مسلمان‌ها... که به ماحمله و علیه ما توطئه‌نمی‌کنند، هیچ مقابله‌ای نداریم دوستی هم میکنیم واین دستور قرآن است... بنابراین‌ما بادولتهای‌مسلمان وحتی‌دولت‌های‌غیرمسلمان، تا زمانی که به‌ما حمله و تعرض نمی‌کنند، دوست هستیم وباآنها همزیستی‌مسالمت‌آمیز داریم..."

بدیهی است‌که‌این‌بیان، دوستی با دوستان را نیز، به‌طریق‌اولی، در برمیگیرد. مادام که‌ما باهمهٔ دولت‌هائی که‌به‌ما تعرض نکنند، دوست‌هستیم و با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز داریم، به طریق اولی با دولت‌هائی که‌ازانقلاب ما، از خط ضدامپریالیستی ما، از خط مردمی انقلاب ما پشتیبانی کرده و میکنند و دست دوستی به‌سوی ما دراز میکنند، دوست هستیم.

واین‌خط، خط منفردکردن دشمن اصلی (وهرکس که با او همدست‌وهمکار است)، خط پرهیز از دشمن‌تراشی، خط جداکردن "بیطرفان" از دشمن، خط فشردن دست دوستان صدیق، خط مبارزه‌مشترک علیه دشمن مشترک (امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا)، خط شکستن دشمن وحملات وتوطئه‌های او، خط برگشت‌ناپذیر کردن انقلاب پیروزمند وشکوهمند خلق قهرمان‌ماست.

این دو خط، دو خط اساسی سیاست‌خارجی است، که‌مجموعا آنهارا میتوان چنین فرمول بندی کرد:

مقابله با دشمن اصلی ـ آمریکا (وهرکس که با او همدست‌وهمکارباشد) کوشش درجلب "بیطرفان" ودوستی‌با دوستان.

عین همین‌سیاست، در داخل کشورنیز، سیاستی‌است‌انقلابی‌وپیروزی بخش. در داخل کشور نیزبایدباضد‌انقلاب باقاطعیت مقابله‌کرد، نیروهای نظاره‌گر و "بیطرف" را جلب‌نمودوحتی به‌گفته رئیس جمهور خامنه‌ای، "منحرفین را هدایت کرد" واتحادهمهٔ نیروهای انقلابی را، قطع‌نظر از تفاوت‌های موجود در عقاید مسلکی و سیاسی ومذهبی آنها، تامین‌نمود.

امام‌خمینی در پیام‌های اخیر خودبویژه بر روی لزوم‌وحدت انگشت تاکید نهادند: وحدت وهمبستگی‌عمل بین‌دولت ومردم، وحدت و همبستگی بین‌ارگان‌های حاکمیت، وحدت و همبستگی بین نیروهای مومن‌و متعهد به‌انقلاب:

"امروز ایجاد اختلاف، هر اختلافی باشدوکارهائی که‌اختلاف‌انگیز است، هرکاری باشد، این مضر به‌اسلام‌است، مضر به انقلاب است."

(از سخنان امام، ۶۰/۸/۲۴)

اگر این سیاست درست، واقع‌بینانه وانقلابی، ضمن "حرکت بطرف آرمان‌های‌مستضعفین" (رئیس‌جمهور) مجدانه اجرا شود، تمام مشکلاتی که هم اکنون انقلاب و کشورما با آنها روبرو هستند، یکی پس‌از دیگری، رفع خواهند شد.

اتحاد همهٔ نیروهای راستین انقلابی، توام با "حرکت به‌طرف آرمان‌های مستضعفین"، بسیجندهٔ چنان‌نیروی عظیمی است‌که‌هیچ‌نیروی ضدانقلابی، باهر نقاب و در هر لباسی ظاهر شود، تاب مقاومت در برابر آن نخواهد داشت.

دشمن اصلی ما آمریکااست و هر کس‌که، چه درخارج کشور و چه‌درداخل کشور، با آمریکا همدست وهمکار باشد. این‌دشمن سلطه‌گر، غدار وجنایتکار با همدستان وهمکاران خود دو جبههٔ علیه انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران گشوده‌است: یکی جبهه خارجی، یکی جبهه داخلی. جبهه‌خارجی او را با وحدت عمل با جبههٔ‌ضدامپریالیستی جهانی، که‌درحال‌حرکت به طرف آرمان‌های مستضعفین‌است، میتوان شکست. جبههٔ داخلی اونیز بااتحاد باهمهٔ‌نیروهای راستین‌انقلابی، ضمن حرکت بی‌تزلزل وقاطع به‌طرف‌آرمان‌های مستضعفین، شکسته‌میشود.

"آرمان‌های‌مستضعفین" قطب‌نمای حرکت وهدف حرکت تمام‌نیرو‌های راستین‌انقلابی، چه در پهنهٔ جهان و چه درداخل هرکشور، ازجمله کشورماست. اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی، چه درعرصهٔ‌جهان وچه‌در عرصهٔ‌کشور، سلاح‌دشمن شکن‌و ضامن‌حرکت پیروزمندانه به‌سوی این هدف و رسیدن به‌آن‌است. یک سیاست خارجی و داخلی انقلابی پیروزی‌بخش، سیاستی که بتواند بر امریکا و همدستان‌و همکاران او در خارج و داخل کشور غلبه کند و مطمئنا غلبه کند، سیاستی است که برای‌رسیدن‌به آرمان‌های مستضعفین باسلاح اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی، چه درعرصهٔ‌جهانی‌و چه در داخل کشور عمل کند.

دشمن نیز " با عمل معکوس خود"، صحت این سیاست انقلابی دشمن شکن وپیروزی بخش رامیاموزد تمام‌کوشش‌امریکا (امپریالیسم به سر‌کردگی امریکا) ایجاد اختلاف وتفرقه ونفاق وخصومت بین‌نیروهاوکشورهای انقلابی، جلوگیری ازوحدت‌عمل‌آنها، درسراسرجهان‌ودرهرکشوراست. امام خمینی‌دررهنمودهای اخیر خود (۶۰/۸/۲۴) بار دیگر به‌این نکته مهم‌اشاره‌کردندکه، امریکاوصهیونیسم تفرقه‌می‌افکنند، تا بتوانند سلطهٔ‌خود رابرقرارکنند. بدون‌ایجادتفرقه و نفاق، امریکا هیچ‌غلطی نمی‌تواند بکند، حتی‌اگر تمام ماشین جهنمی خود رابکاراندازد. هرجا امپریالیسم هار وتجاوزگرامریکا با شکست مواجه شده، بوسیله وحدت‌خلقی بپاخاسته، اتحادهمهٔ‌نیروهای‌راستین‌انقلابی، همراه‌با و حدت‌عمل‌نیروهای‌انقلابی جهانی‌بوده‌است. این‌قاعده‌استثناء ندارد.

مانیز بر آمریکا، بر امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا و همهٔ همدستان‌و همکاران او پیروزخواهیم شد. وسیله این‌پیروزی‌همان سیاست داخلی و خارجی است، که مضمون آن در این جمله خلاصه میشود: مقابله بی‌امان وآشتی ناپذیر با دشمن، جلب "بی‌طرفان" و دوستی و وحدت عمل با دوستان.

باید به استقبال...

بقیه از صفحه ۱

درآمدناچیزمیلیونها‌مردم محروم کارگرو دهقان و کارمند ـ را درنظر بگیریم، روشن‌میشود که به‌حساب سودهای کلان سرمایه‌داران چه‌بارسنگینی‌ازمحرومیت بردوش‌آنان وکودکانشان‌تحمیل شده است.

اصلاحات‌ارضی انقلابی هنوز به مرحلهٔ‌اجرا در نیامده و دهقانان زحمتکش به‌امید دریافت زمین، سه‌سال است که عرق جبین خویش را به کام تشنهٔ‌زمین می‌چکانند وبذر را در دل خاک به‌خوشهٔ‌تبدیل میکنند.

کارگران در آرزوی‌رفع بی‌عدالتی هاوتصویب یک‌قانون‌کار مردمی‌که‌مدافع حقوق آنان‌در برابر کارفرمایان‌باشد و کابوس بیکاری و ازکار ماندگی و کهولت همزاد بافقر را از یادشان ببرد، روز‌شماری‌میکنند، اما هنوز قانون کارطاغوتی‌برسرنوشت‌شان‌حکم‌میراند. کارگران‌در انتظار کاهش نرخ بهره‌کشی حذف امتیازات ناروای طبقاتی‌و تامین عدالت‌اجتماعی، صبر انقلابی نشان میدهند، تادست انقلاب از آستین عدالت و نصفت بدرآیدوحقوق‌قانونی آنانرا به‌رسمیت بشناسد.

توده‌های محروم زحمتکش با بردباری خواستار برقراری تعادل میان هزینه‌زندگی و سطح درآمدها هستند، خواستار آن هستندکه‌دست‌کلان‌سرمایه داران، محتکران، واسطه‌ها، دلال‌ها و سودجوها از درآمدناچیزشان کوتاه شود. امامتاسفانه‌فقدان‌قاطعیت‌انقلابی دراین‌زمینه، موجب شده که سطح قیمت‌ها روز بروز افزایش یابد و گرانی وتورم وکمبود، پشت زحمتکشان را خم کند. یک‌تاجر بازاردریک‌معامله‌ـ فقط در یک معامله چند دقیقه‌ای می تواند ۱۸میلیون تومان سود داشته باشد و درآمد میلیونها زحمتکش، حتی بس از یک‌عمر کار وتلاش هم نمیتواند به یک میلیون تومان‌برسد.

علیرغم این ظلم آشکار و این شکاف وحشتناک طبقاتی، قانون‌دولتی کردن بازرگانی خارجی‌براثرکارشکنی‌های پنهان و آشکار "تروریست های اقتصادی" هنوز به مرحلهٔ‌تصویب نرسیده‌است.

انقلاب شکوهمند بهمن کاخ دیکتاتوری را سرنگون ساخت و برای مردمی که‌به همت‌خودبرپلدای‌استبداد فائق آمدند، پیام‌آزادی به‌همراه آورد متاسفانه لیبرال‌های شیفته آزادی‌برای غارتگری، وانحصارطلبان‌خویشتن‌بین وقشری، از دوسو کوشیده‌اند، تا نگذارند مردم انقلابی از موهبت‌عظیم آزادی‌های‌تثبیت‌شده در قانون‌اساسی بهره‌مند شوند وبدون‌بیم از پیگرد طبق بینش فلسفی و سیاسی خود فعال باشند و برای پاسداری ازدستاوردهای انقلاب همهٔ‌امکانات خودرا به کار گیرند. این‌دوگروه از دوسو، مانع‌ازآن میشوند که‌توده‌های‌محروم برای‌حمایت گسترده از انقلاب و در دفاع از حقوق خود مشکل‌های قانونی‌خویش‌رابوجود آورند ونظام شورائی وسندیکائی را بر اساس‌قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران‌پیاده‌کنند.

مردمی که‌اینچنین خواست‌هایشان در هوا معلق‌مانده، بارسنگین همهٔ‌محرومیت‌های‌ناشی از پیامدهای انقلاب، محاصرهٔ‌اقتصادی، جنگ، کمبود و تورم وگرانی رابردوش‌میکشند وتمام‌توان‌انقلابی‌خود را در خدمت جبهه‌وپشت‌جبهه‌قرارمیدهند، هرزمان که‌جبهه به‌رزمندهٔ‌انقلابی‌نیاز دارد این‌مردم مستضعف ومحروم داوطلبانه به‌جبهه‌می‌شتابند و هرگاه تدارک جبهه و پشت جبهه، تولید بیشتر را می‌طلبد، بازوی کار کارگر و دهقان‌در خدمت اعتلاء تولید قرارمی‌گیرد. توده‌های وسیع مردم زحمتکش با کار خود جبههٔ‌اقتصادی راتقویت‌می‌کنند بابافه‌های خون خود جبهه جنگ را پایداری و قهرمانی می بخشندوباصبر انقلابی درمقابله‌بادشواری‌های‌زندگی روزمره، توطئه‌ضدانقلاب‌را درناراضی‌تراشی، درناامیدساختن‌مردم‌ازانقلاب ودرایجادشکاف‌میان‌دولت‌ومردم عقیم می‌گذارند. ولی آیا صبر انقلابی این مردم متحمل و رزمنده وبخشاینده‌بی پایان‌است؟ آیا میتوان همواره‌ازآنان ایثار طلبید و محرومیت پاداش داد؟ مسلمانه. اینجاست که امام‌خمینی به دولتمردان جمهوری اسلامی ایران مدبرانه هشدارمیدهندکه:

"... آنها (یعنی ضدانقلاب) با یک نقشه‌هائی بین دولت و ملت شکاف ایجاد میکنند، بین دولت‌و روحانیت شکاف ایجادمیکنند. این شکاف کم‌کم اگر زیاد شد، اسباب‌نا‌رضایتی شدمردم‌بر دولت منحرف میشوند."

امام‌خمینی دولت را در خدمت مردم میخواهند و میگویند:

"دولت در خدمت‌مردم‌است."

مردمی که به قول پرارج امام خمینی:

"اگر مردم‌نبودند، خصوصااین مستضعفین، جنوب‌شهری‌ها، باصطلاح پابرهنه‌ها، اگر اینها‌نبودندشماها یادر حبس‌الان‌بودید، یادر تبعید بودید یادر انزوا... آنی که شما را از آن رنج وازآن عذاب و ازآن گرفتاری بیرون آورد وبه مقام دولت رساند، این‌مردم بودند."

پس باید سرانجام به استقبال خواست‌های این مردم شتافت، زیرا که اگر همهٔ‌فرصت‌ها از دست برود، راه‌برای ضدانقلاب گشوده خواهد شد.

باید سرانجام...

بقیه از صفحه ۱

آخرین مصاحبه خود با مجله "پاسدار انقلاب" می‌گوید:

"...درباره گروههای غیر‌محارب، ببینید یک وقت افرادی در جامعه ما هستند حتی مکتب ماراقبول ندارند. ولی‌قانون اساسی می‌گویدواز اول امام هم اعلام کرده و نظام جمهوری‌اسلامی هم براین پایه‌گذاری شده که آزادیهای فردی و گروهی، تا حدی که توطئه نباشد، تامین خواهد شد و ما می‌دانیم که حزب توده و یا اکثریت و یا گروه‌های دیگر... اینها اگر محاربه نکنند... نظام مامی‌گوید که‌آزاداند ومی‌توانند فعالیت سیاسی داشته‌باشند. حتی‌می‌توانند برای خودشان روزنامه داشته باشند، برای خودشان تبلیغات کنند..."

حجت‌الاسلام معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی نیز دربارهٔ‌استقرارنظم درجامعه یادآورشده است:

"...همهٔ‌ارگانها و نهاد های انقلابی‌بایدباهماهنگی‌کامل‌بکوشند، تا فرمایش مهم از مکتب امام را که "امسال سال قانون‌است" به عینیت درآورند وتحقق‌بخشندوحکومت‌قانون راهمانگونه که بایستهٔ این حکومت اسلامی‌است، جلوی‌دیددوست‌و دشمن قراربدهند و بایدمسئولیت‌ها مشخص شود"

این وعده پرارج رئیس جمهور منتخب مردم، اعلامیهٔ ۱۰ماده‌ای شهیدقدوسی، که‌مکررا اعتبارآن مورد تائید آقای موسوی‌تبریزی‌دادستان کل‌انقلاب‌اسلامی قرارگرفته، برنامهٔ شهید دکترباهنر دربارهٔ‌تامین‌آزادی‌ها، که به‌تاکیدآقای موسوی نخست وزیر، برنامهٔ دولت‌جدیدنیزهست، همچنین تائیدمکرر دادستان کل‌انقلاب‌اسلامی وسایرمسئولان مملکتی‌مبشر آنست که سرانجام مواد صریح قانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران و رهنمودهای رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مورد تامین‌آزادی فعالیت برای همه گروهها و سازمان‌های سیاسی ـ مادام که دست‌به‌توطئه نزده‌اند ـ بمرحلهٔ اجراء درآید.

مروری بر دوران پس‌از پیروزی انقلاب تا به امروز، نشان‌می‌دهدکه‌در داخل جامعهٔ‌انقلابی‌ما نیروهائی از راست و "چپ" به عمد وغیرعمد نخواسته‌اند محتوای ضداستبدادی انقلاب بهمن وپیام مهم این‌انقلاب را، که استقرار آزادی و دموکراسی و حکومت قانون‌درجامعه‌است، بفهمند. این‌نیروهاهمواره‌کوشیده‌اند، تاآزادی را، آنگونه‌تفسیر کنند که منافع آنها‌به عنوان یک گروه سیاسی ضد انقلابی، غیرانقلابی ویا نادان‌به‌مصالح انقلاب، اقتضا داشته‌است.

در دوران‌حاکمیت دولت موقت لیبرالها از دموکراسی، آزادی بهره‌کشی سرمایه، آزادی حفظ بسیاری‌از روابط ومناسبات و فرهنگ طاغوتی، آزادی سرکوب‌پیروان‌اصیل‌سوسیالیسم علمی، آزادی توطئه علیه‌نظام‌انقلابی حاکم بر جامعه و آزادی هرج‌ومرج را می‌فهمیدند و طبق خواست خود عمل می‌کردند. به این دلیل مسئلهٔ شناسائی فعالیت قانونی احزاب‌و سازمانهای انقلابی مدافع جمهوری اسلامی‌ایران‌ازسوی‌دولت‌موقت لیبرال‌ها لوث شد و برعکس گروهک ها و جمعیت‌هائی پرو بال گرفتند که در خصومت باجمهوری‌اسلامی ایران فعال بودند و با سیاست‌های‌انقلابی‌آن سر ستیزداشتند. واین‌ستیزه‌گری‌سخت‌باب طبع‌لیبرالها‌بود، زیراکه خود درموضع مخالفت باخط ضدامپریالیستی و مردمی امام‌خمینی ایستاده‌بودند.

نیروهای دیگری نیز با استقرار دموکراسی وآزادی درجامعه به‌مخالفت برخاستند. اینان از مواضع انحصار‌طلبانه وقشری باتحقق‌آزادیهای دموکراتیک مصرحه در قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران ستیزمی‌کردند و این‌ستیز بصورت عملکرد هرج ومرج‌طلبانه تظاهرمی‌یافت. گروهک‌های غیرمسئول بشکل یک نیروی ضربتی به دفاتر احزاب و سازمانهائی، که طبق الگوی دلخواه آنهانمی‌اندیشیدند، حمله می‌بردند، مراکزنشریات‌وکتاب‌های آنها را به آتش می‌کشیدند، مدافعان صمیمی‌انقلاب را مضروب و مجروح و زندانی می‌کردند، و متاسفانه تمام‌این‌اقدامات غیرقانونی‌ومخالف‌با قانون‌اساسی‌رازیرلوای‌دفاع از انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران انجام داده‌اند، که در واقع نه بسودانقلاب و نه بسود جمهوری‌بوده‌است.

سودانقلاب و جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که‌دستاوردهای انقلاب‌اسلامی‌ایران پاسداری شود و انقلاب بسوی فعلیت اهداف عالی خود پیش رود و این جز در همکاری و همدلی تمام‌نیروهای انقلابی جامعه، تمام‌سازمانهای سیاسی مدافع‌انقلاب میسرنیست و هر راه دگری که پیموده شود، پندارگرائی‌است.

اهداف انقلابی برای آن که بتوانند دستاوردهای ارزندهٔ‌انقلاب اسلامی‌ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران راتثبیت‌وتحکیم‌کنندوبه قلل‌رفیع پیروزی نهائی‌دست یابند، نیازمند به ثبات سیاسی و تثبیت اقتصادی‌اند. برای رسیدن به‌این دو هدف مهم، همانطور ده رئیس جمهور خاطرنشان ساخته‌است، امنیت کامل قضائی واجتماعی ضروری‌است و این واقعیت‌زمانی تامین‌خواهدشدکه‌انقلاب بتواند، ضدانقلاب رابه‌هرشکل، در هر لباس و با هر نقابی که ظاهرشود، بشناسد وسرکوب کند، نفوذپیدا و ناپیدای‌آن را ریشه کن نمایدواجازه نهانکاری ویرانگرانه وتوطئه‌ودسیسه به آن ندهد. انقلاب باید در برابرترفند‌های امپریالیسم هشیاری وآمادگی کافی‌داشته‌باشد، مردم‌رابرای دفع آن متشکل ومسلح ومجهز کند، تاتوطئه از هرنقطه‌ای‌کهآغازشود، مشت‌محکم‌مردم آنرا عقیم‌گذارد. درعین‌حال‌انقلاب باید برای نیروهای مدافع جمهوری و انقلاب محیط‌امن فعالیت وسازندگی ایجاد کند، تاپایگاه مردمی‌انقلاب هر چه‌بیشترگسترده‌گردد.

انجام‌وظیفه مهم‌دفاع ازانقلاب وایجادشرایط برای بالندگی‌آن، بویژه درشرایطی که‌امپریالیسم هزارچهره با هزاران فن وحیله رو در روی نظام جمهوری‌اسلامی ایران ایستادمو ضد‌انقلاب‌مامور و مزدور، پشت مرز های ایران به‌انتظار نشسته است، تنها‌با همکاری همهٔ نیروهای پشتیبان‌انقلاب میسراست، تنهادرصورتی‌میسراست که بخشهائی از نیروهای پاسدار انقلاب‌و جمهوری‌اسلامی ایران آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، بی‌بال وپر نشوندوامکان فعالیت خلاق‌و سازنده از آنان سلب نگردد. راندن این نیروها به هربهانه و باهرانگیزه فقط و فقط بسود امپریالیسم جنایت‌پیشه و توطئه گر تمام خواهد شد، که‌مدافعان صمیمی‌انقلاب رامتفرق و پراکنده و رودررو می‌خواهد و وحدت‌و انسجام آنانرا به حق برای خود خطر می‌شمارد.

حاکمیت‌انقلابی‌باید این سلاح راازکف‌دشمن‌برباید‌که‌نظام جمهوری اسلامی‌ایران‌دوست‌ودشمن‌نمی‌شناسدو همه را با یک چوب‌می‌راند، بایدمیان نیروهای پشتیبان انقلاب وگروهکهای خرابکار وتوطئه‌گر، دقیقا مرزبندی به عمل‌آید، اولی‌امکان‌فعالیت سیاسی قانونی یابدو دومی سرکوب‌شود، باید سرانجام‌قانون به‌عمل‌درآید و مواعید فعلیت یابند.

لئونید برژنف :

(در زمینهٔ روابط اتحاد شوروی با جمهوری فدرال آلمان)

اتحاد شوروی احدی را تهدید نمی کند و قصد ندارد به احدی حمله کند

اخیرا لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسهٔ شورایعالی اتحاد شوروی، مصاحبه‌ای با هیئت تحریریه مجله "اشپیگل"، منتشره در آلمان فدرال بعمل آورد. از نظر اهمیت مسائلی که در این مصاحبه مطرح شده، ترجمه آن، در دو قسمت، به اطلاع خوانندگان گرامی "اتحاد مردم" میرسد.

سئوال: شما سومین بار است که بطور رسمی به جمهوری فدرال آلمان مسافرت می‌کنید. از زمان آخرین مسافرت شما در سال ۱۹۷۸ اوضاع جهان از ثبات کمتری برخوردار است و از بعضی لحاظ خطرناکتر شده است. بعقیدهٔ شما جمهوری فدرال آلمان، در اوضاع واحوالی که بوجود آمده، چه نقشی می‌تواند داشته باشد و شما در این زمینه چه اهمیتی برای مذاکرات قریب‌الوقوع خود در بن قائلید؟

جواب: از این مطلب شروع می‌کنم که خوشحالم مجددا از کشور شما دیدن کنم. من دوبار در جمهوری فدرال آلمان بودم. در هر دو مورد مذاکرات وملاقاتهای مفیدی صورت گرفت. من با رضایت خاطر از آنها یاد می‌کنم.

سفر قریب‌الوقوع من به جمهوری فدرال آلمان بنا به دعوت صدراعظم اشمیت، ادامهٔ طبیعی خط مشی همکاری متقابلا مفید میان کشورهای ما وبسط و توسعهٔ عملی وسازنده مناسبات اتحاد شوروی وآلمان غربی براساس قرارداد سال ۱۹۷۰ است این خط مشی ما با تمام صراحت وقاطعیت درکنگره‌های بیست‌وچهارم وبیست‌و پنجم وبیست‌وششم تائید شده است. ما می‌دانیم که در بن نیز مناسبات میان جمهوری فدرال آلمان و اتحاد شوروی بعنوان عنصر مهمی از سیاست جهانی ارزیابی می شود، که صلح پایدار در اروپا بستگی زیادی به آن دارد.

در بن با صدراعظم هلموت اشمیت ودیگر رهبران جمهوری فدرال آلمان ما در باره تمام مسائل مذاکره وتبادل نظر خواهیم داشت. آنطور که من تصور می‌کنم حالا این موضوع اهمیت خاصی دارد که هر یک از دوکشور ها چه اقداماتی در جهت حل وفصل مبرم ترین و فوری‌ترین مسئله‌ای که برای بشریت مطرح است، یعنی مسئله جلوگیری از وقوع فاجعهٔ هسته‌ای و ایجاد دورنمای قابل اطمینان برای صلح می‌تواند انجام دهد.

هر دوکشورما بارها به نفع برقراری تعادل نظامی در اروپا در پائین‌ترین سطح ممکنه، از جمله در زمینه تسلیحات هسته‌ای، اظهارنظر کرده‌اند. اما مسئله آن است که این کار چگونه انجام شود؟ در این مورد ما نظریات متفاوتی داریم. ولی باید راه حلی برای آن یافت. بخاطر دارم که در اعلامیه مشترکی که در ماه مه سال ۱۹۷۸ به امضاء من وصدراعظم اشمیت رسید، هر دوطرف بطور واضح به نفع این موضوع اظهارنظر کردند که، هیچکس درصدد کسب برتری نظامی نباشد، و اظهار داشتند که برابری و تناسب تقریبی برای تامین دفاع کفایت میکند ما اکنون نیز به این موضوع معتقد هستیم. این همان زیربنا و مبدا برای مذاکرات بعدی است.

شما درباره نقش جمهوری فدرال در شرایط دشوار کنونی جهان سئوال کردید. فکرمی‌کنم که در اوایل دهه ۸۰، درست همانند اوایل دههٔ ۷۰، جمهوری فدرال آلمان دربرابر اتخاذ یک تصمیم اصولی قرار دارد. آیا خط مشی که آنهمه در سیاست اروپا وجهان برای جمهوری فدرال آلمان نفوذ و اعتبار تامین نمود، ادامه خواهد یافت و توسعهٔ بیشتری حاصل خواهد نمود، یا اینکه سرمایه‌ای که در این سالها اندوخته شد، صرف مقابله‌های بی‌ثمر وخطرناک خواهد شد؟ میل دارم امیدوار باشم که درنتیجه مذاکرات و گفتگوهای ما با صدراعظم اشمیت ودیگر شخصیت‌های دولتی وسیاسی جمهوری فدرال آلمان، اطمینان متقابل به آنکه کشورهای ما خط مشی آزمایش شده‌ای را که صحت خود را بثبوت رسانده است، دنبال کنند، افزایش خواهد یافت، به این معنی که به اعتماد با اعتماد پاسخ خواهند داد، آنچه را که بدست آمده است، حفظ خواهند نمود وبطور خستگی ناپذیری همکاری دوجانبه در زمینه‌های مختلف را بسط وتوسعه خواهند داد. این خط مشی می تواند درمساعی مشترک برای جلوگیری از مسابقهٔ تسلیحات و برای تقویت تشنج‌زدائی و امنیت بین‌المللی سهم موثری داشته باشد.

سئوال: درگذشته امیدهای بسیار زیادی به طرح‌های اقتصادی مشترک بسته می شد. ازنظر شما دورنما ها همکاری اقتصادی دوکشورما در شرایط فعلی از چه قراراست؟

جواب: بنظرما همکاری اقتصادی میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان پیشرفت بدی نداشته و آینده خوبی می‌تواند داشته باشد.

جمهوری فدرال آلمان، امروز یکی ازطرفهای عمدهٔ تجاری اتحاد شوروی در میان کشورهای غربی است. دراتحاد شوروی برای دقت وحسن انجام کار طرف‌های آلمان غربی ما، در اجرای تعهداتی که در قبال موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی بعهده گرفته‌اند ارزش زیادی قائلند. ما البته به همین ترتیب پاسخ می‌گوئیم.

تا حدی که من می‌فهمم، بسط و توسعه روابط اقتصادی درازمدت و با مقیاس بزرگ با اتحاد شوروی، به جمهوری فدرال آلمان کمک می‌کند که مسائل جدی را که در زمینه اقتصاد آن وجود دارند، حل و فصل نماید. کشور شما به اندازه کشورهای دیگر احتیاج به منابع قابل اطمینان انرژی و موادخام ومصالح و سفارشهای خارجی برای تامین اشتغال سکنه دارد، برای اتحاد شوروی نیز همکاری با جمهوری فدرال آلمان در یک سلسله رشته‌های مهم حیات اقتصادی ما مقرون به صرفه است.

این موضوع نیز اهمیت زیادی دارد که روابط اقتصادی ما فقط ناشی از مقتضیات روز نیست، بلکه دورنمای وسیعی دارند. نمونهٔ خوبی از این نوع همکاری بنظر من بعضی ازطرح های مشترک ماست، که حتی به قرن بیست ویکم هم می‌رسد. این روابط البته فقط جنبهٔ اقتصادی ندارند. آنها به مفهوم خوب این کلمه اهمیت سیاسی هم دارند. جهت گیری در سمت دورنماهای درازمدت در روابط اقتصادی، همان سمتگیری درجهت همزیستی مسالمت‌آمیز پایدار وحسن همجواریست.

اجلاس کمیسیون مختلط شوروی وآلمان غربی در اموراقتصادی و علمی و فنی و گفتگوهای تیخونف رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی با لامبسدورف وزیراقتصاد فدرال و دیگر نمایندگان جمهوری فدرال آلمان در اینباره، با همین هدف، باآینده‌نگری برگزار شد.

طبق نتایج این اجلاس پایه و اساس محکمی برای بسط و توسعه بعدی روابط ما وجود دارد. ما جدی بودن روش جمهوری فدرال آلمان را نسبت به معامله تجاری مربوط به صدورگاز شوروی درمقابل صدور لوله ودرباره ساختمان لوله‌گاز بین سیبری و اروپا با شرکت آلمان غربی احساس کرده‌ایم. امکانات دیگری هم برای همکاری متقابلا مفید پدید آمده است.

می‌خواهم یک مطلب دیگر هم درباره همکاری اقتصادی‌مان بگویم و آن این‌است که، همکاری اقتصادی ما به کسی آسیب وخسارت واردنمیاورد ودر نهایت امر به نفع همگان تمام می‌شود، زیرا مبانی صلح را در اروپا و در تمام جهان تقویت میکند.

اتحاد شوروی احدی را تهدید نمی‌کند و قصد ندارد به احدی حمله کند

سئوال: امروزه روابط میان شرق و غرب بطور جدی متشنج شده است شما وضع جهان، ازجمله سرنوشت تشنج‌زدائی را که بنظر بسیاری از سیاستمداران تقریبا بازگشت‌ناپذیر بود، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: دنیا امروز آرام نیست. دربخشهای مختلف جهان "نقاط داغ" بوجود میآید. مسابقه تسلیحات مرگبار ادامه دارد. انواع جدید سلاح‌های تولید می شود. خطر این سلاح‌ها در آن است که، بقول کارشناسان، وقوع جنگ هسته‌ای را نزدیکتر می‌کند. یعنی بروز آن را محتمل‌تر می‌سازد. دراین شرایط اظهارات بعضی از استراتژیست ها و سیاستمداران غربی درباره مجازبودن نوعی "جنگ محدود" هسته‌ای وامکان پیروز شدن درآن بسیارمزورانه به نظر میرسد.

شاید بعضی ها امیدوار هستند که میتوان جنگ هسته‌ای را تنها به خاک اروپا محدود نمود و این راه را برای خود راه قابل قبولی میدانند. ولی آیا این راه برای مردم اروپا هم قابل قبول است؟ این راه برای آنها درحکم مرگ است، درحکم فاجعه‌ایست که منجر به نابودی کامل خلق‌ها و تمدن چندین صدساله دراروپا خواهد شد.

ولی اگر درماهیت امر صحبت کنیم جنگ هسته‌ای "محدود" اصولا ممکن نیست وجود داشته باشد. اگر جنگ هسته ای شعله‌ور گردد، خواه در اروپا باشد و خواه در هریک ازنقاط دیگر، بطورمسلم واجتناب ناپذیر جنبه جهانی پیدا خواهد کرد، منطق خود جنگ، جنبهٔ تسلیحات امروزی و مناسبات بین‌المللی این وضع رااناگزیر خواهد کرد. این وضع را بایدبه روشنی دید ودرک کرد.

بنابراین، کسانیکه احتمالا حسابشان آتش‌زدن به انبارهسته‌ای و پناه‌گرفتن در گوشه و زوایاست، نباید دل خودرا به رویاها خوش کنند.

چندی پیش درصفحات مجلهٔ شما مصاحبه‌ای بایک دانشمند، کاورا "پدر بمب نوترونی امریکا" مینامند، درج شده بود. او این جمله را بکاربرد: "همهٔ انسان‌ها موجودات عجیب‌الخلقه ای هستند." دختر او که دراین مصاحبه حضورداشت، سئوال کرد: "پس‌توهم یک موجود عجیب‌الخلقه‌ای هستی؟" و پاسخ داد: "بله." وافزود که: "جنگ جزء طبیعت انسان است."

این یک نمونه بارز از روان شناسی ضدبشری کسانیست که امروزه با این همه سعی وکوشش در صدد دامن زدن به مسابقه تسلیحات هسته‌ای هستند. در ضمن حساب‌های آنان روشن است. می‌خواهند از هشیاری مردم اروپا کاسته شود و آنها راعادت دهند، تا همین اسلحه نوترونی را بعنوان یک‌چیز عادی و وسیله "دفاعی"، خلاصه به عنوان چیزی نظیر سرنیزه یا نارنجک تلقی کنند. درحالیکه در حقیقت امر به هیچوجه اینطور نیست. آخر، به طوری‌که کارشناسان میگویند، چند خرج نوترونی کافیست تاتمام موجودات زنده درشهری مثل هامبورگ نابود شوند.

بیان این مطالب نامطلوب است. اما حقیقتی راکه به سرنوشت همه مربوط است باید باصدای رسا وبطور صریح اظهار کرد. این موضوع راباید تادیرنشده وتا موقعیکه هنوز میتوان از مصیبت جلوگیری نمود، اظهار داشت. ایجاد اسلحه نوترونی ازنظرفنی مسئله‌ای نیست. مسئله واقعی همان مسئله سیاسی وبشر دوستانه است که، چگونه باید ازپیدایش وبکاربردن این اسلحه جلوگیری نمود. یکبار اروپائی ها توانستند به این امرنایل شوند. اکنون نیز این قدرت را دارند.

دربعضی از پایتخت‌های کشورهای عضو "ناتو" ادعا میکنند که گویا تقصیر ازاتحاد شوروی است که ابرهای سیاه افق دنیا را تیره کرده است، ولی اگر دست از افسانه‌های تبلیغاتی بر داریم وبه واقعیت‌ها رجوع کنیم، معلوم میشودکه این یک دروغ عمدیست.

اتحاد شوروی احدی را تهدید نمی‌کند وقصد ندارد به احدی حمله‌کند. دکترین نظامی ما، دارای جنبهٔ دفاعی است. دکترین مزبور جنگ‌های مقدماتی ونظریه "ضربه اول" را ردمیکند. همچنین میتوانم با تمام مسئولیت بگویم که اتحاد شوروی درهیچ شرایطی ازسلاح هسته‌ای برضدکشورهائیکه ازتولید و ابتیاع آن خودداری میکنند وفاقد آن در خاک خود هستند، استفاده نخواهد کرد. ماحاضریم براساس قرار دادی این موضوع را بدون هیچگونه حک واصلاحی برای همه کشورها تضمین نمائیم.

کوشش ما برای جلوگیری از فاجعه هسته‌ای بطورقانع کننده‌ای در اجلاس فعلی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که اتحاد شوروی دراین اجلاس ابتکار جدید وعملی مهمی ارائه داد، تجلی یافته است. دراین ابتکار مهم تر ازهمه آنستکه، احدی هرگز در بکاربردن سلاح هسته‌ای پیشقدم نشود. حال اگرهیچکس دربکاربردن آن پیشقدم نشود، بنابراین اسلحه مزبوراصلا بکار انداخته نخواهد شد.

وحالاکه صحبت به مواضع اتحاد شوروی نسبت به مسائل جنگ و صلح کشیده است، اجازه بدهید مطلب دیگری هم اظهارنمایم.

ما، بطوریکه اطلاع دارید قرارداد دوم مربوط به محدودکردن تسلیحات استراتژیک تهاجمی — "سالت – ۲" را باایالات متحده آمریکا امضاء کردیم و حاضربودیم بطور شرافتمندانه این قرارداد را اجرا کنیم.

ماپیشنهادمیکنیم که نه‌تنها در خصوص قطع همه‌گونه آزمایش سلاح هسته‌ای، بلکه درباره قطع تولید آن هم توافق کنیم، تا ذخایرآن را محدود و متعاقب آن، ذخایر مزبور را به کلی نابود سازیم.

ماپیشنهادمیکنیم که در یک قرارداد، تولید هرنوع جدید سلاح کشتارجمعی ممنوع گردد.

ماپیشنهادهای مشخص، سنجیده، وعادلانه‌ای درباره کاهش تشنج و رفع کانون‌های مناقشه در مناطق گسترده، ازاروپای مرکزی تاخاور دور، که شامل خاورنزدیک، منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند نیز میگردد ارائه دادیم.

متاسفانه کشورهای عمده دنیای غرب، وقبل از همه کشورهای عضو بلوک "ناتو"، هنوز نسبت به مذاکره درباره تمام این مسائل مهم حیاتی برای بشریت و آینده صلح‌آمیز آن تمایل جدی ابراز نمیدارند. درآنجا بعضی‌ها با تمایل به مراتب بیشتری نه از تشنج‌زدائی، بلکه از رویاروئی، نه ازهمکاری مسالمت‌آمیز متقابلا مفید، بلکه ازاستفاده از بازرگانی جهت مقاصدنظامی – استراتژیکی، نه ازحصول توافق بر مبنای برابر وامنیت یکسان، بلکه از تحکم از موضع توفق نظامی، نه ازبرطرف‌کردن کانون‌های مناقشه ازراه تشریک مساعی، بلکه ازایجاد پایگاه‌های نظامی تازه وتازه‌تر وافزایش حضورنظامی خود در نقاط مختلف جهان، نه از مهارکردن مسابقهٔ تسلیحاتی، بلکه از "تسلیح مجدد"، نه ازمحدودکردن یا منع این ویاآن نوع اسلحه، بلکه ازتولیدوسایل مخرب تر جدید امحاء جمعی مردم سخن میگویند، ومتأسفانه نه‌تنها میگویند، بلکه عمل هم میکنند. منظور من قبل از همه سیاست دولت فعلی ایالات متحده امریکاست. این سیاست تاکنون، چه دراظهارات رجال دولتی بلندپایه آن‌کشور و، از اینهم مهم تر، در اقدامات عملی آنها بازتاب یافته است.

همهٔ اینها عملاً در خلاف جهت تشنج‌زدائی ومغایر با تمایل تمام ملت‌ها به صلح پایدار است. والبته مایهٔ تأسف عمیق است که رهبران یکی از بزرگترین کشورهای جهان مقتضی دیده‌اندکه سیاست خود را بر چنین مبنائی بنا نهند.

واما آنچه که مربوط به اتحاد شوروی است، همانگونه که من بارها گفته‌ام، ماصمیمانه میخواهیم که با ایالات متحده آمریکا روابط عادی مبتنی بر احترام متقابل با ملحوظ داشتن حقوق و منافع یکدیگر داشته باشیم. فزون‌براین، مامیخواستیم که باایالات متحده آمریکا روابط حسنه داشته باشیم وبه‌نام تحکیم صلح درکره زمین همکاری کنیم.

اکنون مذاکرات شوروی وامریکا درباره محدودکردن سلاح هسته‌ای در اروپا در پیش است. در این‌باره من بازهم سخن خواهم گفت. بدنبال این مذاکرات، بطوریکه ما امیدواریم، مذاکرات سالت (محدودکردن سلاح‌های استراتژیکی) در یک جائی شروع خواهد شد. ما، هم این مذاکرات و هم مذاکرات دیگر را شرافتمندانه وسازنده انجام خواهیم داد وبرای حصول توافق عادلانه، البته بادرنظرگرفتن منافع امنیت مردم شوروی ودوستان ومتحدانش خواهیم کوشید.

تازگی پرزیدنت ریگان اظهار داشت که ایالات متحده آمریکا آماده است که با اتحاد شوروی سایر مسائل مورد اختلاف بین دوکشور را نیز مورد بررسی قرار دهد. ما باین ابراز آمادگی تبریک میگوئیم، زیرا همیشه مذاکرات را بهترین وسیله مناسب برای حل مسائل بین‌المللی میشمریم. بدیهی است که نکته عمده آنست که گفتار درست، باکارهای متناسب در عمل تثبیت شود.

آرزوی نیل به برتری نظامی بر اتحاد شوروی بهتر است که بدور افکنده شود

واما آرزوی نیل به برتری نظامی براتحاد شوروی، بهتر است که دور افکنده شود. اگر لازم آید، مردم شوروی امکان اتخاذ هرگونه تدبیر تکمیلی را دارند، که تمام اقدامات لازم جهت

بقیه در صفحه ۱۷

اتحاد مردم

شماره ۱۰۴ دوره سوم دوشنبه ۲ آذر ماه ۱۳۶۰

متحدان بنی‌صدر ـ سرمایه‌داری لیبرال ـ ۵

برای سرمایه‌داران همه چیز، برای کارگران هیچ چیز

برنامهٔ دولت لیبرالی:

اشاره

بعد از بررسی رئوس کلی سیاست‌های سرمایه‌داری لیبرال ایران، این متحد اصلی بنی‌صدر فراری، درشماره گذشته نشان دادیم که لیبرال‌ها باهمه خواستهای برحق مردم مامخالفت کردند آنها هنگامیکه دولت رادردست داشتند باهرنوع ملی شدن، ازمدرسه گرفته تا بانکها و صنایع، مخالفت کردند، به جای مسکن وعده بخوردمردم دادند و . . .

مطلب را دنبال می‌کنیم :

* * *

دولت لیبرالی که برای رابطه با آمریکا، برای بازگرداندن سرمایه‌دارها و . . . برنامه‌داشت به‌کارگرهاوزحمتکشان بیکار مملکت که می‌رسیدچنان "فکرهای بکری" به‌سرش می‌زدکه "درخشش" آن چشم‌ها را خیره‌می‌کرد :

" . . . برای بیکاران رسمی یک صندوق‌وام موقت برای ۶ماه که‌مختصری به آنهاکمک‌شود . . . روبراه‌می شود . . . " (مهندس بازرگان، اطلاعات، ۵۸/۱/۲۶)

درلابلای این کلمات، جز تحقیر، جز بی‌توجهی به‌وضع زحمتکشان این مملکت چه می‌بینید؟ آیا از آن ترحم نسبت به هویداها ومقدم‌هاو سرمایه‌دارهای فراری وابسته به شاه وآمریکا دراینجا اثری دیده‌می‌شود؟ تصور نخست‌وزیر دولت لیبرالی از "مختصری" چه‌بود، تاکی‌بود؟ بقیه‌اش را بخوانید :

" . . . آنهائی که‌کاردارند وحقوق می‌گیرند، بشکرانه این نعمت وموهبت الهی که هم کار دارندوهم حقوق می‌گیرند، از آنهاتقاضا (می‌کنیم) وام شرافتی برای اینکه به خواهران و برادران جوانشان، که هنوز دستشان به کارنرسیده وآماده بکارهستند، به آنها بدهند. اسم‌این‌طرح راگذاشته‌ام وام شرافتی . . . " (همانجا)

تازه‌اسم این طرح را هم دردوره رژیم‌گذشته پیداکرده‌بودند وربطی به "ابتکار" دولت لیبرال‌نداشت.

سیرصعودی قیمت‌ها

دولت لیبرالی، صرفنظر از اینکه می‌توانست یانه . نمی‌خواست که قیمت ـ هایی را که "سرمایه‌داران‌مظلوم" بالا می‌بردند، به نفع زحمتکشان مهارکند. دردوران‌دولت موقت از کنترل‌قیمت‌ها تنهاحرف زده می‌شد، اما درعمل پایهٔ گرانی بسیاری ازکالاهای ضرورمورد نیاز مردم در این دوران ریختند.

" . . . چندروز پیش شیر گران شد . . . گرانی شیر در شرایطی اعلام می‌شود که قیمت‌ها دارند بالا می‌روند و به مرز خطر می‌رسند . . . " (۱۰ مهر ۵۸ ـ انقلاب اسلامی)

در توضیح گرانی شیر مدیر عامل شرکت شیر گفت :

" . . . دولت هرساله مبلغ قابل ملاحظه‌ای به‌دامداران کمک می‌کرد، تا شیر به‌قیمت ارزان به‌دست مصرف کننده برسد. ولی شورای اقتصاد تصمیم گرفت، این را به تدریج قطع کند . . . " (همان جا)

نان‌هم دراین‌دوران‌گران‌شد، قیمت‌گوشت به‌کیلویی ۷۰ تومان‌رسید، سم برای‌کشاورزی گران‌شد و . . . البته بخشی‌ازاین‌گرانی‌طبیعی‌بود، زیرا :

" . . . کشورهای خارجی برای ما محاصرهٔ اقتصادی بوجودآورده‌اند. کشورهای خارجی مواد اولیه را در اختیارما قرارنمی‌دهند و یاقیمت آنها راسرسام‌آور بالابرده‌اندوحتی بعضی مواقع که‌مواد اولیه‌خریده‌ایم، اجازهٔ حرکت به‌کشتی‌نمی‌دهند . . . " (احمدزاده وزیرصنایع ومعادن، ۱۹مهر ۵۸ ـ کیهان)

اما می‌شد بایک‌سیاست‌انقلابی‌و مردمی‌بااین‌محاصره‌هامقابله کرد. ولی دولت‌موقت نه‌تنها دراین‌مورد چاره‌اندیشی نمی‌کرد، بلکه برعکس، پایگاه داخلی‌امپریالیسم، یعنی‌بزرگ‌زمین ـ داران وکلان سرمایه‌داران‌وابسته را تقویت می‌کرد. بی‌جهت نبود که در کنارگرانی باکمبودمصنوعی‌کالاها نیز روبرو‌بودیم. تخم‌مرغ و پودررختشویی ازهمان‌اوان دربازار نایاب‌شد. ولی نخست‌وزیردولت لیبرالی، به جای مقابله بنیادی با این‌امر، از کارگران می‌خواست که بفکر بالا بردن دستمزد نباشند. سرمایه‌داران مجاز به بالا بردن قیمت‌ها بودند، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا مجازبه محاصرهٔ اقتصادی وتوطئه‌علیه کشور ما بود، اماکارگر وکشاورز وبقیه زحمتکشان باید سربه زیرمی‌ماندندوفقط "در جهت سازندگی کشور مجدانه تلاش نمایند . . . " (کیهان، ۲۷ اسفند ۵۷)

والبته دستمزد این تلاش، همان چیزی بود که درزمان شاه‌بود : هیچ!

برای کارگران: هیچ!

سیاست دولت‌لیبرالی در صنعت نفت ـ مشت نمونه‌خروار ـ "مشروطه بدون شاه" بود. اما نفتگر مبارز، که درنبردی نابرابرشاه را به‌زانودرآورده بود، دیگر تن به‌انقیاد نمی‌داد. به همین جهت بود‌که پس از گذشت‌مدت کوتاهی از سرپرستی حسن نزیه، کارگران صنعت‌نفت‌خواستار برکناری وی واجرای برنامه‌های انقلابی در صنایع نفت شدند. به دنبال این اعتراض‌ها بودکه حجت‌الاسلام اشراقی ازجانب‌امام خمینی‌مامور رسیدگی به وضع شرکت‌نفت شد. حجت‌الاسلام اشراقی پس ازسفر به‌مناطق جنوبی و بررسی‌اوضاع وضع راچنین اعلام‌کرد :

" . . . کارکنان‌مستضعف‌وشریف، که‌همان‌قشر کارگران‌باشند، فریاد شان هوا بود ودریافتیم که سیاست آقای نزیه در مدیریت‌صنعت‌نفت موجب‌این ناراحتی‌ها شده‌است. انسان‌های‌شریف از ادامه ضوابط طاغوتی دراین صنعت ناراحت‌بودند . . .

آقای نزیه حقوق کارگران را از ۳ هزار تومان به ۳ هزار و ۳۰۰ تومان افزایش داده وحقوق کارمندان را به۹ هزارتومان‌رسانیده و تفاوتی‌درحدود ۵۷۰۰تومان‌بین حقوق این‌گروه بوجودآورده، که‌این تفاوت‌در گذشته حدود ۳ هزارتومان‌بود . . . از طرف‌دیگرتضادهایی‌بودکه بین کارگرو کارمند . . . دیده‌می‌شدودربعضی‌ازغذا خوری‌ها کارگر حق‌ورود نداشت . . . ناراحت‌بودند‌که‌چراآقای‌نزیه‌انقلابی رفتارنکرده . . . آقای نزیه با این کار آبروی ما را برد . . . " (کیهان ۳ مهر ماه ۵۸)

وآخر هم اینکه : " . . . من با تماسی که بادفترامام داشتم، دریافتم که . . . هرگز امام با بقای آقای‌نزیه‌در سمتی‌که دارند، موافقت نداشتند . . . " (همانجا)

سخنگوی انجمن اسلامی شرکت ملی‌نفت نیز اعلام کرد :

" . . . محوراصلی‌تمام این وقایع حسن نزیه‌است . . . اکنون مخازن سوخت اکثرا خالی‌است واگر روال کار به‌همین‌ترتیب پیش رود، زمستان ما باکمبود نفت روبرو خواهیم بود و این جریان دقیقا توطئه‌ای حساب‌شده‌است که ازطریق باند حاکم بر شرکت شکل گرفته است، تا در زمستان ما رامجبور به خریدنفت از آمریکاکنند . . . ازطرف دیگرمبلغ گزافی از طریق آقای نزیه‌در اختیارجمعیت دفاع ازحقوق بشرقرار گرفته، که‌مستقیما به دست متین دفتری و ایادیش رسیده‌است . . . " (همانجا)



امانخست‌وزیر دولت لیبرال به جای‌رسیدگی به‌این‌امر، به دفاع از نزیه وانتقاد ازکسانی که از کارکنان شرکت‌ملی‌نفت (البته کارکنان‌لیبرال پسند) خرده می‌گیرند، پرداخت و گفت :

" . . . این‌توطئه‌هاوسخن‌چینی‌ها علیه‌کارمندان وخدمات آقای نزیه به دست یک توده خرابکار تا گوش امام رسیده‌بود و وقتی‌که خدمت‌امام‌رسیدم، دیدم که ازکاهی کوهی ساخته‌اند . . . " (کیهان ـ اول‌مهر۵۸)

بعدهم‌این‌فتوای‌لیبرالی که :

" چپگرایان افراطی به انواع مختلف درکار شمااخلال‌می‌کنند. سعی دارند کاسهٔ داغ‌ترازآش باشند. آنها می‌خواهندکلیه‌متخصصین و کارشناسان خود رااخراج کنیم، ولی اینها تصوری بیش نیست . . . " (همانجا)

ـ بازهم‌لولوی‌کمونیسم!

لیکن انجمن‌های‌اسلامی کارکنان صنایع‌نفت، بهداری وبهداشت صنعت نفت، کانون‌فتح، ستادجهادسازندگی‌و سپاه‌پاسداران‌انقلاب‌اسلامی آبادان در نامه‌ای به‌امام‌خمینی، ضمن انتقاد ازسخنان مهندس بازرگان یادآور شدندکه :

" . . . مهندس بازرگان . . . بدون اطلاع از واقعیت . . . انجام هر گونه‌انتقادی را از سوی مردم عمل‌ضد ـ انقلابی می‌خواند . . . " (کیهان، ۳۰ مهر۵۸)

حسن نزیه بعدها به بختیار در پاریس پیوست!

(ادامه‌دارد)

چگونه چندملیتی‌ها "ازدواج" می‌کنند

مطبوعات سرمایه‌مالی‌بین‌المللی چندروزپیش اطلاعیهٔ هیجان‌انگیز بزرگترین‌کنسرن‌شیمی‌ایالات‌متحده آمریکارامنتشرساختند : دوپون‌دی‌نمورز به‌کنسرن‌کونوکو، که‌نهمین‌شرکت بزرگ نفتی‌ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا ودومین تولید کننده‌ذغال‌سنگ‌این‌کشوراست پیشنهاد آمیزش دوکنسرن راکرد. دراین "وصلت دوفیل"، آنگونه‌که درزبان‌بورس‌وبورس بازان رایج‌است، یکی‌ازطرفین، یعنی دوپون‌دی‌نمورز درسال‌گذشته ۱۳/۷ میلیارد دلار درآمد داشت‌ودیگری، یعنی کونوکونزدیک به ۲۰میلیارد دلار. بدین‌ترتیب، چنانچه "وصلت" نامبرده صورت‌گیرد، این سوپرکنسرن در لیستی که "فورچون"، مجله‌اقتصادی‌آمریکایی، هرساله‌از ۵۰۰کنسرن‌بزرگ‌آمریکا منتشر می‌کند، درمقام‌هفتم قرارخواهدگرفت.

"وصلت‌فیل‌ها" ـ که‌هنوز قطعی نیست، چون دراین‌میان فیل‌های متمول دیگری‌نیز به خواستگاری از "عروس" دلربا آمده‌اند ـ نمونه‌ای از روندگردآیی سرمایه‌است که در دوران اخیرباشدت بیش ازپیش، چه در مهم ـ ترین کشورهای سرمایه‌داری و چه‌در جهان سرمایه‌داری بطورکلی درجریان است. درایالات‌متحدهٔ‌آمریکا تنها در سه ماه‌نخست سال‌میلادی ۱۹۸۱، ۲۵ "وصلت" بیش از ۱۰۰میلیون‌دلاری به وقوع پیوست.

درآلمان‌غربی‌نیزکنسرن‌های هر چه بیشتری‌درهم‌می‌آمیزند، به گزارش "اداره‌فدرال‌کارتل‌ها" درسالهای ۸۰ـ ۱۹۷۹، رویهمرفته ۱۲۷۳ "وصلت" صورت‌گرفت. درصنعت و بخش مالی بریتانیا نیزگرایشی همانند دیده‌می‌شود.

درسال ۱۹۷۹، در کشورهای پیشرفته‌سرمایه‌داری ۴۹ "وصلت" صورت گرفت، که۴۹میلیارد دلاردرآمد و ۶۳۳۰۰۰شاغل راشامل‌میگردید. جالب آنکه‌درسال ۱۹۷۹افزایش‌شماره "وصلت" ـ های‌میلیاردی‌دوبرابرافزایش تعداد همه "وصلت"‌ها بود.

آمیزش انحصارات در سوپر انحصارات‌درچارچوب ملی‌وبین‌المللی حاکی‌ازرقابت‌سرسختانه‌ایست که‌هم میان کنسرن‌هاوهم بین مراکزقدرت امپریالیستی‌درجریان‌است. رقابت و هم‌چشمی قدرت‌ها ومراکز امپریالیستی برای‌بازاریابی‌ودرجستجوی‌منابع‌انرژی مواد خام وتکنولوژی‌حد یدیوسته‌بحدت می‌گراید. بدین‌ترتیب تاثیرسیاسی و اقتصادی‌سوپرکنسرنها برسیاست دولت ـ های‌امپریالیستی‌هرچه‌بیشترمی‌شود.

گرایش بین‌المللی شدن‌سرمایه سبب‌می‌گردد‌که‌کنسرن‌های‌قدرتمند در دیگرکشورهانیزدرجستجوی "عروس" باشند. دراین‌زمینه، بویژه، کنسرنهای آلمان‌غربی‌وبریتانیایی‌پیشگام هستند. برای‌نمونه، بایر.آ.گ.، کنسرن‌شیمی غول‌پیکرجمهوری‌فدرال‌آلمان‌کنسرن فتوشیمی‌آگفا-گورت‌را، که‌هنوزبلژیک‌در آن‌دارای‌سرمایه‌هنگفتی‌است، به تصاحب‌خود درخواهدآورد‌آگفا-گورت باافزایش قیمت‌مواد خام، هرچه بیشتر درورطه ورشکستگی قرارمی‌گرفت. کنسرن بایر باتصاحب آگفا-گورت، که دراروپای غربی درمیان کنسرن‌های فتو شیمی درمقام‌دوم قراردارد، رقابت ـ پذیری خودراباکنسرن‌های‌آمریکایی، بویژه کداک، افزایش خواهد بخشید.

یکی دیگرازویژگی‌های‌روندگرد ـ آیی سرمایه‌رخنه‌هرچه‌بیشترانحصارات اروپای‌غربی به‌ایالات‌متحده‌است. قوانینی که سودهای کلان را برای انحصارات تامین‌می‌کنند، عدم تشکل نسبی‌سندیکایی‌ونرخ‌بهره بالا از جمله عواملی‌هستندکه‌سبب‌جذب‌سرمایه‌های اروپای غربی به‌آمریکامی شوند.

برپایه بررسی‌هایی دربارهٔ تغییرات ساختاری‌سهام، درسال ۱۹۷۹ ۶۰%آمیزش‌ها در درون‌صنایع مربوطه صورت‌گرفت. مهم‌ترین این صنایع عبارت‌بوداز : شیمی، پالایش نفت، برق و اتوموبیل‌سازی. دراینجا دو هدف بنیادی دنبال می‌شد : تامین انحصاربرمنابع کمیاب‌مواد‌خام‌وتمرکز توان‌پژوهشی‌وتولیدی‌بمنظورکسب‌سود هرچه‌بیشتر. تحدیدگنجایش‌تولید و اخراج‌هزاران‌کارگرتنهاچندنمونه بارز این‌سیاست‌سودجویانه‌بوده‌است.

باتحکیم وتقویت صف متحد نیروهای مردمی وضدامپریالیستی جبهه متحد ضدانقلاب را درهم شکنیم!

تفسیر وقایع مهم جهان



بمب‌ها می‌ترکند

هواپیماهای استراتژیک امریکائی ب – ۵۲، که قادر به‌حمل بمب‌های هسته‌ای هستند از پایگاه‌های خود در داکوتای شمالی بر می‌خیزند و پس از طی مسافتی درحدود ۶ هزار میل، بمب‌های‌خود را درمنطقه‌ای واقع در غرب مصر، نزدیک مرز لیبی، فرو میریزند و سپس به‌پایگاه‌های خود باز میگردند. و بااین بمباران‌ها مرحله دوم مانور "ستاره درخشان" امریکائی آغازمیشود. بمب‌ها هنوز خرج هسته‌ای ندارند و تنها بمب‌های کوه پیکر انفجاری هستند. اما تعویض این بمب‌ها با بمب‌هسته‌ای فقط به‌چند دقیقه وقت نیازدارد

مانورهای "ستاره‌درخشان" تا اوایل سال آینده‌مسیحی (۱۹۸۲) طول خواهدکشید منطقه مانور بخش وسیعی از شمال افریقا تا خلیج فارس را در برمیگیرد. هدف اصلی از اجرای این‌مانور، که‌مطبوعات آمریکا آنرا بزرگترین "نمایش قدرت "آمریکادرخاورمیانه پس از جنگ دوم جهانی می‌نامند، آزمایش کارائی "سپاه واکنش سریع" امریکا برای اشغال منابع نفتی خلیج فارس است. البته مانور هدف فرعی دیگری نیز دارد و آن ارعاب لیبی است، که سیاست مستقل ضد – امپریالیستی‌آن موی دماغ شیطان بزرگ در جهان‌عرب و افریقا شده است.

همزمان بااین‌مانوردرازمدت، تبلیغات گسترده‌ای نیز در سطح جهان وبویژه در میان کشورهای عرب وابسته به آمریکا درباره‌قدرت‌مندی امریکا وتصمیم "قاطعانه" باند ریگان در حفظ منافع "حیاتی" امریکاآغاز شده‌است. رسانه‌های‌گروهی کشورهای‌امپریالیستی‌وکشورهای‌مرتجع عرب‌عملیات فرود آمدن چتربازها وپیاده‌کردن تانک‌ها، توپ‌ها و سایر لوازم جنگی را با آب و تاب شرح‌میدهند تا فکر قدرتمندی و غلبه ناپذیری امپریالیسم‌امریکارا به‌شنوندگان وخوانندگان خود تلقین کنند و توده‌های مردم رابه بیهودگی مقاومت‌دربرابر نیروئی به‌این "سهمگینی" متقاعد سازند.

رادیوی صدای امریکا پس ازشرح‌جزئیات مانورمیگوید:

"این‌نمایشی از سرعت‌و قدرت نیروی ضربتی امریکا برای دیگران است، تا بدانند امریکا با چه کارائی وشتاب‌میتواند‌در منطقه‌ای دورنیروپیاده‌کند... سال ۱۹۸۱ بااین‌مانورها تمام‌میشود ودر سرآغاز سال ۱۹۸۲دوستان و دشمنان امریکا شناخت‌بیشتری ازنقش‌نیروهای ضربتی امریکا خواهند داشت".

"نیروهای ضربتی امریکا" در۶هزارمیلی کشورشان‌چه‌نیازی به‌نمایش سرعت و قدرت، دل دادن به دوستان وترساندن دشمنان خود دارند؟ دوستان ودشمنان‌آنهاکیستندودلیل این‌دوستی و دشمنی چیست؟

دوستان و دشمنان امپریالیسم آمریکا

امپریالیست‌های امریکائی سال‌هاست کشورهای این‌منطقه را غارت میکنند و دهها سال است نفت را به قیمتی‌کمتر از آب‌برده‌اند. این‌غارت نواستعماری همواره برنظام‌هائی وابسته درکشورهای نفتخیز (نظیر شاه ایران و ملوک سعودی و دیگران) متکی‌بوده است. موج‌انقلابی نیرومندی که درمنطقه برخاسته، واکنش این‌خلق‌ها در برابر آن غارت نواستعماری واین نظام‌های وابسته‌است. مرز بین دوستان و دشمنان امریکا درمنطقه ما و در سراسر جهان نیز از همین جا میگذرد دشمنی آنها با ایران‌انقلابی و افغانستان انقلابی و دوستیشان با عربستان سعودی و پاکستان بر این پایه پی ریزی شده است. نیروی جهنمی نظامی امریکا برای پیش‌بردن این‌سیاست غارتگرانه "سرعت وقدرت" خود رابه‌نمایش میگذارد. رئوس این سیاست‌امریکا درخاورمیانه راهیگ وزیرامورخارجه امریکا در برابر کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا چنین شرح‌داد:

"امریکا میکوشد عربستان سعودی، مصر، اسرائیل و پاکستان را در یک اتحاد استراتژیک برای رویاروئی با خطرشوروی‌گرد آورد. کشورهائی که در نزدیکی شوروی هستند، برای ما نقش‌مهمتری دارند و در اینمورد‌پاکستان که بین کشورهای خلیج و اتحادشوروی قراردارد، از اهمیت ویژه ای برخورداراست. کمک‌های‌نظامی مابه‌پاکستان به‌این‌منظور صورت‌میگیرد. عربستان‌سعودی باوجودارائه طرح‌صلح‌خاورمیانه، که برای ما قابل قبول‌نیست و از نظر امریکا فقط یک طرح صلح وجود دارد وآن طرح کمپ‌دیوید است، با قبول شناسائی ضمنی‌اسرائیل و قطع نامه ۲۴۲سازمان ملل‌متحد درآرام ساختن بحران‌های منطقه نقش فعال داشته و می‌تواندیکی‌ازحلقه‌های مهم توافق‌های استراتژیکی میان‌کشورهای خاورمیانه برای رویاروئی با خطر شوروی باشد.

ترکیه به‌عنوان لنگرگاه جناح‌جنوبی ناتو و حمایت ازحضور امریکا در مدیترانه شرقی برای ایالات‌متحده حائز اهمیت‌اساسی است."

اگر از "خطر شوروی"، که وزن شعر دائمی سخنان سیاستگران امریکائی است، صرف نظر کنیم، چهره‌ٔ دوستان ودشمنان امریکا درمنطقه که مانور "ستاره‌ٔ درخشان" میخواهد به‌آنها شناخت بیشتری از نقش نیروهای ضربتی امریکابدهد، دراین سخنان هیگ‌به روشنی آشکارمیگردد: مصر به دلیل قبول قرارداد کمپ دیوید، پاکستان به‌علت نقشی که میتواند در مقابله با جنبش‌های انقلابی منطقه "بین‌کشورهای خلیج‌فارس و اتحادشوروی" بازی کند، عربستان‌سعودی از آنرو که اسرائیل را می‌شناسد و در جلوگیری از رشد نیروهای‌انقلابی و یا به گفته‌ٔ هیگ "آرام‌ساختن بحران‌های‌منطقه" نقش فعالی دارد وترکیه به‌دلیل حمایت‌ازحضور امریکا در مدیترانه شرقی دو ستان‌امریکاهستند. هر یک از این‌دوستان، یابهتربگوئیم، شریکان‌جرم، نقشی درکمک به‌امپریالیسم‌امریکا در غارت خلق‌های منطقه به‌عهده دارند. ادامه این غارت نواستعماری وابسته به‌بودن و یا نبودن این‌دوستان‌است، که‌هریک‌از آنان نیز بدون تکیه به‌امپریالیسم‌امریکا نمیتوانندسرپابمانند "ستاره‌درخشان" میخواهدبه‌دوستان‌آنچنانی امریکا اطمینان‌بدهد که ما به‌پشتیبانی از شما مصمم هستیم.

اماتجربه‌انقلاب‌ایران وافغانستان‌ثابت کردکه نیروهای مرتجع محلی، حتی با پشتیبانی امریکا و تمام‌پیش‌بینی‌هائی که‌برای بقای‌آنهاانجام‌گرفته‌بود، نتوانستندخود را دربرابر ضربات جنبش‌های انقلابی‌حفظ‌کنند اینکاامپریالیسم امریکاراه‌حل‌نوینی‌اندیشیده است وآن‌اشغال مستقیم منابع نفتی‌درصورت بروزحوادثی‌نظیر انقلاب‌ایران وافغانستان است. مانور "ستاره درخشان" تمرینی برای تحقق این راه حل نهائی است کاامپریالیسم امریکاحاضراست، حتی با استفاده از بمب نوترونی‌آنراپیاده‌کند. انتخاب‌منطقه‌غربی مصر بعنوان صحنه‌ٔ مانور، چنانکه مقامات امریکائی بارها گفته‌اند، از جهت تشابه‌اقلیمی‌وطبیعی آن‌بامناطق نفتخیز خلیج‌فارس انجام‌گرفته است. طرح مانور نیزبامحاسبه‌ٔ درهم شکستن مقاومت‌خلق‌هاوکشورهای ضدامپریالیستی منطقه ریخته‌شده‌است. به ارتش‌های مصر، پاکستان واسرائیل هریک‌دراین‌طرح‌ماموریتی واگذار شده‌است. کشورهای عضوناتو و بویژه ترکیه دوش‌بدوش‌امپریالیسم امریکاواردعمل خواهند شد.

خطر عظیمی خلق‌های خاورمیانه و بخصوص میهن انقلابی ما را تهدید میکند. تهدید بس جدی است و راه دفع آن نیز به همین‌اندازه‌بایدجدی‌باشد. نیروهای انقلابی منطقه، بشرط‌آنکه متحد شوند و سیاست عاقلانه و سنجیده‌ای در پیش‌گیرند، میتوانند توطئه‌های‌امپریالیسم‌امریکا راعقیم گذارند.

راه خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا

گسترش حضورنظامی‌امریکا در خاور میانه، در همانحال که خلق‌ها ودولت‌های ضدامپریالیست منطقه را نگران ساخته، عزم آنهارابرای‌مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکاجزم‌تر کرده‌است. بی‌آبروئی امریکا و رژیم‌های‌وابسته به‌آن درمنطقه، شرایط عینی برای‌منزوی کردن و سرنگون ساختن رژیم‌های ارتجاعی وضدانقلابی درمنطقه‌رافراهم‌آورده است. درخاورمیانه ونزدیک نیروی بالقوه انقلابی عظیمی وجود دارد که میتواند تمام توطئه‌های امپریالیسم رانقش برآب کند. باید این‌نیروی بالقوه‌رابه‌حرکت درآورد، و متحد ساخت، آنرابانیروهای دیگر انقلابی جهان پیوند داد و جبهه متحد ضدانقلابی جهانی رادرهم شکست.

حافظ‌اسد رئیس جمهور سوریه، که بعنوان رهبر یکی از کشورهای خط مقدم‌جبهه تاکنون نقش موثری‌در پایداری خلق‌های‌عرب دربرابر تجاوز اسرائیل ایفا نموده است، طی سخنان خود در پارلمان سوریه گفت:

"تنها راه‌مقابله با طرح‌های امریکاوتل‌آویو تقویت قدرت وامکانات اعراب و تحکیم پیوندها با دولت‌های دوست و در درجه‌ٔ اول بااتحادشوروی‌و سایر کشورهای‌اروپای شرقی است."

ازسوی دیگر اجلاس فوق‌العاده وزیران امورخارجه کشورهای اتیوپی، لیبی و یمن دمکراتیک، که در ارتباط با گسترش حضور نظامی امریکا درمنطقه وآغاز مانور "ستاره درخشان" تشکیل شد، اعلام داشت‌که‌باتکاء به‌نیروی‌مردم وپشتیبانی کشورهای‌انقلابی و درراس آنها اتحادشوروی، دربرابر هر گونه ماجراجوئی شیطان‌بزرگ و اذنابش درمنطقه ایستادگی خواهدکرد.

درهم شکستن جبهه واحد نیروهای انقلابی درمنطقه‌وانداختن آنها به جان یکدیگر وکاستن ازقدرت آنان در برابر امپریالیسم، یکی‌ازمهمترین‌عناصراستراتژی شیطان‌بزرگ و فرزند خلف آن اسرائیل در خاورمیانه و نزدیک‌است. قراردادکمپ‌دیوید بزرگترین پیروزی امپریالیسم وصهیونیسم در تفرقه‌افکنی درجبهه واحد خلق‌های‌عرب‌بود. آمریکا و اسرائیل این سیاست را هم اکنون با مهارت دنبال‌می‌کنند.

تفرقه‌افکنی و اثرات آن

چندی پیش انستیتوی تحقیقات استراتژیک امریکا تحلیلی درباره جنگ عراق وایران‌منتشر کرد وباصطلاح "تجربیات" این جنگ را شرح داد. یکی از نتایجی‌که‌تحلیل‌گر این‌انستیتو ازجنگ عراق‌و ایران‌گرفته‌بود، این‌بودکه کشورهای رشد یابنده به سادگی میتوانند "خرخره‌یکدیگر رابجوند". به‌عبارت دیگر، امپریالیست‌ها به‌سادگی می توانند کشورهای رشدیابنده را، که منافع بنیادی آنها ایجاب‌میکند‌درجبهه‌واحدی بر ضد – امپریالیسم، دشمن‌اصلی خودمبارزه کنند، با دسایس‌گوناگون و بوسیله‌ٔ عوامل‌خودبه‌رویاروئی بایکدیگر وادار سازند. مکانیسم این تفرقه‌افکنی بسیار پیچیده‌تر از آنست که به ظاهر نمایان‌میگردد. هم اکنون‌اهرم‌های‌این سیاست‌ظریف تفرقه‌افکنی درمنطقه ما به‌کار افتاده‌است. طرح‌فهد تازه‌ترین‌نمونه‌ٔ آنست. در زرادخانه امپریالیسم وصهیونیسم صد ها حیله از این نوع برای تفرقه‌افکنی در بین دشمنانشان وجود دارد. نمیتوان گفت که امپریالیسم و صهیونیسم در پیش برد این سیاست خود موفق‌نبوده‌اند. هم‌اکنون‌اعراب درآستانه‌تشکیل کنفرانس‌سران‌کشورهای‌عربی ازهرزمان‌دیگر پراکنده‌ترند.

در این میان دسایس امپریالیسم برای جلوگیری از حل "مسئله‌افغانستان" ادامه دارد. چندی پیش ایندیراگاندی نخست‌وزیر هندوستان‌گفت که "مسئله‌ٔ افغانستان" رامی‌توان‌در ظرف چند هفته حل‌کرد، اما غرب‌به پاکستان فشار وارد میکند، که با افغانستان وارد مذاکره نشود. گاندی افزود که امریکا میخواهد "مسئله‌ٔ افغانستان" رامعلق‌نگاهدارد. تابتواند از آن درجنگ سردخود علیه اتحاد شوروی استفاده‌کند.

تفرقه‌افکنی بین‌خلق‌ها، مانور "ستاره‌ٔ درخشان"، طرح‌فهد، جنگ سرد و مسابقه‌ٔ تسلیحاتی که ایالات‌متحده امریکا بدان‌دامن میزند، همه حلقه‌های زنجیر واحدی هستند، کاامپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی شیطان‌بزرگ - امریکا، بوسیله‌آنها میخواهدنیروهای‌انقلابی جهان معاصر را ضعیف کند و برتری گذشته خویش را بازگرداند. ولی تمام روند انقلابی جهانی درسراسردوران‌پس‌ازجنگ‌دوم جهانی آشکارا نشان‌میدهد که این تلاش ارتجاعی و ضدانقلابی محکوم به‌شکست قطعی است.

تسخیر رودخانهٔ لیتانی: هدف دیرینهٔ صهیونیست‌ها

پیشرفت تارودخانه‌لیتانی، در جنوب‌لبنان، همیشه‌یکی‌ازهدف های دیرینه‌ٔ صهیونیست‌هابوده‌است. برای نمونه، پس ازجنگ نخست جهانی، حییم‌وایزمن، رئیس "کنگره‌ٔ جهانی صهیونیسم"، درنامه‌ای‌به‌لوید‌جورج، نخست‌وزیربریتانیا، خواستارسلطه بر این‌رودخانه‌شد، زیراکه "آب‌لیتانی برای‌ایجادکشوراسرائیل‌دارای‌اهمیت حیاتی "است.

اسرائیل‌درسال ۱۹۴۸ تاسیس یافت، بدون اینکه‌هدف نامبرده تحقق پذیرد. اما این هدف کماکان‌جزئی‌از "مبارزه‌درراه‌فضای‌زندگی" صهیونیست‌ها باقی‌ماندوروش‌هایی‌برای پیشبرد آن‌بکار رفت، که‌انسان‌رابیادیکی از ننگین‌ترین‌دورانهای تاریخ بشر می‌اندازد.

درمارس ۱۹۷۸، حکمرانان "تل‌آویو" عملیات "لیتانی" راآغاز کردند، بدین‌معنی‌که ۲۵۰ هزارسرباز مجهزبه‌جدیدترین جنگ‌افزارها برای فتح کرانه‌های لیتانی رهسپار جنوب لبنان شدند. این‌تهاجم براثر ایستادگی قاطعانه "نیروهای‌مسلح مشترک جنبش ملی– مترقی‌لبنان وانقلاب‌فلسطین" و اعتراض‌گسترده بین‌المللی باشکست روبروگردید. بگزارش ناظران‌خارجی، رهبران‌اسرائیل‌ازآن‌هنگام تاکنون "برنامه‌لیتانی ۲" راتدارک‌می‌بینند

لیتانی، باطول ۱۵۰کیلومتری خود، پرآب‌ترین‌رودخانه‌لبنانی‌است. این‌رودخانه‌پس ازجریان‌دردشت بقاع به‌سوی‌غرب سرازیرمی‌شود ودرنزدیکی شهربندری‌صور، درحدود ۳۰ کیلومتری مرزاسرائیل، به‌دریای‌مدیترانه‌میریزد.

لیتانی‌برای‌تاکستانهاومیوه‌زارهای‌بقاع وسواحل مدیترانه دارای اهمیت‌فراوان‌است. ازسوی‌دیگر، صنعت لبنان‌نیزبه‌این‌رودخانه‌وابسته است. سه‌نیروگاه‌آبی، که‌درکرانه‌های لیتانی احداث شده‌است، بخش اعظم تولید انرژی لبنان راتامین‌می‌کند. چنانکه تجاوزکاران صهیونیست‌نقشه خود را عملی‌سازندومسیرلیتانی‌رابرای آبیاری مناطق‌کشاورزی‌اسرائیل‌تغییر دهند، بایدانتظارپیامدهای‌فاجعه‌انگیزی‌را برای‌سراسرلبنان‌داشت.

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

ملت ایران با آتش زدن پرچم آمریکا، نفرت خود را نسبت به امپریالیسم، صهیونیسم، دولت‌های پیمان ناتو و ارتجاع منطقه نشان می‌دهد

* رئیس مجلس: اسلام وقتی بروزکرد، اولین مخالفش اشراف بودند وامروزهم ما داریم از اشراف زالوصفت ضربه می‌بینیم.
* اگر اسلام فکری برای اینها (مستضعفین) نکرده، پس ما دنبال چی می‌گردیم؟
* تنها مالکیتی محترم است که احقاق حق کند.
* رئیس مجلس: بگذار بجای مواجه شدن با سرباز فریب‌خورده عراقی با تفنگداران رسمی آمریکا مواجه شویم وگلوله‌های ما نیروهای شریر آمریکا را از میان بردارد.
* دولت باید هرچه سریعتر به طرح برنامه‌های اقتصادی به نفع پابرهنه‌ها اقدام کند.

مجلس شورای اسلامی در هفتهٔ گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات نمایندگان مانور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه را بمثابهٔ تجاوزآشکار به همهٔ مردم صلحدوست و آزادیخواه منطقه محکوم کردند و بر نبردی درازمدت و همه‌جانبه با این دشمن اصلی بشریت تاکید نمودند. دراین جلسات لایحه توقف اجرای احکام تخلیه خانه‌ها، پس ازبحث فراوان، با اکثریت قاطع به تصویب رسید ونیز ۲ نماینده برای شرکت در کمیسیون ذکر شده در "قانون احزاب" انتخاب شدند.

اولین جلسه مجلس شورای اسلامی درهفته گذشته، روزیکشنبه ۲۴ آبان ۶۰، تشکیل شد. نخستین ناطق قبل از دستور این جلسه فضلعلی نمایندهٔ مردم گرمسار بود. وی در سخنان خودبا اشاره به توطئه‌های امریکا علیه انقلاب ایران، ازهمان بدو پیروزی انقلاب ونیز "خوش‌بینیهای پیشتازان انقلاب" و رخنهٔ "عناصری کهاصلا روحیه انقلابی نداشتند" و از "بستر غرب" برخاسته بودند در شورای انقلاب و دولت موقت و سپس ریاست جمهوری، تاکید کرد:

"بااینکه در ۲۲ بهمن ۵۷ امپریالیسم امریکا با تاج شکسته از در بیرون رانده میشود، اینبار از پنجره با یقه چاک وبا اوراقی چون کیش شخصیت وتعمیم امامت در دست وارد معرکه شد و چون گرگ براستخوان انقلاب تاخت وخسارت سنگینی بخاطر یک قالب ـ گیری ناجور براین ملت وارد شد."

نیروی واکنش سریع: ابزار غارت وجنایت آمریکا

ناطق بعدی قبل از دستور حجت الاسلام خلخالی نماینده مردم قم بود، که طی سخنان مشروحی شدیدا به مانور نظامی امپریالیسم امریکا در منطقه حمله کرد و اهداف تجاوزکارانه او را فاش ساخت. وی دربخشی ازسخنانش گفت:

"ایالات متحدهٔ آمریکا ساز مان واکنش سریع نظامی، یعنی لشکرکشی و قشون‌کشی را دراین روزها به منطقه به خاک مسلمانان آغازکرده است. اینجا به اصطلاح ستاره تابناک ۸۱، یعنی چراغ موشی وایجاد واکنش سریع، یعنی تلاش مذبوحانهٔ آمریکا."

ناطق ضمن برشمردن اهداف امریکا ازاین مانور گفت:

"یکی ازاین اهداف مسلما حفظ پایگاه تجاوزکارانه اسرائیل و نابود ـ کردن و به خاک‌وخون کشیدن ملت فلسطین است، ولی باید به آنها گفت ممکن است با قدرت بشری قلل هیمالیا دماوند و آلپ وآند را از صحنه زمین حذف کرد، ولی ارادهٔ پرتوان ملت ها رانمیتوان کنار زد."

ناطق همچنین گفت: "هدف دیگر امریکا و واکنش سریع دلداری و ایجاد اطمینان در قلب ترسوی حکام و سگان زنجیری آنان در منطقه است، که یعنی بدانید آمریکا پشت سر شماست."

حجت الاسلام خلخالی سپس با اشاره به "حکام مرتجع عرب و کشور ـ های خاورمیانه، که وابستگی به ایالات متحده امریکا وصهیونیسم بین الملل" دارند، از سرنوشت امثال آنان درویتنام واتیوپی ومصر و ایران سخن گفت و از این مرتجعین خواست تا از سرنوشت آنان پندگیرند.

نفرت مردم ایران از آمریکا، کشورهای ناتو ومستکبرین جهانی

حجت الاسلام خلخالی در بخش دیگری از سخنانش گفت:

"ما با ملت آمریکا طرف نیستیم. اگر پرچم آمریکارا آتش میزنیم، برای آنست که میخواهیم نفرت خودمان را به دولت‌های خودکامه وتجاوز کار و طرفدار صهیونیسم بین الملل نشان بدهیم وهمین‌طور در اروپاوهمین‌طور دولت‌های پیمان ناتو و دولت‌های ارتجاعی منطقه."

ناطق آنگاه به تشریح هدف دیگر آمریکا از انجام این مانور تجاوزکارانه اشاره کرد وآنرا "چنگ و دندان‌نشان دادن به انقلابیون منطقه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران" نامید. وی گفت:

"اکنون خاورمیانه وتمام مسلمانان درجزیرةالعرب ودرمصر ودرهرجا علیه آمریکا قیام نموده‌اند ومیخواهند دیگر سایه شوم این ابرقدرت رانبینند."

حجت الاسلام خلخالی آنگاه به بیانیه وزارت امور خارجهٔ کشورمان در مورد محکوم نمودن این مانوراشاره‌کرد وضمن تاکید برناکافی بودن آن پیشنهاد کردکه:

"همه ملت ایران یک تظاهرات پر شور ی علیه آمریکا سازمان دهند."

وی همچنین با اشاره به جنگ تحمیلی عراق، که به‌خواست وبااشارهٔ امریکا آغاز شده‌است و ادامه می‌یابد، تاکید کرد که حتی اگر این جنگ هم تمام شود، ممکنست امریکاخودش مستقیما واردشودو "مابایدبرای یک جنگ ۲۰ سالهٔ طولانی آماده‌شویم وآماده‌هستیم."

نبرد رویارو با آمریکا

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، طی سخنانی به‌مسئلهٔ مانور نظامی امپریالیسم امریکا اشاره‌کرد و ازجمله گفت:

"حضور چند هزار نیرویی که با چتر مخصوص از هواپیما با اسلحه‌ها ی مدرن به‌زمین فرود آیند، چه در مصر، چه در عمان ویادرجای دیگر، هر قدر هم که‌باشند، بیشتراز نیروی‌عظیم شاه معدوم ایران‌نمیتواند باشد. امریکا ۱۰ لشگر مجهز عراق وارد خاک ماکردوغیر ازرسوائی چه‌نتیجه‌ای گرفت؟ آمریکا این‌کار را در ویتنام کرد و ۴۰۰ هزار سرباز بامدرن‌ترین امکانات نظامی را به‌آنجافرستاد وبعداز سالها خون‌ـ ریختن وکشته‌دادن شکست خورد و منفور بیرون آمد... کجای دنیا (آمریکا) توانسته با این روشها پیروز شود"؟

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به‌اینکه در زمان شاه معدوم همه دول‌مرتجع منطقه از "پاکستان وترکیه‌و کشورهای خلیج‌فارس وعربستان سعودی وعراق" ازاوحمایت‌میکردند، گفت:

"ملت‌مسلح وجان‌برکف امروز ما بانمونه‌هائی که از پیروزی‌انقلاب‌دیده‌اند وباغروری که‌درشکستن‌ابهت‌ارتش صدام‌بدست‌آورده‌اند و بیداری که در منطقه می‌بینند، چه وحشتی میتوانند داشته‌باشند از این‌حرکت آمریکا؟ ما استقبال میکنیم. بگذارید به جا ی اینکه ما مواجه‌بشویم با سربازان‌فریب‌ـ خورده عراق، با تفنگداران رسمی آمریکا مواجه‌بشویم که‌گلوله‌ای‌که‌شلیک میکنیم، به‌جای‌سوراخ‌کردن بدن یک سربازعراقی فریب خورده، نیروها ی شریر آمریکا را از میان برداریم."

رئیس مجلس اقدام نمایندگان حزب سوسیال دمکرات‌المان‌غربی در پارلمان‌این کشور را، که‌باصدوربیانیه‌ـ ای علیه جمهوری اسلامی‌ایران، ایران انقلابی را بخاطر برخورد باتروریست ـهای‌داخلی محکوم کرده‌اند، محکوم کرد وبااشاره به این‌که آلمان‌غربی د ر محاصرهٔ‌اقتصادی ایران شرکت‌داشت پارلمان این‌کشور و این‌نمایندگان را "شریک‌جرم" دراین اقدام‌دانست. وی خطاب به این‌نمایندگان‌تاکیدکرد:

"مابه شمامیگوئیم از این به بعد چاه‌های نفت و مراکز مواد خام در منطقهٔ‌اسلامی به‌این ارزانی و آسانی به‌طرف غرب نخواهد آمد."

سپس مجلس وارد دستور شد و بحث درمورد لایحه مستعفی شناختن نمایندگانی که مدت طولانی‌در مجلس غیبت کنند، ادامه‌یافت وپس از پایان آن، این‌ماده واحده بااکثریت قاطع به تصویب رسید.

دراین جلسه اعتبارنامه هاشمی نماینده فلاورجان نیز مورد تصویب قرارگرفت.

سپس‌لایحه راجع به‌توقف‌اجرای احکام دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل های مسکونی، که در جلسه قبل دو فوریتی بودن آن به‌تصویب رسیده بود، در دستور قرارگرفت وبحث‌درموردکلیات آن‌آغاز شد.

فکر بنیادی برای حل مشکل مسکن

درسخنان موافق و مخالف‌این لایحه، مجید انصاری، نمایندهٔ‌زرند در سخنان‌خود، بعنوان‌موافق، ازجمله گفت:

"این راه حل (توقف احکام) راه‌حل بنیادی نیست و دولت مکلف است فکر بنیادی برای حل مشکل کند واین‌علاج‌درد نیست. اما در خو د لایحه دولت خودرا مکلف کرده که ظرف ۳ ماه لایحه اساسی را تقدیم مجلس کند واین نکته مثبتی است در این‌لایحه."

وی سپس با اشاره به مخالفین لایحه، که‌از "غیرشرعی" بودن لایحه سخن‌گفته‌بودند، خطاب به آنان‌گفت:

"من‌فکرنمیکنم شرع همیشه طرفدار مالک و مالکیت بوده باشد."

ناطق گفت:

"مالکیت‌برای‌احقاق‌حق‌است... شمایک مشت‌افرادی که‌دستشان‌به‌هیچ جابندنیست‌ورژیم شاه دست اینها را کوتاه‌گرده، آواره میکنید، بعدمیگوئید ازنظر اخلاقی اسلام گفته‌هرکس چنین وچنان‌باشد. مگر الان نظام اخلاق اسلام در جامعهٔ ماحاکم‌است؟ مگر مالک‌های بی‌انصافی که چندصد واحد مسکونی آپارتمانی در تهران و شهرستان‌ها دارند، اینها محدود به اخلاق اسلامی هستند که شما بگوئید حالا قانون راخلاف اینها وضع کنید و اخلاقا اینها راملزم کنید که اینها را بیرون نکنند."

ناطق در پایان‌گفت: "اگر این لایحه امروزتصویب نشود، من مطمئنم خون‌بسیاری ازبچه‌های فقیروبچه‌های محرومی که دراثر سرماخواهند مرد، به‌گردن‌کسانی خواهد بود که در فکر مشکل اینها یاوضع قوانین مناسب برای آنهانبوده‌اند."

دکتر زرگر از دیگر موافقان، در برابر سخنان مخالفان، که تصویب این لایحه را "غیرشرعی" میخواندند، گفت:

"آن‌قانونی که قضات‌دادگستری طبق آن‌حکم میکنند، همان قانون طاغوتی رژیم شاه در مورد مالک و مستاجر است وآن غیرشرعی است."

پس‌ازپایان‌سخنان‌موافق‌ومخالف رای‌گیری شد ودرنتیجه‌کلیات آن با اکثریت‌قاطع به‌تصویب‌نمایندگان‌رسید.

جلسه‌علنی بعدی مجلس شورای اسلامی روز ۲۵ آبان‌ماه ۶۰ تشکیل شد دراین‌جلسه ابتداحجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی درگذشت آیت‌اله علامه طباطبائی را به‌عموم نمایندگان ومردم تسلیت گفت، وآنگاه مجلس واردد ستور شدواعتبارنامه‌های آقایان احمد زمانیان نمایندهٔ نهاوند، رحیمی حاجی‌آبادی نماینده ماهشهر و ابو ـ الحسن اله بهداشتی نمایندهٔ‌نوشهر طرح‌شد وبه تصویب رسید.

اشراف مخالف اسلام انقلابی هستند

سپس لایحهٔ مربوط به اصلاح لایحه‌تشکیل پلیس قضائی مطرح‌شد و بس از بحث نمایندگان‌موافق‌و مخالف به‌تصویب رسید.

آنگاه بحث در مورد جزئیات لایحه "توقف اجرای احکام تخلیه..." آغاز شد وپیشنهادهای مختلف نمایندگان در اصلاح وتکمیل‌این‌لایحه مورد بحث قرارگرفت.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ مخالفانی که‌مرتب لایحه را "غیرشرعی" می‌نامیدند، از جمله‌چنین گفت:

"آدم متأسف میشود که اسلام دست ماها افتاده. اسلامی که وقتی که بروزکرد اولین مخالفش اشراف بودندو امروز هم ماداریم‌ازاشراف زالو صفت ضربه می‌بینیم و متاسفانه شخصیت ـ هائی هم از این مسائل دفاع‌میکنند."

رئیس مجلس شورای‌اسلامی‌افزود:

درشورایعالی‌قضائی‌چندنفرمجتهد و مسلم نشستند وآن لایحه را تنظیم کردند. آقایان آنجا مرجع این‌مسائل هستند. دادگاه‌ها زیر نظر آنهاهست. حرج نوعی تشخیص دادند، دولت تشخیص داده، شورای‌عالی‌قضایی تشخیص‌داده، عده‌ای از مردم اهل نظر تشخیص دادند که حرج نوعی در رابطه با مسئله مسکن داردجامعه‌را ازپا در می آورد... یک مشکل عظیمی در زمستان امسال، دارد طبقهٔ محروم راتهدید میکند. اسلام‌فکری بحال‌این ـهانکرده؟ اگر این‌اسلام‌است، پس ما دنبال چی‌میگردیم؟

رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه سخنان خود گفت: "چطورهمیشه اسلام ازاین‌طرف (طرفداری‌ازمالکین) حرف‌بزنند، شده تاحالاقضیه‌ای را که مطرح‌میشود (بعضی از) آقایان از آن طرف قضیه صحبت کنند... اسلام دو طرف قضیه رادارد."

در پایان‌بحث‌درمورد پیشنهاد ـ های مختلف‌نمایندگان، لایحه "توقف اجرای احکام تخلیه‌واحدهای مسکونی" که‌از سوی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی صادر شده‌است، به‌مدت یکسال، با اصلاحات جزئی و با اکثریت قاطع آرائ‌نمایندگان، به‌تصویب رسید.

جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی روز ۲۸ آبان‌ماه ۶۰ تشکیل‌شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه مصطفی تبریزی، نمایندهٔ‌مردم بجنورد بود. وی در سخنان‌خوداعمال‌ووظایف انقلاب از جمله ملی کردن تجارت خارجی، اجرای اصلاحات‌ارضی وکوتاه کردن دست تروریست‌های اقتصادی را ذکرکرد. ناطق درقسمتی ازسخنان‌خود خطاب به‌مسئولان گفت:

"مسئولان دراین موقعیت‌حساس باید باجلوگیری از برخوردهای افراطی برخی‌افراد، که‌گاه‌معلول‌مواضع چپ ـ روانه وگانگستری گروهک هاست، به استقرار ارزش‌های مکتب و به استقرار کامل‌قانون‌ویکپارچگی‌عمل‌در کل کشورکمک نمایندوباتشویق‌منتقدین امربه‌معروف‌ونهی‌ازمنکررا تحقق‌بخشند دولت برای‌مبارزه‌باتورم وبیکاری و برای بالابردن تولید وفعال کردن

بقیه‌درصفحه ۱۵

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و...

بیانیهٔ مشترک

حزب تودهٔ ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری‌های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟

انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی، ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی میهن عزیزما، که به درستی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی سال‌های اخیر جهان ارزیابی می‌شود، لحظات بسیارحساس وسرنوشت‌سازی رامی‌گذراند. این حساس بودن از آن‌جا ناشی می‌شود که انقلاب بزرگ مادرلحظهٔ کنونی، درگیر یکی ازسخت‌ترین نبردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است.

ویژگی برجستهٔ لحظهٔ کنونی انقلاب‌ما دراین‌است که از یکسو بادرهم شکسته‌شدن توطئهٔ سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال و گمراهان چپ‌رو، سد بزرگی از سر راه برای ژرفش انقلاب در دوسمت‌گیری اساسی‌اش یعنی سمت‌گیری ضدامپریالیستی وسمت‌گیری مردمی برداشته شده‌است وازسوی‌دیگرمقاومت عنودانه و خیانتکارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری ازاین گرایش شدت مییابد.

بدون تردید رهنمود **امام خمینی**، رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی درباره‌ٔ لزوم اتخاذ تصمیمات همه‌جانبه‌به‌سود محرومان وتفویض اختیارات مهمی دراین زمینه‌به‌مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که‌درجهت ایجاد شرایط ضروری‌برای تثبیت وتحکیم وگسترش انقلاب وپیشروی‌بسوی تامین عدالت اجتماعی برداشته شده‌است

این گام تاریخی همهٔ نیروهای انقلابی راهم درجهت سازندگی وهم درجهت مبارزه‌علیه‌همهٔ توطئه‌های ضدانقلابی وسرچشمه‌های این توطئه‌ها پرتوان‌تر ساخته است. مقاومت عنودانه‌وسرسختانهٔ دشمنان انقلاب شدت پیدا می‌کندواراده‌ٔ نیروهای عظیم انقلابی میهن‌ما برای درهم شکستن این مقاومت هرروزراسخ‌تر وتوان آن‌ها هر روزبیشترخواهد شد. دشواری‌برسرراه‌پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن‌ما هنوز بسیار است ولی توان انقلاب برای چیره‌شدن براین دشواری‌ها به‌مراتب زیادتراست.

انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای ضدامپریالیستی، آزادیخواه و مردمی وبا ایثار کم‌نظیر توده‌های ده‌هامیلیونی زحمتکشان شهر وروستا و به رهبری بادرایت **امام خمینی**، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، ضربهٔ بسیار دردناکی برپیکر دشمنان سوگندخوردهٔ خلق‌های کشورما و بیش از همه بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج‌گیری خود، آماج کینه آشتی‌ناپذیر این دشمنان قرارگرفت. اکنون وضع چنین است که‌امپریالیسم آمریکا، درمقام سرکردهٔ همهٔ دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم جهانی، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضدانقلاب کشورما، پس از آن که تجاوز جنایت‌بار آمریکایی- صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود نرسیدو آخرین توطئه‌شان که به دست بنی‌صدر پیاده می‌شد، با ناکامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئهٔ تازه‌ای درجهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کارگرفته است.

عناصر پنجگانهٔ این توطئهٔ خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت متکی به قانون وعدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج درجامعه، به کمک ترویج تروریسم کور، و ایجاد کانون‌های شورش و بهره‌گیری از تجاوزنظامی عراق و جنگ تحمیل شده به میهن‌ما، تجاوز درمرزها و درگیرکردن کشورما درجبهه‌های دیگر؛

۲. تشدید دشواری‌های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری‌های اقتصادی از راه احتکار- گرانفروشی و غیره به وسیلهٔ غارتگران داخلی؛

۳. روشن کردن ودامن زدن به آتش نفاق، چنددستگی و زدوخورد میان نیروهای ضدامپریالیستی ومردمی؛

۴. تشدید همه‌جانبهٔ عوامل ناراضی‌کنندهٔ قشرهای گستردهٔ مردم شهر و روستا؛

۵. اخلال هرچه بیشتر درمناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و جنبش‌ها و همهٔ نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی دراین پنج جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن‌چنان ناتوان سازند که برانداختن آن از راه ضربه‌ای از درون ویا از بیرون و یا از راه جازدن خائنی مانند سادات و یاحفیظ‌الله امین، بدون دشواری انجام پذیرد.

حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود دربرابر انقلاب، برآنند که تنها باتجهیز واتحاد همهٔ نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب می‌توان این توطئهٔ خطرناک دشمنان انقلاب را با کم‌ترین تلفات عقیم گذاشت، انقلاب را درجهت رسیدن به این آماج‌ها به‌پیش برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، دربرابر توطئه‌های آینده دشمنان انقلاب گزندناپذیرساخت.

حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همهٔ نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای پایه‌ریزی چنین اتحادی برمی‌دارند و با ارائهٔ یک تحلیل مشترک ازلحظهٔ کنونی، ازدشواری‌ها و راه چیره‌شدن بر آن‌ها، همهٔ نیروهای انقلابی راستین را، صرف‌نظر از تفاوت‌درعقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین که‌ضربهٔ مهلکی برهمهٔ توطئه‌های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرامی‌خوانند.

دشواری‌های انقلاب

همهٔ هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع‌بین جمهوری اسلامی ایران دراین ارزیابی متفق‌اند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری‌های فراوان روبروست.

بررسی کمی موشکافانه‌تر نشان می‌دهد که این دشواری‌ها به طورعمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئهٔ همه‌جانبه و پیگیر جبههٔ متحد دشمنان انقلاب ایران درخارج و داخل کشور؛

۲. کمبودها و نارسایی‌های ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها وارزیابی‌های نادرست، از سوی بخش مهمی ازنیروهای مدافع انقلاب ومسئولان جمهوری اسلامی ایران.

ـ آنچه که ازسرچشمهٔ اول برون می‌ریزد، مجموعهٔ اقدامات کین‌توزانه‌ای است که به وسیلهٔ طیف گستردهٔ جبههٔ متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستیاری همهٔ عوامل شناخته شده وشناخته نشده‌اش درجهان و ایران، پی درپی علیه انقلاب میهن ما انجام می‌گیرد. بخشی از این اقدامات قابل دیدن ومحسوس است، مانند: محاصرهٔ اقتصادی ازسوی آمریکا و همدستانش در اروپای غربی وژاپن، توقیف دارائی‌های ایران، توطئهٔ کودتای طبس، کودتای نوژه، حملهٔ نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آشوب وشورش ضدانقلابی درکردستان، توطئه برای مسخ و منحرف ساختن انقلاب به یاری دست‌آموزانی چون امیرانتظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، یزدی‌ها، بنی‌صدرها، سلامتیان‌ها و نوبری‌ها و دیگر لیبرال‌های آمریکازده "جبههٔ ملی"، "نهضت آزادی"، "رنجبری"ها و سایر گروهک‌های آمریکاساخته، و سرانجام اجرای نقشه‌های تروریستی- بخشی به دست ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای وبخشی به دست گمراهان وبازی خوردگان جوانی که به آلت بی‌ارادهٔ اجرای دستورهای تبهکارانهٔ رهبران خائن خود تبدیل شده‌اند.

گروه دیگر دشواری‌های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل‌دیدن نیستند. این دشواری‌ها از یکسو به دست ستون‌پنجم امپریالیسم در زمینه‌های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه‌داران وبزرگ مالکان و وابستگان به اقشار ممتازجامعه ایجاد می‌شود، و ازسوی دیگر به دست ستون پنجم سیاسی امپریالیسم، یعنی ساواکی‌ها و سایرتفاله‌های آمریکا که خود را درنهادهای انقلابی ومقامات مسئول کشوری و لشگری واطلاعاتی جمهوری‌اسلامی ایران درنقاب "مسلمان متعهد" جازده‌اند- این عناصر با خرابکاری‌های اقتصادی وسیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانندخوره ازدرون می‌خورند وناتوان می‌کنند و به شیوه‌های مزورانه تخم‌نفاق و دشمنی درمیان مبارزان راه انقلاب- اعم‌ازمسلمانان مبارز ودیگرنیروهای مدافع راستین انقلاب می‌کارند.

توطئهٔ ناراضی‌تراشی یکی ازعمده‌ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. این دشمنان سوگندخوردهٔ انقلاب، در دوران دوسال ونیمی که ازپیروزی انقلاب می‌گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده‌اند که، بدون ایجاد تزلزل درپایگاه اصلی انقلاب، یعنی درمیان توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر وروستا، ضربت‌زدن به انقلاب نتیجهٔ مطلوب برایشان ببارنخواهد آورد.

از این‌رو است که ناراضی‌کردن توده‌های میلیونی یکی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می‌دهد. این عمل به‌شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: هم ازراه جلوگیری از دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب درتولید و افزایش بیکاری، گران کردن کالاهای موردنیاز همگان و غارت روزافزون درآمد ناچیز زحمتکشان به دست سرمایه‌داران زالوصفت، وهم از راه‌های بسیار زیرکانه وموذیانه‌ای مانند ایراد فشارهای به‌کلی غیرضرور به مردم درزمینه‌های مختلف زندگی آنان، وسرانجام ازراه تصفیه‌های مشکوک که هدفش دربسیاری موارد برکنارکردن عناصر وفادار به انقلاب وپشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار وجایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امیرانتظام‌ها، کلاهی‌ها، کشمیری‌ها، صادق‌ها و معری‌ها درسطوح مختلف است.

مجموعهٔ این دشواری‌ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، ازهمان روزهایی که پیروزی انقلاب درافق پدیدارشد، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیشگیری و اجتناب بود. تجربهٔ ده‌ها و ده‌ها انقلاب مردمی وضدامپریالیستی درسراسر جهان نشان می‌دهد که درآن انقلاب‌ها نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی وداخلی تقریبا عین همین توطئه‌های تبهکارانه راعملی کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد توانسته است دراین یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی نیروهای پاسدار و نگهبان انقلاب برای رویاروئی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تاسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی

بقیه‌درصفحه ۸

بقیه از صفحه ۷

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

امپریالیسم جهانخوار آمریکا، توانسته‌اند، با بهره‌گیری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود پوشش‌هایی به دست آورند.

دشواری‌هایی که ازسرچشمهٔ دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این‌دسته از دشواری‌ها، درمجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند وچه آن بخش که، بدون شرکت درحاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته دراین میان مسئولیت بخش اول طبعا سنگین‌تر از مسئولیت‌بخش دوم است، درعین این که هردوبخش دربرابرخلق وتاریخ وانقلاب جوابگوی عملکرد خویشند واشتباه یکی نمی‌تواند به عنوان عذر وبهانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

دراین‌دسته از دشواری‌ها، آنچه ازبی‌تجربگی و یا کم‌تجربگی وباحتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند درچارچوب معینی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را دردست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که درآن‌ها تجربه ندارد و فقط درجریان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌اندوزد، ولی این تلاش هراندازه هم که همه‌جانبه و فداکارانه باشد، خالی‌از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چنین اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آن‌چه نابخشودنی است، دشواری‌های ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که درحاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین کنندهٔ سرنوشت روند انقلاب را دردست‌دارند. این دسته از دشواری‌ها، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی سلطهٔ جهانی جابرانهٔ امپریالیسم، نقش تعیین کننده درسرنوشت انقلاب دارند، زیراتجربه انقلاب‌های چندده‌سالهٔ پس ازجنگ دوم جهانی نشان داده است که درپیامد تغییرکیفی درتناسب نیروهای سیاسی ونظامی واقتصادی درجهان به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی ودولت‌های رهاشده از زنجیراسارت استعمارکهنه و استعمارنو، رهبری‌های انقلاب‌های ضدامپریالیستی ومردمی، درصورتی که بتوانند با درایت و سرپرستی همهٔ نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تجهیز کنند، می‌توانند برهمهٔ دسائس دشمنان انقلاب چیره شوند و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی ازکم‌تجربگی وبی‌تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت‌گسترش دهند. و برعکس، غلبهٔ تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست‌در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نفوذ عناصر دشمن ازیک سو وبرای رشددشواری‌های ناشی ازبی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، ونیز به کمک آن‌ها برای دسیسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه توطئهٔ جداسازی و به‌جان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تاسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیارشاهد این واقعیت دردناک هستند که این بیماری خطرناک درانقلاب ما راه پیداکرده و ریشه دوانیده‌است. جامعهٔ انقلابی ما درمرحلهٔ کنونی با طیف پهناوری از همهٔ این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از فعالیت دشمنان وهم بادشواری‌های ناشی از عملکرد منفی‌خودی، دست به گریبان است. ضمنا تاریخ‌انقلاب‌های پیروزشده وشکست خورده به ما می‌آموزد که‌چیره‌شدن بر پی‌آمدهای اشتباهات و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره‌شدن بردشواری‌های ناشی از فعالیت ضدانقلاب مهاجم و دسیسه‌گر، در درجهٔ اول مستلزم آنست که نیروهای موثر وتعیین کننده وبه ویژه حاکمیت انقلابی بتوانند برگرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست وپیش داوری‌های بی‌پایه درصفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بردشواری‌ها باید پیش از هرچیز این دشواری‌ها را شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که‌برای‌ریشه‌کن ساختن این دشواری‌ها وجوددارند، تشخیص داد و همهٔ این نیروها را، بدون هدردادن، درجبههٔ متحدی گردآورد، وبادرنظرگرفتن نیروها وامکانات موجود و ذخیرهٔ خودی وامکانات و نیروهای موجود و ذخیرهٔ حریف، نقشهٔ دقیقی برای نبرد تنظیم کرد و مبارزه را از راه واردساختن ضربهٔ اصلی بر ضعیف‌ترین نقطهٔ جبههٔ دشمن آغازکرد. کوتاه سخن، چیره‌شدن بردشواری‌هایی که دربرابر روند تثبیت و تحکیم وگسترش انقلاب قدعلم کرده‌اند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و پیگیری انقلابی، امکان‌پذیراست.

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر

خوشبختانه امروز بخش عمده‌ای ازنیروهای‌انقلابی راستین (گرچه پس از پرداخت‌بهای سنگین)، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم اروپای غربی وژاپن، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها وسایر گروهک‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان وکلان سرمایه‌داران وحامیانشان رابه عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است.

ولی متاسفانه هنوز دربخش قابل‌توجهی ازنیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت رادردست دارند، درزمینهٔ شناخت کامل دوستان انقلاب ما، نقاط ضعف جدی وجود دارد.

به نظرما، عمده‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از نفوذ ضدانقلاب در درون حاکمیت و نهادهای انقلابی، همین ضعف نیروهای راستین انقلاب در شناخت دوستان راستین ودشمنان آشتی‌ناپذیراست. در درون بخش مهمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کارگرفته شده و می‌شود که: **"هرکس به ظاهر مرا صددرصد تایید کند، دوست است وهرکس مرا انتقاد کند، دشمن است.** با این سنجش، اگر کسی تظاهر به شعائر مذهبی کند، حزب تودهٔ ایران و سازمان فدائیان‌خلق ایران (اکثریت) را "خائن" خطاب کند و "مرگ برشوروی" رامطرح کند که شعار مرگ برآمریکا ازیادها برود، او"دوست" است، حتی اگر کشمیری‌وکلاهی‌وفخارزاده‌وصادق‌و... باشد. واگرکسی‌باصداقت وصراحت بگوید: من‌پیروسوسیالیسم علمی‌هستم‌و، باتکیه‌براعتقاداتم، ازخط ضداستبدادی وضدامپریالیستی ومردمی **امام‌خمینی** پشتیبانی می‌کنم وحاضرم برای دفاع ازمیهنم درمقابل تجاوزآمریکائی صدام‌جان خودرا فداکنم، اودشمن است، و باید طرد شود.

با کمال تاسف، درپیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، درنخستین دوسال پس از پیروزی فرصت‌های بسیارمناسبی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم وگسترش دستاوردهای انقلاب ازدست رفت. دراین دوسال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند بااستفاده‌ازعناصرخود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به اتکای دولت "گام به گام" لیبرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خودفروختگانی چون قطب‌زاده و بنی‌صدر و سلامتیان و نظائرشان، که‌هنوز هم نمونه‌های شناخته نشدهٔ آنان چه‌بسا درجاهای‌حساس نشسته‌اند، ازیک‌سو، و امثال کشمیری و فخارزاده و کلاهی وصادق و معزی و... و بسیاری دیگر لطمات‌سنگینی‌به انقلاب بزنند. درست است که نیروی لایزال توده‌های‌انقلابی وفداکاری وازخودگذشتگی وایثار کم‌سابقهٔ مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت ونهادهای انقلابی وچه درمیان نیروهای پشتیبان انقلاب درخارج از حاکمیت، زیر رهبری بادرایت، بی‌تزلزل و آشتی‌ناپذیر **امام‌خمینی**، این توطئهٔ خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم‌گذاشته است، ولی‌درهمین‌حال‌ساده‌نگری است اگرتصورشود که این توطئه منحرف‌ساختن انقلاب ایران از راه‌اصلیش، برای همیشه با شکست روبروشده است. اشتباه فاحشی است اگرپذیرفته نشود که زمینهٔ این توطئه، همان‌طور که امام‌خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت ضرباتی برپیکر انقلاب واردساخته، که تاکنون برای میهن ما بسیار گران تمام‌شده است. بجاست اگرهمهٔ مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفتهٔ تاریخی امام خمینی‌رابه‌یادبیاورندودرتمام‌کارروزانهٔ‌خود همواره بدان توجه داشته‌باشند:

> **"نباید فراموش کنیم که درجنگ‌با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تفاله‌های آمریکا. این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم. الان هم هستند."**
>
> امام‌خمینی– گفتار ۵ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۰

تنها با بکاربستن این رهنمود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانند‌این‌خطرناک‌ترین سرچشمهٔ‌ایجاد تشنج و نفاق را در درون جبههٔ نیروهای انقلابی شناسایی کنند و این سرطان خطرناک را دورسازند. دراین ارتباط بسیاربجاست اگرتوجه کنیم که همهٔ عناصری که امروز خیانتشان مسلم‌شده است، باچند جنگ‌افزار سیاسی وارد میدان شدند: تظاهر به‌اسلام، حتی درمواردی تظاهر به "اسلام افراطی وقشری"، دشمنی کین توزانه با بخشی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه باحزب تودهٔ‌ایران، و برعکس گذشت ودوستی وپشتیبانی از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، ضدانقلابی‌ها، مائوئیست‌ها و سایر تفاله‌های آمریکا ودشمنی لجام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی وبه ویژه با اتحاد شوروی از یک‌سو و دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی وژاپن ازسوی دیگر؛ حمایت از منافع غارتگرانهٔ کلان سرمایه‌داران وبزرگ‌مالکان وسایر زالوهای اقتصاد و مخالفت با سمت‌گیری مردمی انقلاب وجلوگیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع منافع محرومان و محدودکنندهٔ غارت چپاولگران است.

بدین‌سان، نیروهای انقلابی برای شناخت دوستان راستین ودشمنان کین‌توز انقلاب پیش‌از هرچیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین‌وخطرناک‌ترین مانع دراین زمینه خودمحوری و تنگ‌نگری است. برپایهٔ خودمحوری وتنگ‌نگری قشری یا اجتماعی– طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موثق‌ترین معیار سنجش دراین زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال وآزادی واقعی برای دست‌یافتن به آن‌ها، علیه جبههٔ متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جانبازی و ایثار کم‌نظیرانقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که درجمهوری اسلامی ایران ودر قانون اساسی‌اش متبلورگردید، عبارت بود از:

– پایان بخشیدن به تسلط جابرانه وغارتگرانهٔ امپریالیست‌ها و تامین همه‌جانبهٔ استقلال ملی؛

– سرنگون ساختن کاخ استبداد و بیدادگری و تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛

– لجام زدن به غارتگری بی‌بندوبار چپاولگران اجتماعی وتامین‌عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم وغارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که **امام‌خمینی** همواره وبدون کوچک‌ترین تغییر، مورد تاکید قرارداده‌اند، چه درمورد مناسبات با نیروهای اجتماعی درون جامعهٔ انقلابی خودمان و چه‌درمناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسرجهان، درست به کاربریم، بی‌تردید خود را ازبسیاری از اشتباهات، و شاید از عمده‌ترین بخش‌آن، نجات خواهیم داد.

بقیه‌در‌صفحه ۹

بقیه از صفحهٔ ۸

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و...

بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط **امام خمینی** می‌داند، شناخت درست و کاربرد عقلائی همین معیاراست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای تعیین معیارهای موردبحث دارای ارزش بسیاراست، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. دراین قانون، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جهات اصلی سمت‌گیری انقلاب ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی ایران ترسیم شده واصول ضرور برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" تاحد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش تعهد صادقانه دراجرای بدون‌خدشهٔ قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم میهن ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا معیارهای واقعی را برای شناخت دوستان ودشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری ـ اجتماعی انقلابی، میهن‌دوست و آزادیخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، برانداختن کامل سلطهٔ جابرانهٔ استعمار و استثمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی‌ـ اجتماعی درجهت خواست‌های انقلابی‌ـ اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیونی کارگران وسایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامهٔ خود قرارداده‌اند، نظر خود را دراین زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. مااعتقاد راسخ داریم که این برنامه درچارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی واقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، پیروان راستین خط **امام خمینی** [illegible] چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و باحداقل بسیار نزدیک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به مبانی عقیدتی خود، با تمام نیرو از خط ضدامپریالیستی ومردمی **امام خمینی** پشتیبانی می‌کنیم وپیگیری خستگی‌ناپذیر در راه ایجاد جبههٔ متحدی از همهٔ نیروهای پیروخط **امام خمینی**، ازهمه نیروهای پشتیبان خط امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشیم.

الف. استقلال ملی

به نظرما، استقلال ملی برای خلق‌های میهن ما هنگامی تامین است که ریشه‌های هرگونه تسلط جابرانهٔ سیاسی، تسلط غارتگرانهٔ اقتصادی، تسلط آمرانهٔ نظامی و تسلط گمراه کننده و منحرف‌سازندهٔ فرهنگی استعمار واستعمارنو خشکانده شود وسرنوشت میهن ما و خلق‌هایی که درآن به سرمی‌برند، تنها و تنها با اعمال ارادهٔ آزاد توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان تعیین گردد.

طی دوسال ونیمی که ازپیروزی انقلاب شکوهمند میهنمان می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری درزمینهٔ تامین استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون نیز مردم میهن ما به پیکاری سرنوشت‌ساز برای تثبیت و تحکیم وگسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگرتصور شود که انقلاب ایران درزمینهٔ استقلال همه‌جانبه به همهٔ آماج‌های خود رسیده است:

درزمینهٔ استقلال سیاسی امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا طی دوسال ونیم گذشته، درحاکمیت سیاسی، به وسیلهٔ عمالی که درنهادهای انقلابی جارده بود، درمجموعهٔ جوسیاسی فعال، پایگاه‌های نیرومندی را در اختیارداشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طورموثر بهره‌گیری می‌کردو، با کمال تاسف بایدگفت که، هنوزهم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که تاهمین اواخر وزارت خارجهٔ ایران وتقریبا تمام ترکیب هیئت‌های نمایندگی ایران درسراسر جهان دردست بازماندگان عیان ونهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امپریالیسم، یعنی سنجابی‌ها، یزدی‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و سایر دستیارانشان قرارداشت.

درآن زمان سیاست خارجی ایران به طورمشخص درجهت هموارکردن راه سازش با امپریالیسم آمریکا، درجهت جلوگیری آشکار و بی‌پروا از گسترش مناسبات دوستانه باکشورهای انقلابی وجنبش‌های آزادی‌بخش ضدامپریالیستی که درجبههٔ واحدی با انقلاب ایران علیه امپریالیسم وصهیونیسم مبارزه می‌کنند، درجهت تیره‌ساختن مصنوعی مناسبات ایران باکشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی، که همه‌جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند، سیر می‌کرد.

دربرخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، یزدی‌ها وقطب‌زاده‌ها وبنی‌صدرها سیاست ایران‌را درست به صورت دنبالهٔ سیاست دشمنان سوگندخوردهٔ انقلاب ایران و همهٔ انقلاب‌های مردمی جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان درآوردند.

تصادفی نیست که پس ازگذشت بیش ازدوسال ونیم ازپیروزی انقلاب، میان کشور ما و کشورهایی چون جمهوری دموکراتیک خلق یمن و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که دراولین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی قرارگرفته‌اند، تازه دارد روابط سیاسی برقرارمی‌شود ودولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن دولت انقلابی کامبوچیا خودداری می‌کند، و آن‌هم درشرایطی که این دولت انقلابی ازطرف همهٔ کشورهای جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی وهمهٔ جنبش‌های آزادی‌بخش ملی به رسمیت شناخته شده وتنها ازطرف امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی وژاپن، و نیز چین واسرائیل ورژیم پینوشه وآفریقای جنوبی وسایر دشمنان انقلاب ایران تحریم شده است.

مردم ایران وهمهٔ نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعیت را مورد توجه قرارمی‌دهند که ازمدتی پیش ازبرکناری بنی‌صدر، و به ویژه پس از رسوایی وبرکناری خط آمریکایی سازش و تسلیم ازمیدان فعالیت سیاست‌خارجی ایران، گام‌های چندی درجهت تصحیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است. امید است که این گام‌ها سرآغاز یک چرخش تاریخی درشناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب ایران درمیدان بزرگ نبردجهانی باشد.

به نظرما دردنیای امروز **استقلال واقعی وعدم‌وابستگی** هرکشور بدون **همبستگی** با جبههٔ عظیم ونیرومند جهانی ضدامپریالیستی امکان‌پذیر نیست. این جبهه، به طورتفکیک‌ناپذیر، تشکیل می‌شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل وانقلابی کارگری درکشورهای سرمایه‌داری رشدیافته و جنبش‌های راستین آزادی‌بخش ملی وضدامپریالیستی چه آن‌هایی که درکشورهای خود به پیروزی رسیده ودولت‌های ضدامپریالیستی ومردمی به‌وجود آورده‌اند و چه آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی واستقلال نبرد می‌کنند.

این جبهه محصول یک نبرد تاریخی بسیار درازمدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دویست سالهٔ طبقهٔ کارگر درسراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، محصول پیروزی اتحاد شوروی و سایرنیروهای انقلابی خلقی وآزادیخواه علیه فاشیسم آلمان وایتالیاونظامی‌گری ژاپن درجنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی درنزدیک به بیست کشورجهان در دوران پس ازجنگ، وسرانجام محصول کامیابی‌های عظیم ونبردزندگی ومرگ جنبش‌های ضدامپریالیستی واستقلال‌طلب درده‌هاوده‌ها کشور دیگراست. این جبهه محصول عالی تلاش تمام بشریت مترقی دوران ما علیه بیدادگری وغارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها درچارچوب همبستگی با این جبههٔ جهانی، جنبش‌های راستین و اصیل آزادی‌بخش ملی می‌توانند به آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌پژوهانهٔ خود دست‌یابند و، درست برعکس، بریدن پیوندهای همبستگی با این جبههٔ نیرومند جهانی، نخستین گام درجهت افتادن در دام‌های امپریالیسم جهانی است. سرنوشت انقلاب‌های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوچیا، موزامبیک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان وده‌ها کشوردیگر از یک سو، وکشورهای اندونزی، مصر، سودان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان ازسوی دیگر، به بهترین وجهی این واقعیت دوران ما رانشان می‌دهد.

دشمنان همبستگی با این جبههٔ نیرومند جهانی و آن عناصرناآگاه که‌در دام این دشمنان افتاده‌اند می‌کوشند از راه بازی با واژه‌ها این همبستگی وکمک متقابل برادرانه و برابرحقوق را به عنوان وابستگی جابزنند و توده‌های مردم انقلابی را ازحرکت دراین راه بازدارند.

واقعیات انکارناپذیر دوران ما درسراسر جهان نشان می‌دهد که دشمنان سرسخت دوستی و همبستگی با جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی، زیرهرنقابی که ظاهرشوند، بالاخره مانند قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها ازباتلاق تسلیم به‌امپریالیسم سردرمی‌آورند.

دفاع ملی

تامین استقلال سیاسی بدون امکانات اطمینان‌بخش برای دفاع ملی میسر نیست. دردنیای کنونی، که نیروهای متجاوز امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی برای تثبیت پایه‌های متزلزل‌شدهٔ کاخ‌های فرمانروایی غارتگرانه وجابرانهٔ خود، ازدست یازیدن به هیچ گونه جنایتی روگردان نیستند. سازماندهی یک سیستم نیرومند دفاع ملی، هم درزمینهٔ دفاع‌نظامی و هم درزمینهٔ امنیتی، یعنی دفاع دربرابر نفوذ خرابکاران و توطئه‌گران وابسته به دشمن، از ضرورت‌های درجهٔ اول انقلاب است.

تجاوزنظامی رژیم ضدمردمی وجنایتکار صدام پایان تجاوزهای نظامی امپریالیستی نیست. امپریالیسم آمریکا ورژیم‌های ارتجاعی منطقه خودرابرای واردآوردن ضربات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کنند. آمریکا پایگاه‌های نظامی خود را در پیرامون ایران گسترش می‌دهد. درترکیه، پاکستان، عربستان سعودی پایگاه‌های نظامی جدید بوجود می‌آید وپایگاه‌های موجود فعال می‌شود. ارتش آمریکا نیروی ضربتی واکنش سریع را برای ورود به عمل آماده می‌کند. و هم‌پیمانان اروپایی او درناتو تعهدات معینی دراین زمینه به عهده می‌گیرند. خلیج فارس عملا درمحاصرهٔ نیروی دریایی و پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، تبهکاری خود را درکشورهای عربی هر روزتشدید می‌کند و رژیم‌های ارتجاعی مصر و سودان و اردن و عربستان وارد بندوبست‌های خطرناکی با امپریالیسم وصهیونیسم می‌شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین وحساس‌ترین آماج‌های نظامی امپریالیسم درخاورمیانه است و برای این که دربرابر توطئه‌های نظامی امپریالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند، انقلابی و مردمی نیازدارد. نیروهای مسلح کشور به منظوردفاع دربرابر هرگونه تجاوزی باید هم ازلحاظ کمی وهم ازلحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه‌ناپذیر این نیروها درتمام سطوحش به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب ودراختیار گرفتن جنگ‌افزارهای امروزین و کاربرد و آمادگی فنی‌ورزمی. باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح‌ها را بدون وابستگی وقیدوشرط به دست آورد و از همهٔ امکانات برای خودکفائی ارتش تاحدممکن بهره‌گیری شود.

ولی همان‌طور که تجربهٔ دوسال ونیم انقلاب نشان داده، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی، پاکسازی دقیق دستگاه‌های دفاعی وامنیتی وانتظامی از عناصر وابسته به دشمن وایجاد سدی برسر راه نفوذ ستون پنجم ساواکی، سلطنت‌طلب، مائوئیستی، لیبرال وخرابکاردراین سیستم...

بقیه درصفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۹

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

تجربهٔ دوسال ونیم گذشته نشان داد که هشدارهای سازمان‌های مترقی در این زمینه تاچه اندازه درست بوده است.

این تجربه ازطرف دیگر به خوبی نشان داد که توده‌ای‌ستیزی، فدائی‌ستیزی وکمونیسم‌ستیزی، زیرچتر تظاهر افراطی به اسلام، تنها و تنها جاده‌صاف‌کنی برای نفوذ عناصر ضدانقلاب نظیر کشمیری، کلاهی، فخارزاده، معری و ده‌ها و ده‌ها افسرکودتاچی از نوع باقری و علوی دردستگاه‌های ارتشی، پلیس و امنیتی بوده است. این اصل درآینده هم مسلما به قوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از شرکت نیروهای راستین انقلاب درامردفاع ملی، خواسته‌یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین‌توز ضدانقلاب. تاریخ آیندهٔ انقلاب ما صحت این حقیقت انکارناپذیر را تایید خواهدکرد و چهرهٔ کریه قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌های افشاء نشده را از زیرنقاب‌های ریاکاری بیرون خواهدکشید.

درامرسازماندهی دفاع ملی، تقویت همه‌جانبهٔ سپاه پاسداران – ازلحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزین سبک وسنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش ازپیش نیروگرفته و جای شایستهٔ خود را دردفاع از انقلاب احرازکند.

درامرسازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش‌های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی‌دارد. این هماهنگی باید برمبنای اصول انقلابی‌تحکیم‌شودودرخدمت آماج‌های‌مردمی‌وضدامپریالیستی‌انقلاب قرار گیرد.

استقلال اقتصادی ضامن بی‌چون وچرای استقلال سیاسی است

دراین زمینه نیز انقلاب شکوهمند میهن ما به دستاوردهای گرانبهایی‌رسیده است، که هریک برسلطهٔ بی‌چون وچرای امپریالیستی براقتصاد ما، ضربه‌ای کاری وارد آورده‌است. یکی ازمهمترین این دستاوردها همان کوتاه‌کردن دست غارتگر امپریالیست‌های جهانخوار ازمنابع سرشار نفت ایران است که با لغو کلیهٔ قرار–دادهای تحمیلی استعماری، به آخرین مرحلهٔ رهایی از تسلط انحصارهای امپریالیستی رسید. ولی علی‌رغم این دستاورد بزرگ ودستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز درتارعنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دست‌وپا می‌زند وهنوزباصدها زنجیر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون وسیع‌ترین وفعال‌ترین بخش اقتصاد کشوراست، به طورعمده و تعیین کننده در دست سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یک‌جانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع مونتاژ، که بخش عمدهٔ صنایع ساخته شده در چارچوب وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، هنوز دراین چارچوب دست‌وپا می‌زند وآیندهٔ روشنی برای آن دیده نمی‌شود. همان‌طور که سیاست مزورانه و دورویانهٔ امپریالیست‌های‌ژاپنی درموردخودداری از ادامهٔ بخش کوچک‌پایانی ساختمان مجتمع پتروشیمی نشان می‌دهد، این غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسبات دوران آریامهری، یعنی دوران غارت بی‌بندوبار ثروت‌های ملی ما، حاضر به "همکاری" با کشورما هستند. ازهمان روز پیروزی انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام‌تاروپودش می‌شناختند، روشن‌بود که‌سیاست‌رسیدن‌به‌استقلال اقتصادی‌برای‌ایران‌انقلابی، تنها وتنها ازراه بریدن همهٔ زنجیرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی وتلاش برای بهره‌گیری از مناسبات برابرحقوق باکشورهایی که حاضر به برقراری‌چنین‌مناسباتی هستند، و دردرجهٔ اول با کشورهای‌جبههٔ عظیم ضدامپریالیستی جهان امکان–پذیراست. تنهادرچارچوب این مناسبات است که کشورما می‌تواند ازثروت‌های عظیمی که دراختیار دارد، برای پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین نحواستفاده کند. مقایسه نتایج کارمجتمع‌های بزرگ صنعتی ذوب‌آهن اصفهان وپتروشیمی‌ناتمام ونیز کارخانجات گران‌قیمت فولاد گازی با یکدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران‌باید برای توسعهٔ صنایع خود، به عنوان پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزیند. راه رسیدن به استقلال اقتصادی میهن ما ازکنارمیدان‌های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین‌سازی و پتروشیمی، که باید هرچه زودتر دست به کاراحداث آن‌ها شد، می‌گذرد. و این صنایع را تنها وتنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می‌توان پایه‌گذاری کرد. دشمنان ومخالفان این سمت‌گیری در اقتصاد کشورما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا ناآگاهانه، درجهت‌نابودی استقلال سیاسی وتجدید وابستگی استعماری دوران آریامهری عمل می‌کنند.

درمورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست‌های جهان‌خوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطهٔ خود برکشورما روزبه روز ناامیدتر می‌شوند، درمورد کشورما، چنانچه درمواضع ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی خود پایداربماند، همان‌سیاستی را اعمال خواهند کرد که ۲۰ سال است درمورد کوبای انقلابی وچندین سال است درمورد ویتنام انقلابی اعمال می‌کنند، یعنی ادامه وتشدید فشارهای اقتصادی تاحد تحریم خرید نفت ایران. دراین زمینه امپریالیست‌ها ازحمایت دستیاران خوددرعربستان سعودی ودیگر رژیم‌های ارتجاعی کشورهای صادرکنندهٔ نفت، بهره‌گیری می‌کنند. امتناع ۱۳ شرکت ژاپنی از ادامهٔ خرید نفت ایران، که مسلمادر رابطه با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی– هلندی نفت انجام گرفته، حلقه‌ای از زنجیر این‌اعمال فشار اقتصادی است. ساده‌بینانه است اگرتصور شود که امپریالیست‌های جهانی، باتوجه به امکاناتی که درعربستان سعودی ودیگر کشورهای نفت‌خیز زیر تسلط خود دارند، پیش از انفجار انقلابی در این‌کشورها به علت احتیاج به نفت ایران، اجباری به پذیرش شرایط‌ایران انقلابی‌خواهند داشت. دولت ایران باید درزمینهٔ اقتصاد نفت و گاز هرچه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش بسیارمهم از اقتصاد، هم‌ازجهت تامین بازار فروش نفت وگاز و هم‌ازجهت تامین تکنولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری‌صنعتی، تنها درچارچوب همکاری همه‌جانبه باکشورهای جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی وکشورهایی که در راه تامین استقلال اقتصادی خودکوشا هستند، امکان‌پذیراست.

تامین و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی رهایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوتاه‌کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و ازبخش تعیین کنندهٔ توزیع کالاهای ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان‌پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید دراین زمینه مواضع مسلط به دست آورند. جامعه تنها از این راه می‌تواند برفعالیت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی‌بندوبار کلان سرمایه‌داران و محتکران و واسطه‌های بزرگ زالوصفت که درطول دوسال ونیم پس از انقلاب، به‌گونه‌ای لجام‌گسیخته، زحمتکشان میهن ما را غارت کرده‌اند، لگام زند.

لزوم پی ریزی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی‌ریزی وسازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی ودام‌داری، برپایهٔ آخرین دستاوردهای علمی وتجارب اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام‌دراین راه پایان بخشیدن به نظام‌جنایت‌بار بزرگ‌مالکی است که هنوز، چون هشت‌پای خون‌آشام، آخرین رمق میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌مکد و بزرگ‌ترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشداقتصاد کشاورزی است. تصویب واجرای بی‌خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایهٔ آنچه درشورای‌انقلاب مورد تایید قرارگرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموارمی‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است.

پی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، میسرخواهد بود. برای کشورما، که زحمتکشان روستایش از ابتدایی‌ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی ودامپروری محرومند، یگانه وسیله برای بازکردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دامداری وشرکت داوطلبانهٔ دهقانان، با کمک‌همه‌جانبهٔ دولت، درآن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

– ایجاد مراکز تحویل وتعمیرماشین‌های کشاورزی وتامین سوخت آن‌ها.
– تامین وتحویل کود ضرور وبذرمرغوب وپرمحصول،
– تاسیس وگسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذروکود، خدمات عمرانی و راهنمایی‌دهقانان،
– واگذاری اعتبارات درازمدت و کم‌بهره،
– فعالیت دامنه‌دار برای تهیهٔ آب، آب‌رسانی، برق رسانی و ساختمان راه‌های روستایی،
– خرید یکجا و با بهاء مناسب مازاد محصولات کشاورزی وقطع‌دست غارتگر سلف‌خران، واسطه‌هاو محتکران،
– کمک به ایجاد شبکهٔ وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نیازمندی‌های روزمرهٔ روستائیان،
– کمک به ایجاد شوراهای ده درکلیهٔ روستاها و دادن اختیارات وامکانات مالی و قانونی به آن‌ها وتبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال وموثر قدرت دولتی‌در روستا.

استقلال فرهنگی

به موازات وابستگی اسارت‌بار سیاسی واقتصادی، رژیم ننگ‌بار پهلوی اسارت فرهنگی میهن‌عزیز ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزش‌ترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ درحال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" منحط آمریکایی به بالاترین درجهٔ خود رسانید، – به جائی رسانید که‌گذاشتن نام "عطاری" و یا "داروگری" روی تابلوها ننگ وعار به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراگ استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران‌معنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند، نشانهٔ تشخص و اعتبارشد.

کریه‌ترین داغ ننگ برسیاست فرهنگی رژیم وابسته آریامهری واقعیت‌های سوادآموزی است. درکشوری با این همه امکانات اقتصادی ومالی، که کم‌تر کشور درحال رشد درجهان ازآن برخوردار بوده است، درکشوری با این فرهنگ غنی و اصیل، کندی پیشرفت ابتدایی‌ترین پایهٔ فرهنگ مترقی، که باسوادکردن توده‌های میلیونی زحمتکشان است، کم‌نظیر بوده‌است. همین بس که درآخرین سال‌فرمانروایی رژیم وابستهٔ سرنگون شده، خود رژیم مجبورشد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زنان روستایی از نعمت خواندن ونوشتن محرومند و امکان سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین ومبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند میهن ما دربرابر حاکمیت انقلابی گذاشت، همین پاره‌کردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ درحال انحطاط غرب وپی‌ریزی یک فرهنگ‌شکوفای ملی بود. **امام–خمینی** دررهنمودهای خود به مناسبت نهضت سوادآموزی و گسترش شبکهٔ مدارس ومبارزه باغرب زدگی درفرهنگ، اهمیت این نبرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکهٔ مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصمیم دولت دربارهٔ کمک مالی به هرگروه مردمی که بخواهد مدرسه‌ای بازکند، البته گام‌های قابل تاییدی دراین راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۰

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

کمبودها، اشتباهات، خرابکاری‌ها . . . که درهمهٔ زمینه‌ها اثرگذاشته‌است. دراین میدان‌هم به صورت مانع اصلی دربرابر روند پیشرفت درآمد.

به علت تسلط غرب‌زدگان و آمریکازدگان و پیروان خط لیبرالی سازش و تسلیم بردولت موقت و دنباله‌روان آن، ازیک‌سو، و عملکرد گروه‌های واپس‌گرا، که باهرگونه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند، ازسوی دیگر، امکانات بسیارمساعد و بزرگی در دوسال ونیم دوران انقلاب ازدست رفت، وما امروز دربرابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعهٔ فرهنگ مردمی پیشرو، قرار گرفته‌ایم.

دانشگاه‌ها، که وظیفهٔ تربیت کادرعلمی وفنی برای‌رشته‌های‌گوناگون‌اقتصاد، صنایع، کشاورزی، ساختمان، فرهنگ، آموزش وپرورش، سازماندهی کشور وغیره را برعهده‌دارند، به جز دانشگاه‌های علوم‌دینی و گوشه‌ای‌ازدانشکده‌های‌پزشکی، درحال تعطیلند. بیش از صدهزارجوان دانشجو، که در دانشگاه‌ها مشغـــول تحصیل بودند، بیکار و بی‌هیچ دورنمایی برای زندگی، تشنه آموختن وبه‌کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی‌و اقتصادی میهن، درحـــال انتظارند. هرسال ده‌ها هزار دانش‌آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و بـــه این خیل عظیم می‌پیوندند. همهٔ این‌ها درمجموع خود، زمین حاصلخیزی برای بذرافشانی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقـــی فراهم می‌آورد.

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزارجوان‌میهن‌ما، که اکثرشان از وابستگان به اقشار میانه وبخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند، برای بیش‌از یکصدهزارنفر، که اکثرا از اقشار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران‌هستند، در دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان‌غربی، فرانسه، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب، با برخورداری از همه‌گونه تسهیلات، امکان تحصیل فراهم می‌شود. پذیرش این دعوی دشواراست که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق، زیرنظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند، ولی فرزندان اقشارمرفه، باهزینهٔ ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینهٔ تحصیلی سالیانه درحدود ۵تا ۱۰ هزار دلار برای هرنفر، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که‌جمهوری اسلامی ایران‌خواهان آنست!

این نقیض‌آشکار با هیچ "برهانی" قابل توجیه نیست.

نهضت سوادآموزی، که درآغاز نیروی عظیمی را باشور و شوق بخود جلب کرد، به علت تنگ‌نگری وقشری‌گری مسئولان درحقیقت به حال رکود افتاده‌است تاسف‌انگیز است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند، تنها به این علت که از پاسخ گوئی‌به‌پرسش‌هایی‌که‌بسیاری‌ازطلاب‌علوم‌دینی‌نیز از آن عاجزند ازشرکت درپیکار علیه بیسوادی محروم می‌مانند.

ما نمی‌توانیم تردید کنیم که دراین میدان مهم نبرد هم امیرانتظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند، تا با کمک آگاهانه و یا ناآگاهانه عناصر تنگ‌نگر و قشری و با به کاربردن همان‌شیوه‌هایی که درمیدان فعالیت سیاسی واقتصادی به طورموثر به کاربرده‌اند، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند وهرجا بتوانند آن را به بیراهه بکشانند. رشد یک جامعه دردنیای کنونی و آینده، بدون رشد همه‌جانبهٔ فرهنگ عمومی آن، درزمینه‌های علوم، فنون، ادبیات، هنر و زمینه‌های دیگر غیرقابل تصوراست. مسلمـــا می‌توان با چارچوب‌های پولادین جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگردرجهت سیرتکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیرتاریخ اســـلام انقلابی و مردمی ونیز سیرتاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشهٔ انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجستهٔ این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

برپایهٔ این اعتقادات است که حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ازحاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یکسو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحور و تنگ‌نگر و واپس‌گرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از سمت‌گیری اصیل خود منحرف سازند. هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی جز پاره کردن زنجیرهای اسارت غرب‌زدگی و انحطاط از دست وپای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همه‌جانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره‌گیری از همهٔ ارزش‌های فرهنگی مترقی ومردمی جهان پیرامون ما، باشد.

ب.آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند میهن ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی وسایرعمـال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده وقیام کردند که آن نظام ننگین خودکامه را براندازند و نظامی برخاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرارکنند.

پس ازپیروزی انقلاب، طبقات بهره‌کش و گروه‌های سیاسی بیانگرمنافع این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که تودهٔ مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند تعبیر واجرا کنند: سازشکاران وتسلیم‌طلبان لیبرال کلمهٔ آزادی را برای فریب مردم به کاربرده و به معنـــای آزادی منحرف‌کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی انباشت و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره‌کشی از کارگران وزحمتکشان وآزادی غارت بی‌بندوبار تلقی کردند، تنگ‌نگران و خودمحوران آزادی رافقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تحمیل نظرخود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چه‌درصفوف مبارزان مسلمان و چه درصفوف پیروان راستین سوسیالیسم‌علمی، شعار آزادی رابه معنای واقعی که تودهٔ مردم می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده وبرای استقرار آن رزمیدند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ابعاد استقلال‌طلبانه، آزادمنشانه و عدالت‌خواهانهٔ خط **امام‌خمینی** پشتیبانی می‌کنند، آزادی را برای توده‌های ده‌ها میلیونی کوخ نشینان، محرومان، مستضعفان، و یا با کلامی دیگر، بـــرای زحمتکشان شهرو روستا، می‌خواهند. آن آزادی که ما پویندگان راه توده‌های محروم برایش مبارزه می‌کنیم، ازنوعی است که توده‌های زحمتکش میهن ما، به‌ویژه در دوران استبداد سیاه آریامهری، از آن محروم بوده‌اند، یعنی آزاد شدن از غارتگری چپاولگران، آزادشدن از یوغ اسارت سیاسی وفرهنگی نظام استبدادی وابسته به استعمارنو، آزادی ازترس و دلهرهٔ دائمی به مناسبت‌داشتن این یا آن اندیشهٔ اجتماعی، آزادی ازبردگی وبندگی، آزادی از گرسنگی، رهائی از بیماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی ازستم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که ایجادگران همـهٔ ارزش‌های واقعی جامعه هستند، برآنیم که تامین آزادی‌های واقعی بـــرای ایـــن توده‌های ده‌ها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای "آزادی" مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان برپایهٔ محرومیت این توده‌ها استوار است، توام خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت وچپاول نمی‌تـــوان توده‌ها را ازغارت‌شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه تامین آزادی برای توده‌های ده‌ها میلیونی، جبرا با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب، باقطع همهٔ ریشه‌های سیاسی واقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با لجام‌زدن به همه خودمحوران و تنگ‌نگران و قشری‌گرایان، که برای سایرانقلابیون‌حقی‌قائل‌نیستند و می‌کوشند تا زورمداری را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند، همراه‌خواهدبود.

درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران‌اصول ارزنده وبسیارمهمی درزمینهٔ تضمین آزادی‌های فردی واجتماعی تثبیت شده‌است. **امام‌خمینی**، رهبرانقلاب و بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همهٔ کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تاکید کرده‌اند.

ولی باکمال تاسف جریان اوضاع درکشورما بخش بزرگی از نکات تصریـــح شده درقانون اساسی را در زمینهٔ آزادی‌های فردی واجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، کهبا تمام نیروی خود درمبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبـــارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همهٔ نیروهای راستین هوادار انقلاب گـــام برداشتـــه و برمی‌دارند، ازبسیاری از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد غیرمسئول، بـــا دستیاری گروه‌های‌غیرقانونی اعمال‌فشار، دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کتابفروشی‌هـــا هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

با بهره‌گیری از همین جو ناسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ریا و تزویر و داشتن ریش و تسبیح، مانند کشمیری‌ها و کلاهی‌ها و فخارزاده‌ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه دررسانه‌های‌گروهی‌وبرخی‌نشریات منتسب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سم‌پاشی‌و نفاق‌افکنی جبهه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می‌کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگاران‌و پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت‌شده‌است، محرومند، ولی در عوض کلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم‌نظیری به غارت وحشیانه ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در سراسر کشور، و گروه "شیت" در غرب کشور و نظایر آن‌ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، همه‌جا مردم را از ابتدائی‌ترین آزادی‌هایی که، نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می‌زند، محروم می‌سازند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت پیدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده‌است، در درجه اول متوجه طیف پهناور جبهه متحد ضدانقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست‌در حاکمیت و یا در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی "چپ" در جامعه، می‌دانند.

جبهه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و توده‌ای در جامعه انقلابی ما است. این جبهه در عین اینکه فریادهـــای طرفداری از آزادی‌اش گوش همه را کر کرده، درواقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. "آزادی" موردعلاقه ساواکی‌ها، بختیار، اویسی، لیبرال‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها از این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای نوژه، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مرتجع و

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحهٔ ۱۱

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

وابسته منطقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین ضدامپریالیستی و مردمی ــ اعم از پیروان خط امام خمینی و یا پیروان سوسیالیسم علمی، هستند.

جبهه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک مزورانه خود، یعنی فریادکشیدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم ثبات، با توسل به همه اقدامات جنایتکارانه ــ از ترور مسئولان گرفته تا آتش‌زدن خرمن‌ها، تخریب کارخانه‌ها، فلج‌کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی‌اعتمادی و غیره ــ از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، با این اقدامات آنقدر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت میانه‌رو"ی باب‌طبع آمریکا هموار سازد، دوم اینکه اگر فعلا این هدف دسترس‌پذیر نباشد، ازراه کشتار مسئولان واقع‌بین، راه را برای به قدرت‌رسیدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. جبهه متحد ضدانقلاب امیدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را ناراضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری" سازمان مجاهدین خلق " و دیگر گروه‌های چپ‌رو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای پاره‌کردن بندهای اسارت ملی و طبقاتی دم می‌زدند، به این خیل ننگین "آزادیخواهان"، که در حقیقت گورکنان آزادی هستند، پیوسته و پیروان گمراه‌شده خویش را به ابزار توطئه‌های خانمان‌برانداز ضدانقلابی جبهه متحد ضدانقلاب مبدل کرده‌است. نتیجه عملی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هرهفته، در خیابان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، ده‌ها و گاه صدها جوان بابت آزادی، استقلال‌وعدالت اجتماعی، از میان گمراه‌شده‌گان کشته می‌شوند و چندین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شوند. ساواکی‌ها و ضدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها و ستون‌پنجم مائوئیستی آمریکا درکنار این معرکه خون‌آلود پایکوبی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. و از سوی دیگربیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده‌اند.

ما بار دیگرتاکید می‌کنیم که بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه جدا کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگندخورده انقلاب، خائنین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین مماشات سرکوب کند. در عین حال باید با اتخاذ سیاست ارشادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملا مبرم انقلاب آنست که از اعدام‌های عجولانه و ناسنجیده مطلقا" اجتناب شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودپی‌می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در پیکار ضدامپریالیستی اعلام آمادگی می‌کنند معوق بماند تا در زندان به آنان فرصت داده‌شود که‌پیرامون‌راهی‌که رفته‌اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند و صداقت خود را عملا به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضائی به اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند گام سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌ناپذیر و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت‌وگمراهان‌را، بدون‌ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و نیرنگ، صادقانه به زندگی مفید سیاسی و اجتماعی بازخواهدگرداند.

اطمینان داشته‌باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری‌نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع‌و چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته‌است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده‌کردن چنین برداشتی عملا به‌زیان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهدشد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده‌است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم پردامنه باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابودکرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و اقناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌عده از "مجاهدین خلق" و "چریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های ضدامپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی که‌بر دوش دارند، از آنها می‌طلبند که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام جسورانه همرزمشان سعادتی، تمام نیروی خود را برای خنثی‌کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به‌این‌فجایع به‌کاراندازند.

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و ضدانقلاب‌داخلی‌و امپریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زیان‌های جبران‌ناپذیر آن، مانند آواری به‌سر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهدریخت.

اشاعه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امپریالیستی برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیستی است، مجری این نقشه پلید نشوید. رجوی‌ها و خیابانی‌ها با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودال‌ها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده‌اند، آنها را از خود برانید. بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی‌ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتش و بویژه در ماه‌های اخیر ضربات دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده‌است.

ارزیابی‌های نادرست را ازفکرخود بیرون کنید، تبلیغات امپریالیستی را باور نکنید که می‌گویند رژیم در حال سقوط است. حصار فکری را که سازمان‌هایتان با تحریم همه رسانه‌های گروهی ضدامپریالیستی بدور ذهن شما کشیده‌اند، بشکنید حرف‌های سعادتی را یکبار دیگر بخوانید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر نارسائی‌ها و کمبودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. ضدیت با امپریالیسم و تلاش برای لجام‌زدن به غارتگری بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران‌رامبداء قرار دهید. امپریالیست‌ها و مرتجعین همگی خط مشی مجاهدین را می‌ستایند و از رجوی حمایت می‌کنند. تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیستی حمایت می‌کنند.

تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان میدهد که ادامه دشمنی با نیروهائی که با امپریالیسم می‌ستیزند، بلااستثناء و بدون‌تردید به‌همدستی‌باامپریالیست‌ها کشیده‌می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این همدستی ناگزیرتر و در عین حال مخلصانه‌تر خواهدشد. آیا سرنوشت غمبار مائو و دارودسته‌اش هنوز هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راستین راه‌انقلاب ایران غلبه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و آنان را فرا می‌خوانند که باتمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این‌تلاش راه را برای اتحاد هرچه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند. ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای‌ضدامپریالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند، توان آنرا بیابند که مسایل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جبهه خلق را متحدتر سازند، ما برای فراهم آوردن چنین فضائی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای راستین انقلاب را مخاطب‌قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را برای پایان‌بخشیدن به این فجایع خونین که بدون‌تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران به‌سرکردگی آمریکا به جامعه رنجدیده میهن ما تحمیل شده‌است، بکار اندازند.

به‌نظر ما تنها و یگانه راه چیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به‌جامعه است.

ما یکباردیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که موردتوجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضاء و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، که مستقیما در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام‌شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده‌شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله‌گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رژیمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود. بنیاد نظام آریامهری را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرکردگی خاندان فاسد پهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه‌آریامهری دره میان زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگزاران و دستیارانشان چنان ژرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظیری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک‌کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده‌بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امپریالیستی تولید کننده جنگ‌افزار و اتومبیل و اشیاء لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی وساواکی‌های محافظ‌آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و ماموران بلندپایه دولت آریامهری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند میهن ما این نظام را سرنگون ساخت.. توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تامین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و به‌کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالابردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، خواستار شدند.

بقیه در صفحه ۱۳

بقیه از صفحه ۱۲

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

اکنون پس از گذشت دوسال و نیم از انقلاب ، با قاطعیت می‌توان اعلام کرد : علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که درجهت محدودساختن غارتگری کلان چپاولگران امپریالیستی و خودی انجام گرفته ، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است . کاملا درست بود که شهید رجائی به این محرومان می‌گفت :

"شما هم باید فریاد بزنید : رجائی ! مستضعفین هیچ چیز گیرشان نیامده . "

"ما نگران آن بخش عظیم ازاسلام هستیم که باید پیاده شود . ما نگران آن هستیم که نتوانسته‌ایم مستضعفین ایران را هنوز بهشان برسیم . هنوز نتوانسته‌ایم بر متمولینی که نماز می‌خوانند بگوئیم که‌نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری" .

از روزنامه جمهوری اسلامی
۲۳ شهریور ۱۳۶۰

این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سحابی ، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس ، کنار هم بگذاریم :

"بخش خصوصی بدون استثناء سود برده‌است . به اعتراف خودشان در بخش تجارت . . . به خود بنده گفتند سودی را که در این دوساله بخش تجارت برده‌است ، در تاریخ ایران نظیر نداشته‌است .

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف‌کننده فروخته شده‌است . سال‌گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده‌شده‌است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده‌است . در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده‌اند . برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده‌انـــد . متقال هزینه‌ٔ تمام شده‌اش ، باتمام افزایشی که درنرخ پنبه هست ، حدود متری ۶۵ ریال می‌شود . لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بنکدارها فروختندو آنها نیز به مصرف‌کننده تا متری ۲۳۰ ریال . یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الیاف مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می‌کند و در بازارکیلوئی ۱۸۰ ریال عرضه می‌کند" .

پیامد این غارتگری بی‌بندوبار ، گرانی سرسام‌آوریست که مانند کابوس بر گردهٔ دهها میلیون زحمتکش کم‌درآمد جامعه ما فشار می‌آورد و این فشار هر روز سنگین‌تر و طاقت‌فرساتر می‌شود .

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور ، در عین اینکه درست و موردپشتیبانی است ، ولی قطره‌ای است در دریا و همینطور است مسئله مسکن ، مسئله بهداشت . . .

علی‌رغم خدمات گرانبهایی که برخی نهادهای انقلابی ، مانند جهاد سازندگی ، در جهت کمک‌رسانی به عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه‌ما ، یعنی‌روستاها انجام داده و می‌دهند ، هنوز بزرگ‌مالکان و خان‌ها اختاپوت‌وار بر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته ، بر حیات روستا حکومت می‌کنند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی ، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می‌کنند .

چنین است گوشه‌هایی از آنچه که در دوسال و نیم‌گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته ، و یا بهتر بگوییم ، هنوز دست نخورده مانده است . حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بصورت دولت موقت و بازرگان‌ها و ایزدی‌ها و صدرها و صباغیان‌ها و پس از آن بنی‌صدرها و نوبری‌ها بر سیاست اقتصادی ایران ، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون‌آشام اجتماعی ، بلکه برای تشدید بی‌بندوبار این غارتگری آماده می‌ساخت . غارتگران اجتماعی ، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان ، با بهره‌گیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر ، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تامین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند .

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواست‌های خود را در زمینه تامین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند ، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی ـ اصول ۴۴ ـ ۴۹ ـ و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان . . . هنوز گامی برداشته نشده‌است .

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است . حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم‌شکستن همه توطئه‌های جبهه متحد ضدانقلاب ، که می‌کوشد توده‌های میلیونی زحمتکشان را از انقلاب ناامید سازد ، به این خواست برحق محرومان ، یعنی پیاده‌کردن اصول قانون‌اساسی در زمینه تامین عدالت اجتماعی ، جامه عمل بپوشاند .

باید با خارج‌ساختن شریان‌های اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار ، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدودساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی ، نظام اقتصادی آریامهری را از بنیاد دگرگون ساخت .

همان‌گونه که تجربه نشان داده‌است ، با شلاق‌زدن و جریمه‌گرفتن و یک ماه تبعیدکردن کاری از پیش نمی‌رود ، و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع‌پروری هم در سرمایه‌دار زالوصفت تاثیری ندارد . او به این ارشاد می‌خندد ، شلاق را می‌خورد ، جریمه را می‌پردازد ، ولی از همان فردا و یا حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری ، نه تنها چند برابر جریمه‌های پرداخت‌شده ، بلکه چندین برابر "حق‌الدرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان بیرون‌می‌کشد .

یگانه راه ، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی ، تدارک و توزیع کالاهای ضرور و محدود نگاه‌داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است . این تنها شیوه‌ای است که در ده‌ها و ده‌ها کشور دیگر ، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند ، موفقیت داشته‌است .

باید با برقراری هرچه سریع‌تر و ریشه‌دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها ، امکان تراکم بی‌بندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت .

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی‌سابقه‌ای را که در دست غارتگران گرد آمده ، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تامین خواست‌های حیاتی مردم زحمتکش ، به صاحبان اصلی‌اش رسانید .

باید آنچه را که شهید دکتر باهنر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت ، هرچه زودتر عملی ساخت .

باید مسئله تامین مسکن را جدی‌گرفت و با برنامه‌های فوری و درازمدت ، گام اساسی در این راه برداشت . همین‌طور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان ، که باکمال تاسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب ، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده ، بلکه بطور محسوس بدتر شده است . فداکاری و گذشت قابل‌ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانسته و نمی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه ، چیره شود .

اختیاراتی که **امام‌خمینی** در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به نمایندگان مجلس داده ، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده‌است . با این‌پاسخ امام ، دشواری‌های شبه‌قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی ، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواست‌های زحمتکشان وجود داشته ، از میان برداشته شده‌است . اینک بعهده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهندکرد .

عدالت اجتماعی در زمینهٔ حقوق زنان

زنان میهن ما و بویژه زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند . **امام‌خمینی** رهبر انقلاب بارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمان‌هـای انقلاب را یادآوری کرده‌اند . زنان جامعه ، علاوه بر همه محرومیت‌های اجتماعی‌که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ما از زن ومرد است بار محرومیت‌های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه‌های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کهنه و قوانین و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان‌با مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست‌وپای آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه‌های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده‌اند .

زنان نیمی از ملت ما را تشکیل مـی‌دهنـد و بدون شـرکت فعال آنان درسازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهدبود .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستارآنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سمتگیری عدالت پژوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی ـ در میدان کار و فعالیت‌های سازندگی ، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت‌و احترام متقابل از همه حقوق متکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند .

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق های غیرفارس

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صدهاسال به این سو خلق‌های فارس ، آذربایجانی ، کرد ، تـرکمن ، بلوچ و عرب دریک اتحاد برادرانه و برای آماج‌های مشترک اجتماعی و انسانی درجهت بدست‌آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن میهن واحدشان در تلاشند . ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسـته به امپریالیسم خلق‌های غیرفارس جامعه ما علاوه بر بار محرومیت‌های ناشی از سلطه استعمار و استعمارنو و غارتگری جنایت‌بار طبقات حاکمه بار سنگین محرومیت‌های ملی را بدوش کشیده‌اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی وخودگردانی محـروم بوده‌اند .

محرومیت‌های ملی صرفنظر از اینکه در دروان‌های معینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته‌اند این محرومیت‌ها را پایه‌ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عینی جامعه ماست .

پیام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان‌بخشیدن به‌آنست .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده‌اند که تنها با برانداختن ستم ملی که قرنهاست برخلق‌های غیرفارس اعمال شـده است و تامین حقوق تضییع شده آنان درچارچوب "خودگردانی" ویا "خـودـ مختاری" فرهنگی و اداری می‌توان عوامل ایجاد تحریک و تشنج را ازدسـا

بقیه در صفحه ۱۴

بقیه‌ازصفحه‌ ۱۳

احزاب، جمعیت ها، سازمان‌ هاو...

انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و صادقانهٔ همهٔ خلق‌های ایران را براساس دوستی و حقوق برابرملی تامین نمود ـ اتحادی که بدون‌تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در نبرد علیه دشمنان داخلی و خارجی به‌سرکردگی امپریالیسم‌جنایتکار آمریکاست.

★ ★ ★

نگاهی به واقعیت‌های حاکم بر جامعه کنونی، مارابادشواری‌های بسیاری که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قدعلم کرده‌اند، آشنا می‌سازد. چیره‌شدن بر این دشواری‌ها مسلما کارآسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان نبرد جهانی‌علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروهاو امکانات بالفعل و بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلائی از آنها، همه دشواری‌ها را از سرراه‌خود بردارد. یکی از عمده‌ترین این نیروها و امکانات، گنجینه عظیم تجارب خلق‌های محروم جهان در نبردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون‌تردید انقلاب شکوهمند میهن ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را به‌دیگر خلق‌های محروم توصیه می‌کنیم. ولی‌تصور این که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تاسف این شیوه برخورد زیان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعیت این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های پوسیده جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تثبیت و تحکیم بخشیده و گسترش داده‌اند، و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های‌دیگری به چنین پیروزی‌ها دست خواهندیافت، و هر یک ازاین خلق‌ها ارزش‌های والای تازه‌ای به گنجینه پیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهندافزود. ما بایددرهمه میدان‌های نبرد اجتماعی و بویژه در نبرد برای انجام دگرگونی‌های بنیادی‌بسود محرومان، از تجارب گرانبهای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزمون‌شده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و متکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جابرانه سرنگون‌شده، ده‌ها بار دشوارتر و بغرنج‌تر از براندازی نظام کهنه است.

پیام ما به همهٔ نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و همرزمان ارجمند

پیام ما به شماست:

به شما مسلمانان پیرو راستین **امام‌خمینی** در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه مسخ محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید؛

به شما زحمتکشان‌و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید؛

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌بینید.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی ـ اجتماعی ضد ـ امپریالیستی و مردمی ایران ـ از هر مسلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، نیز به شما هواداران راه‌گم‌کرده "مجاهدین‌خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که‌به‌سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست.

بیایید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکنیم و جبهه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران همرزم!

بیائید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جبهه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان پلید آن را سازمان دهیم و طومار همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم!

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را تامین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوجگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود برانگیخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز بعنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، بهیچ‌وجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش سازگار باشند.

ما می‌بینیم که اتحاد شوروی، پس از ۶۴ سال که از انقلابش‌می‌گذرد و با آن که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم‌چنان آماج انواع توطئه‌های جنایتکارانه آمریکای جهانخوار است. خلق کره بیش از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون‌کشیدن بخش جنوبی میهن خود از چنگال‌خونین راهزنان غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است‌که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال‌آزگار قهرمانانه رزمید تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال و غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکاو خائنان چینی و مزدوران آمریکا و چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌هانبرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای‌جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانسته‌است استقلال خود را بدست آورد و در راه تامین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های راهزنانه پایان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن، دست‌نشانده دیگر آمریکا، و خلق نامی‌بیا با آفریقای جنوبی، دستیارامپریالیسم جهانی، در پیکار مرگ و زندگی است.

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دشمن شماره یک جامعه بشری، مبارزه‌ای است طولانی، ودشواروبغرنج. ساده‌بینانه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه، مبارزه با امپریالیسم جهانخوار آمریکا، پایان خواهدپذیرفت. این دشمن تاکنون توانسته‌است در کشورهایی چون اندونزی، شیلی، مصر، کنگو، سودان، پرتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد. تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگ‌و زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گزند این دشمن شریر جامعه انسانی مصون دارد.

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد. در چنین محیط‌هایی‌است که دشمنان مکار و کارکشته انقلاب عمال خود را به‌آسانی جا می‌زنند، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر، تا حد ایجاد برخوردهای خونین برادرکشی، می‌رویانند.

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایرو لیبی، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جبهه پایداری، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا ـ همه گواه بر این واقعیت است‌که در جهان ما، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا، با یکدیگر شریکند، صرفنظر از معتقدات مذهبی، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود، جبهه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسم‌و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند.

باتوجه به این واقعیت، این سئوال پیش می‌آید که: پس چرا نمی‌شود همان عاملی را که کیم‌ایرسن و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جبهه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند، و یا حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به‌سرنوشت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم، یعنی مسائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به موافقت می‌رساند، در کشورمانیز به کارگرفته شود تامبارزان پیروخط **امام‌خمینی** وتوده‌ای و فدائی (اکثریت) پشتیبان، ستمگیری استقلال‌طلبانه و آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه امام، وسایر نیروهای وفادار به‌این آماج‌ها، دریک صف واحد متحد گردند.

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، این عامل تاریخی جهانی، یعنی ضرورت اتحاد همه‌نیروهای مبارز ضدامپریالیسم و ضدبیدادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می‌توان و باید در جامعه ما بکار گرفت. سرنوشت انقلاب ما به این امر بستگی دارد.

این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که، با بدست گرفتن آن می‌توان کلاف درهم‌پیچیده را گشود و کوتاه‌ترین، درست‌ترین و کم‌رنج‌ترین راه را برای چیره‌شدن بر دشواری‌ها یافت.

بی‌اعتنایی به این ضرورت تاریخی، انقلاب ما را در بی‌راهه‌ها سرگردان خواهدکرد.

برادران و خواهران همرزم!

بیایید، همهٔ نیروهای‌خودرابرای تحقق اتحادبزرگ تاریخی خویش به کار گیریم. فراموش نکنیم که اتحاد، برنده‌ترین سلاح ما درپیکار علیه دشمنان انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام نیروی جهنمی خود را برای جلوگیری از تحقق چنین اتحادی به‌کار انداخته‌اند.

برما است که این توطئهٔ دشمنان انقلاب وشکوفایی جمهوری اسلامی ایران را با ناکامی روبرو سازیم.

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!

پیروزباد انقلاب بزرگ ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران!

کمیته‌مرکزی‌حزب‌تودهٔ‌ایران | **کمیته‌مرکزی‌سازمان‌فدائیان‌خلق‌ایران (اکثریت)**

آبان ۱۳۶۰

نام رسمی: "رپوبلیک دوزئیر" "جمهوری زئیر"

سکنه: ۲۹/۲ میلیون نفر (۱۹۸۰) سهم شهرنشینان در زئیر ۲۴٪ بالاتر از میانگین آفریقا است.

پایتخت: کین شازا (۲/۱۵۲ میلیون نفر ـ ۱۳۵۵). **دیگر شهرها:** لومومباشی (۴۰۴۰۰۰ نفر)، مبوژی ـ مایی (۳۳۷۰۰۰ نفر)، کاتانگا (۶۰۱۰۰۰)، کیسانجانی (۳۱۱۰۰۰ نفر) و بوکاوو (۱۸۲۰۰۰ نفر)

مهمترین اقوام زئیر عبارتند از: "بالوبا"، "بالوندا"، "باکونگو" وغیره

درحدود نیمی از مردم زئیر پیروان مذهب‌های طبیعی و ۴۵ـ۴۰ درصد مسیحی (بیش از همه کاتولیک) هستند. فزون براین ۱۱۵۰۰۰۰ مسلمان درزئیر زندگی می‌کنند.

زبان اداری: فرانسه. در حدود ۸۰٪ مردم بزبانهای بانتوسخن می‌گویند. مهمترین زبانهای قبیله‌ای در زئیر عبارتست از: "سواهلی"، "کی کونگو"، و "چیلوبا".

پول: ۱ زئیر = ۱۰۰ ماکوتا (مفرد: لاکوتا). ۱ دلار ایالات متحده = ۰/۵۵ زئیر.

حکومت زئیر جمهوری است. که درآن رئیس جمهور از اختیارات تقریباً نامحدود برخوردار است. برپایه قانون اساسی کنونی، "جنبش خلقی انقلاب" تنها حزب قانونی وحاکم این کشوراست. صدرحزب در عین حال رئیس جمهور، فرمانده کل قوا، صدر همهٔ نهاد های "جنبش خلقی انقلاب"، "شورای ملی اجرائی" (دولت)، "شورای ملی قانون ـ گذاری" (پارلمان) و "شورای قضایی" است. رئیس جمهور زئیر هرپنج سال یک بار درانتخابات همگانی ومستقیم برگزیده می‌شود. چهارده سال است که **موبوتوسه‌سه‌سکو** این سمت را به عهده دارد. رئیس جمهور زئیر می‌تواند ریاست "شورای ملی قانونگذاری" را به شخصی دیگر واگذارکند. برپایهٔ قانون اساسی زئیر، ۲۱۰ نماینده "شورای ملی قانونگذاری" هرپنج سال یکبار در "انتخابات همگانی، مستقیم و مخفی برگزیده می‌شوند.

زئیر به هشت منطقه تقسیم می‌گردد. کین شازا خودگردان است.

حزب وسازمانهای اجتماعی: همانگونه که در بالاگفته شد، "جنبش خلقی انقلاب" تنها حزب کشوراست. این حزب را **موبوتو** در سال ۱۳۴۶ پایه گذاشت. همه شهروندان زئیر به مجرد تولد عضو این حزب محسوب می‌شوند. چهارده سال پیش همچنین "اتحادیهٔ ملی سندیکاهای زئیر" تأسیس یافت. همه زئیریها تا سن ۲۷ سالگی عضو "جوانان جنبش خلقی انقلاب" به شمار می‌آیند.

تاریخ: در سده‌های ۱۶ـ۱۳، امپراطوری کنگو مهمترین کشورفئودالی این منطقه بود. از ۱۰۵ سال پیش (۱۸۷۶)، لئوپولد دوم، پادشاه بلژیک مامورانی برای عقد باصطلاح قرارداد ـ های حفاظت با رؤسای قبیله های کنگو به این سرزمین گسیل داشت. هشت سال بعد (۸۵ ـ ۱۸۸۴)، هنگام تقسیم آفریقای مرکزی در "کنفرانس کنگو" در برلین، ۱۵ کشور شرکت‌کننده "مستعمره خصوصی "لئوپولد دوم را به عنوان "کشور آزاد کنگو" برسمیت شناختند، دراوایل سدهٔ بیستم (۱۹۰۸) پادشاه بلژیک "مستعمره خصوصی" خود را به دولت واگذار کرد. در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸)، "جنبش ملی کنگو" ("موومان ناسیونال کنگوله") پدیدآمد، که مبارزه آن برهبری **پاتریس لومومبا** در ۹ تیر ۱۳۳۹ (۳۰ ژوئن ۱۹۶۰) به اعلام "جمهوری دمکراتیک کنگو" انجامید. اما یک هفته بعد بلژیک به مداخله علیه جمهوری اقدام ورزید و عنصرجدایی طلبی بنام **چومبه**، که در واقع نمایندهٔ سرمایه انحصارات بین‌المللی بود، در ایالت جنوبی وثروت خیز "کاتانگا" ("شابا"ی امروز) تشکیل به اصطلاح "جمهوری کاتانگا" را اعلام داشت. **لومومبا** نیروهای سازمان ملل متحد را بکمک طلبید، ولی کشورهای "**ناتو**"، به رغم فراخوان "شورای امنیت" مبنی بر خاتمه فوری تجاوز بلژیک، از این نیرو ـ ها برای پشتیبانی از **چومبه** و دارو دسته جدایی طلبش دربرابر دولت قانونی **لومومبا** استفاده جستند. **لومومبا** به ایالت کاتانگا برده شد و، چنانکه همین چندروز پیش فاش گشت در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۴۰ (۱۸ ژانویه ۱۹۶۱)، به دستور مستقیم **پرزیدنت آیزنهاور** بقتل رسید. چهار سال بعد (۱۹۶۵) ارتش به سرکردگی **موبوتو**، رئیس ستاد، زمام امور رابدست گرفت در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱)، "جمهوری دمکراتیک کنگو" به "جمهوری زئیر" تغییرنام یافت.

بمناسبت "روز جمهوری دوم" در زئیر (۱۳ آذر ـ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۱)

جمهوری زئیر

> **"سیاست ملی (زئیر) مخالف هرنوع ایدئولوژی تحمیلی بوده وبعداز انقلاب ۱۹۶۵ نفوذ و سلطه خارجی کشورهای بلوک شرق وغرب را ازخود رانده است."**
> *(ازپاسخ سفارت زئیردرتهران به روزنامه اطلاعات، ۱۳ مرداد ۱۳۶۰)*

اقتصاد: مهم ترین منابع زیر زمینی زئیرعبارتنداز: مس، کوبالت، اورانیوم، ولفرام، روی، قلع، منگنز، الماس طلا، نقره ونفت. ۴۴٪ خاک "زئیر" را جنگل می‌پوشاند. ۹۰٪ نیازمندی زئیر در زمینه تولید انرژی از منبع نیروگاه ـ های آبی تامین می‌شود.

مهم ترین منبع درآمد بودجه و ارزی زئیر صنایع استخراجی، بویژه تولید مس وکوبالت است. اما، ازجمله بعلت رکود ودیگرپدیده‌های بحرانی در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، در نیمه‌دوم سالهای ۷۰ تولید مس به سطحی بمراتب کمتر از رقم ۱۹۷۴ (۴۷۱۰۰۰ تن) تقلیل یافت و تنها دو سال پیش باردیگر به ۴۰۰ هزار تن رسید مهمترین موسسه معدن زئیرشرکت دولتی "ژکامین" است. زئیر دوسال پیش با ۱۴ هزارتن، ۶۰٪ تولیدجهانی کوبالت را بدست داشت. بیشتر کارخانه های صنعتی زئیر (متالورژی، شیمی و مصالح ساختمانی) درسالهای اخیر تنها در سطح ۳۵ ـ ۲۵ درصد ظرفیت خود تولید می‌کرده‌اند.

از ۹۰٪ زمین‌های زیرکشت زئیر باوسائل سنتی بهره‌برداری می‌شود. بخش بزرگی از کشتزارهای قهوه وکاکائو ونخلستانهای این کشور در دست دولت یا خارجیان است وتقریبا تنها برای صدور تولید می‌کنند. در صادرات زئیر همچنین موز، چای و پنبه سهیم هستند این کشور حاصلخیز مجبوراست که ازیکسو مقدارمعتنابهی ازنیازمندیهای غذایی خود (برنج، غلات وغیره) را از خارج واردکند (به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار در سال) وازسوی دیگرتنها ازیک درصد زمین‌های خود بدین منظور بهره ـ برداری کند.

مهم ترین شریکان بازرگانی خارجی زئیر عبارتنداز: بلژیک، ژاپن وایالات متحده آمریکا؛ مهم ترین کالا ـ های صادراتی: مس، قهوه والماس.

پنج سال پیش، زئیر بخش اعظم کارخانه‌هایی را، که درسالهای ۵۳ ـ ۱۳۵۲ ملی شده بود، به صاحبان پیشین آنها، یعنی خارجیان، بازگرداند و سرمایه خارجی (بلژیک، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ژاپن و جمهوری فدرال آلمان) رافراخواند تاهر چه بیشتر دراقتصادکشور، بویژه درصنایع استخراجی، سرمایه‌گذاری کنند.

اوضاع کنونی: شش سال است که وضع اقتصادی زئیرپیوسته به وخامت می‌گراید. علت این امر را باید، در درجه نخست، در وابستگی به اقتصاد بحران‌زدهٔ کشورهای سرمایه داری جستجو کرد. فرآورده ناویژه اجتماعی زئیر پنج سال پی‌درپی است که‌رو به کاهش می‌رود ونرخ تورم درسال گذشته ۸۰٪ بوده‌است. سال‌پیش بدهکاری خارجی زئیر درحدود ۵ میلیارد دلار ایالات متحده بود و در ۵ سال آینده این کشور باید ۲/۷ میلیارد دلار آن را بازپردازد. دربهارسال گذشته "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" از زئیر تعهدگرفتندکه بدهکاری خارجی خود را گام بگام کاهش دهد. سرمایه مالی بین‌المللی همچنان برای خلق زئیرتصمیم می‌گیرد. وضع نابسامان اقتصادی زئیر دولت این کشور رامجبور می‌سازدکه پیوسته دست به‌دامان کشور ـ های امپریالیستی شود و از ایالات متحده آمریکا، بلژیک، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان و بریتانیا درخواست کمک کند. "صندوق بین‌المللی پول" چندی‌پیش در ازای ۱/۲ میلیون دلار اعتبار به زئیر، اهرم‌های مهم اقتصادی کشور، از جمله سمت‌های حساس رادرارگانهای اقتصادی ـ مالی به‌کارشناسان خودسپرد. "نیوزویک" (۲۶ مرداد ۶۰ / ۱۷ اوت ۱۹۸۱) با اشاره به تحمیل اینگونه توصیه‌ها از سوی محافل امپریالیستی بر زئیر و به نقل از "**یک بانکدار غربی در کین شازا**" می‌نویسد:

"**زئیر... توصیه خارجیان را، هر چندکه‌ناگوار بود، پذیرفت**".

علیرغم همه این "کمک"ها، وضع اجتماعی اکثریت مطلق مردم زئیرپیوسته بدترمی‌شود. ازیکسو، بودجه آموزش و پرورش، بهداری وبیمه‌اجتماعی تقلیل می‌یابد و ازسوی دیگر بازارمحتکران و گرانفروشان بسیار گرم است. کالاهای روزمره کمیاب اغلب به‌قیمت چهار برابر در بازار سیاه بفروش می‌رسد. در زئیر، فسادگسترده بیدادمی‌کنددر حالیکه **موبوتو** برخی ازنزدیکان خودرا بخاطر فساد (بقول او "بیماری زئیری") ازکاربرکنارساخت، بگفته **نگوزاکادل ابوند**، نخست‌وزیر سابق زئیر که بهار امسال به بلژیک گریخت، خود رئیس جمهور در سال گذشته حداقل ۱۰۰ میلیون دلار از خزانهٔ کشوربه‌حیب‌زد. "**نیوزویک**" درشماره پیشگفته، به نقل از دیپلمات‌های غربی در زئیر، می‌نویسد که وزارت فرهنگ زئیر ۱۰ هزار کارمند ساختگی دارد، که‌حقوقشان به حیب مسئولان فاسد ریخته می‌شود.

موبوتو، که خود را "راهگشا"ی زئیر می‌خواند، تا همین چندی پیش خود را با "حضرت‌مسیح" مقایسه‌میکرد برنامه تلویزیون زئیرهرشب با "نزول" این "مسیح" آمریکایی آغاز میشد. اما گویا این نمایش چنان مبتذل بوده که **موبوتو** از آن عجالتاً دست برداشته است. بنوشته "**نیوزویک**" (همانجا):

"**او (موبوتو) هنگامیکه‌مشاهده کرد "موبوتوئیسم" دیگر الهام بخش مردم نیست، از آن دست برداشت**".

چهار سال پیش مردم استان "شابا"، به‌رهبری "جبههٔ آزادیبخش ملی کنگو" علیه‌نیروهای مسلح زئیر قیام کردند. این رستاخیز ۱۴ ماه‌بعد باحدتی بیشترتکرارشد. دولت‌زئیر تنها بیاری وسیع نظامی بلژیک، فرانسه، ایالات متحده‌آمریکاو مراکش توانست این‌قیام را درهم شکند.

رژیم زئیرخویشتن‌را "غیرمتعهد" معرفی می‌کند، اما، درواقع، وابسته به امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، است. "نیوزویک" (همانجا) دراینباره می‌نویسد:

"**موبوتو می‌خواهد "واشنگتن" را به‌بازسازی نیروهای مسلح واقتصاد متزلزل خود اغوا (!) کند... به نظر می‌رسدکه‌رونالدریگان خیلی بیشتر (از کارتر) به‌موقعیت محوری‌زئیر در قلب آفریقا وثروت هنگفت آن در زمینه مواد معدنی استراتژیک علاقمند باشد ... چنین می‌نماید که رئیس جمهور مایل باشد بیشتر دست رهبری‌رابگیرد که‌دولت (آمریکا) او را بعنوان هم ـ پیمانی دیرین می‌شمرد ـ بویژه آن که دیگر کشورهای آفریقای سیاه به خاطر آنچه آنان تمایل سیاسی ایالات‌متحده به‌جمهوری‌آفریقای جنوبی می‌خوانند، از آمریکا روی برمی‌گردانند**".

امابنظر می‌رسد که به این "هم‌پیمان‌دیرین" چندان‌نیزنمیتوان اطمینان داشت". چه اومدتهاست‌که نزد عام و خاص رسوا شده است. "**نیوزویک**" (همانجا)، به‌نقل‌ازیکی از "**کارمندان متوسط دولت**" در زئیر، می‌نویسد:

"**اگر ایالات‌متحده علیه موبوتو اقدام‌نکند، شمااین‌کشوررا به‌کمونیستها خواهیدباخت**".

وی سپس به آمریکائی‌ها توصیه می‌نماید:

"**شماکه او راخلق کردید، الان هم او را ببرید**".

اما "**نیوزویک**" دراینباره‌چندان مطمئن‌نیست وپاسخ می‌دهد:

"**ولی با کمی کمک ازسوی "واشنگتن"، موبوتومی‌تواندکشورخود وتخت وتاج خویش‌را برای مدت ها حفظ کند**".

اینست امید محافل‌امپریالیستی آمریکا، که "**نیوزویک**"، این ارگان‌کلان بورژوازی ایالات متحده، چنین گستاخانه به زبان می‌آورد.



هنوزکسی هست‌که درآمادگی من برای‌مذاکرات‌سازنده شک‌کند؟

مجلس شورای...

بقیه‌ازصفحه۶

اقتصادکشور نباید لحظه‌ای‌درنگ‌کنند. درانتخاب مدیران باتوجه به سابقهٔ زندگی آنها از رشد عناصر فرصت طلب ونوکران‌دست چندم سرمایه‌داری جلوگیری کند که‌این‌دسته باجلوگیری ازانجام تحولات بنیادی‌جامعه، سعی درمأیوس کردن‌مستضعفین از انقلاب خواهند کرد."

برنامه‌ریزی به‌نفع پابرهنه‌ها

دومین‌ناطق قبل از دستور**سازگارنژاد**، طی سخنانی، توطئه های امپریالیسم امریکا در به خاک و خون کشیدن جنبش‌های انقلابی در سطح منطقه را تشریح کرد و طرح فهد را توطئه‌جدید آمریکا دانست و مانور نظامی اخیر امریکادرمنطقه‌راتهدیدی علیه‌تمام‌جنبش‌های انقلابی ارزیابی نمود. وی درسخنان خود همچنین خواستار "برنامه‌ریزی اقتصادی به‌نفع پابرهنه‌ها" از سوی دولت و نهادهای مسئول شد.

ناطق بعدی **حجت‌الاسلام فاضل هرندی** نمایندهٔ اقلیدبودکه، طی سخنانی، بااشاره‌به سه رکن اساسی برنامه دولت **شهید رجائی**، **شهید باهنر و مهندس‌موسوی**، دربارهٔ هرکدام ازآنها مشروحا مطالبی بیان‌داشت واز جمله بااشاره به‌اقتصاد کشور، متذکر شد که "تاکنون نتوانسته‌ایم اقدامات اساسی در این زمینه به‌عمل آوریم." وی بااشاره به "خط حاکم برمجلس"، که "همان خطامام است"، گفت:

"چشم امید مردم و چشم امید امام امت به مجلس است. اگر مجلس در بهبود بخشیدن به وضع اقتصاد مملکت گام‌های سریع برندارد، آینده مملکت، خطرناک و فاجعه‌آمیز خواهد بود."

ناطق اولین گام در سرو سامان دادن به‌اقتصاد کشور را "مسئلهٔ کشاورزی واراضی کشور" نام‌برد و با اشاره به طرح شورای انقلاب، که با شرکت ونظارت "سه‌مجتهد عادل و جامع الشرایط" تهیه‌شده، آنراطرحی "اسلامی‌وانقلابی" نامید. وی ضمن تاکید برلزوم اجرای سریع این طرح همچنین‌خواستار قراردادن امکانات لازم دراختیار کشاورزان از سوی مسئولان شد. **حجت‌الاسلام هرندی** در قسمت دیگری از سخنانش، با اشاره به طرح ۱۶ نماینده در مورد مسئله اراضی کشاورزی، گفت:

"اما طرحی که ما بگوئیم، یک قسمت و یک بخش از اصل ۴۹ قانون اساسی پیاده شود و بعد هم شعار بدهیم، که بااین طرح‌ما مالکین بزرگ را پای میز محاکمه‌میکشیم، این‌دردی را از روستائی‌دوانمیکند. اولامالکیت ـ ها به‌هم‌مرتبط است. اصل ۴۹ قانون اساسی باید مستقلا در مجلس طرح بشود، پیش‌بینی های‌لازم بشودو کادر لازم برای آن درنظر گرفته‌شود، چون آن‌مالکی که در روستامالک‌زمین‌بزرگی است، همان‌شخصی است که درشهرهم صاحب‌کارخانه ومستغلات است."

آنگاه‌مجلس وارددستور شدو شور اول طرح‌دیوان محاسبات‌مورد بحث قرارگرفت. دستور بعدی، تفویض اجازه تصویب‌اساسنامهٔ سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی به‌کمیسیون مشترک‌امور داخلی ودفاع بود. **دکترروحانی** مخبر کمیسیون دفاع‌درباره لزوم این کار توضیحاتی داد و چند تن‌ازنمایندگان درموافقت ومخالفت‌سخن‌گفتند. سپس رای‌گیری شد وتفویض اجازه مورد تصویب‌نمایندگان قرارنگرفت.

آنگاه اعتبار نامه‌های آقایان **بازقندی** نمایندهٔ درود، و **دامنی** نمایندهٔ خاش‌طرح و تصویب شدند. اعتبارنامه آقای**کبائی** نماینده‌تویسرکان نیزبرای‌بررسی بیشتربه‌کمیسیون‌تحقیق ارجاع‌گشت.

سپس مجلس به‌انتخاب دوتن نماینده‌برای شرکت در کمیسیون قید شده‌در "قانون‌احزاب" پرداخت وبعد از رأی‌گیری، آقایان**موحدی‌کرمانی** و **علی بشارتی** برای این‌منظور انتخاب شدند.

سپس کلیات لایحه مربوط به تغییرنام خبرگزاری پارس به خبرگزاری جمهوری‌اسلامی‌ایران‌طرح شد وپس از بحث مختصر به تصویب رسید. دستور بعدی، لایحه "لغوحق‌مرغوبیت" بودکه پس از بحث نمایندگان موافق ومخالف وتوضیحات وزیرکشور، این لایحه به رأی گذاشته وتصویب شد.

اسناد سخن می‌گویند:

آمریکا یك سال و نیم قبل از کمك نظامی محدود اتحاد شوروی به افغانستان، لشگرکشی به منطقه را آغاز کرد

● بزرگترین "بهانه" امپریالیسم آمریکا برای فرستادن نیرو به منطقه و بویژه خلیج فارس، ابتدا انقلاب ایران و سپس تسخیر جاسوسخانه آمریکا بود.

● یك سال و نیم قبل از "مسئله افغانستان" و چند ماه پیش از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا تسلیح متحدان خود را در منطقه بار دیگر شدت بخشید.

تاریخ چند لشکرکشی آمریکا به منطقه

۱۶ اسفند ۱۳۵۷: ناو هواپیمابر ۸۰ هزارتنی کانستلیشن، متعلق به ناوگان هفتم آمریکا، دستور یافت که رهسپار خلیج فارس شود.

۲۰ اسفند ۱۳۵۷: جرج بال، معاون سابق وزارت خارجه آمریکا: ما باید حضورمان را درمنطقه افزایش دهیم.

۲۱ اسفند ۱۳۵۷، والترماندیل، معاون رئیس جمهوری امریکا: آمریکا حق دارد به مبارزه‌طلبی‌هایی که نسبت به تقویتش در خاورمیانه و خلیج فارس می‌شود وباتقویت حضورنظامی در منطقه عکس العمل نشان دهد. علاقه‌ٔ ما به ثبات منطقه با وخیم‌تر شدن اوضاع ایران آغاز شده‌است.

اول مهر ۱۳۵۸: شش‌هزار سرباز آمریکائی در بحرین مستقر شدند.

۲۳ آبان ۱۳۵۸: چند ناوجنگی آمریکا درخلیج‌فارس سنگر انداخت.

۴ آذر ۱۳۵۸: یک گروه ناو هواپیمابر به طرف خلیج فارس حرکت کرد.

اینجا وآنجا، در سطوح‌مختلف وبانیت‌های‌متفاوت وحتی با حسن نیت‌کامل، گفته‌میشودکه "حضورنظامی اتحادشوروی در افغانستان"، بهانه لشکرکشی‌های امریکا به‌منطقه‌خاورمیانه وخلیج‌فارس وتهدیدنظامی ایران‌توسط امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکا شده‌است. به‌همین جهت عنوان می‌شودکه، اگر نیروهای‌نظامی شوروی‌خاک افغانستان راترک کنند، آمریکانیزخود به‌خودراهی جز عقب‌نشینی‌ورهاکردن ملل منطقه‌به‌حال‌خود نخواهد داشت.

به‌اعتقاد ما، این برخورد، صرفنظر از هرنیتی که در پس آن‌است درست و واقع‌بینانه نیست‌وبا دلایل واقعی‌وماهوی‌حضور نظامی‌وناخوانده‌ٔ امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی آمریکا درمنطقه وبلادرهرجای دیگر جهان، نمی‌خواند.

اگر این نظر درست باشد که آمریکا به‌بهانه‌ٔ "حضورنیروهای‌شوروی درافغانستان"، نیروهای‌خودرا به‌منطقه اعزام‌کرده‌است، قاعدتا بایدلشکرکشی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی‌آمریکا، به‌منطقه‌وبویژه‌خلیج‌فارس بعد از ورودنیروهای‌اتحادشوروی‌به‌افغانستان انجام شده‌باشد.

صرفنظر از این که حضور نظامی امریکادرمنطقه چند دهه سابقه داردو به قبل از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ برمی‌گردد (وما اکنون قصد بحث درباره‌آن‌راندرایم)، اسناد موجود، که‌روزنامه‌های ایران‌آن‌رامنتشر کرده‌اند، نشان‌میدهد که لااقل‌یک‌سال ونیم قبل از کمک‌نظامی محدوداتحاد شوروی به‌افغانستان، آمریکا لشکرکشی خودرابه‌منطقه آغاز کرده و بر دامنه‌ٔ آن‌افزوده‌است.

اسناد موجود، که‌بخشی از آن را ارائه‌می‌دهدیم، به‌روشنی تمام‌بیانگر اینواقعیت‌است که نیروهای تجاوزگر آمریکا واپادی آن، با آغاز انقلاب اسلامی ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی‌ایران عازم‌منطقه شده اند و هنگامیکه روز۶بهمن ۱۳۵۸ نیروهای نظامی محدوداتحاد شوروی، به‌خواست دولت‌انقلابی افغانستان‌وبرطبق‌قرار‌داددوستی بین‌دوکشور، وارد این‌کشور شدند، امپریالیسم امریکایک زرادخانه‌ٔ تمام وکمال را در منطقه مستقر کرده و دست نشاندگان خود را تا دندان مسلح کرده‌بود.

در واقع بزرگترین "بهانه" آمریکا برای‌حضوردرمنطقه، انقلاب‌ایران‌بود. بگذارید، اسنادسخن‌بگویند:

"... کمک‌آمریکا به پاکستان‌ازسر گرفته‌شد..." "این‌خبر روز دوم آبان ۱۳۵۷ در کیهان منتشرشد، یعنی‌زمانی که‌هنوز چند ماه‌به‌پیروزی ۲۲بهمن ۱۳۵۷ باقی مانده بودوهنوز سخنی هم از "حضورنظامی‌شوروی درافغانستان" در میان‌نبود، یعنی درست همان‌موقع که آمریکا، درحالی که ازیک سونزیه‌ها و مقدم مراغه‌ای‌ها را وامی‌داشت، تا با مذاکره با **امام خمینی** ازپیشروی‌انقلاب جلوگیری‌به‌عمل‌آورند، همزمان‌نیرو‌هایش را درمنطقه‌نیز تجهیز می‌کرد، تا بر این انقلاب قبل از پیروز شدن، بتازد. واین تجهیز از آن‌موقع تاکنون بدون وقفه ادامه‌دارد:

"... روزنامه‌تشرین چاپ‌سوریه دیروز تصمیم آمریکا رامبنی بر تحویل یک‌اسکادران هواپیمای شکاری اف–۱۵ به‌عربستان‌سعودی، اقدامی‌تحریک‌آمیزنسبت به‌اعراب‌وایرانیان خواند... " (۲۳دی‌ماه ۵۷– کیهان)

چند روز بعد از این تحریکات سیاسی – نظامی وبه دنبال پیروزی انقلاب‌اسلامی ایران‌در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷:

"دوعضوبرجسته کارتر رئیس جمهوری‌آمریکا اعلام‌کردند که ایالات متحده آماده است برای حفظ منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس، که با بحران ایران به خطر افتاده است، نیروی نظامی بکار ببرد..." (۷ اسفند ۵۷ – کیهان)

اولین "بهانه" آمریکا: انقلاب ایران

توجه‌کنید! آمریکائی‌ها رسما اعلام کرده‌اند که به بهانه "بحران ایران"! یعنی "انقلاب‌ایران" به منطقه لشکر می‌کشند و بعد هم آن‌رابه مرحله‌ٔ عمل درآورده‌اند:

"... ناوهواپیمابر ۸۰هزارتنی کانستلیشن، متعلق به ناوگان هفتم آمریکا، دستور یافت‌ازآب‌های‌فیلیپین رهسپار آبهای خلیج فارس شود. مقام‌های نزدیک به دولت‌آمریکاگفتند این دستور نشانه نگرانی آمریکا از اوضاع منطقه‌است..." (آسوشیتدپرس ۱۶ اسفند ۵۷ – کیهان)

ازهمان زمان‌آمریکامصمم بوده و هست که به "بهانه" انقلاب اسلامی ایران به منطقه هجوم بیاورد:

"... جرج بال معاون پیشین وزارت‌خارجه‌ٔ آمریکا دیروزگفت آمریکا ومتحدانش باید برای حصول اطمینان از عرضه‌ٔ نفت پاسداری‌خاورمیانه را به عهده بگیرند... جرج بال گفت تا آنجا که به‌امنیت خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس مربوط می‌شود، آمریکا و متحدان عربیش بایدنقش صریح‌تری درپایداری منطقه‌ایفا کنند..." (۲۰ اسفند ۵۷ – کیهان)

جرج بال درتشریح روشن‌تر این نقش گفت:

"... ما (آمریکا) بایدحضورمان را درمنطقه افزایش دهیم وبرای نشان دادن توانایی خود در این زمینه‌باید کلیه‌اقدامات‌لازم‌رابه‌عمل‌آوریم..." (همانجا)

واین "اقدامات‌لازم"، که دقیقا به دنبال انقلاب‌اسلامی‌ایران وبیرون راندن شاه ملعون، نوکرحلقه‌بگوش آمریکا، از ایران صورت می‌گرفت، از همان زمان وحتی پیش از آن مشخصا مترادف با گسترش حضورنظامی آمریکا درمنطقه اقیانوس هند و خلیج‌فارس بوده‌است. یعنی دورنمای استقلال ایران بودکه‌نیروهای‌نظامی آمریکارابه منطقه می‌کشاند وهمچنین‌چشم‌انداز مبارزات رهائی‌بخش سایر خلق های منطقه، نه کمک اتحاد شوروی به افغانستان به منظور حفظ استقلال این کشور:

"... رویتر – والترماندیل معاون رئیس جمهوری‌آمریکا اعلام کرد که‌آمریکا حق دارد به مبارزه‌طلبی‌هایی‌که‌نسبت به تقویتش درخاورمیانه وخلیج فارس می‌شود، با تقویت‌حضور نظامی در منطقه عکس‌العمل نشان دهد..." (۲۱ اسفند ۵۷– کیهان)

آیا ازاین صریح‌تر می‌شد نیات توسعه طلبانه وتجاوزکارانه آمریکا را برای "مبارزه‌طلب"ها تشریح‌کرد؟ آن هم درست هنگامی که پاسخ به این "مبارزه‌طلبی"ها، بنا به نوشته هفته نامه‌ٔ آمریکایی نیوز ویک، با "... اعزام ناوهواپیمابر به منطقه و ارسال سریع اسلحه به یمن شمالی‌واعزام دو هواپیمای شناسایی آواکس به‌عربستان سعودی..." (همانجا) صورت‌میگرفت وبازهم صریح‌تر و بنا به گفته‌ماندیل، دقیقا به این دلیل که "... کاری‌که‌ما می‌کنیم عکس‌العمل مشروعی‌است ... درمقابل تزلزل موقعیت‌مان‌در منطقه. دولت‌کارترهمیشه خواستارحفظ ثبات درمنطقه بوده‌است. علاقه مابه ثبات منطقه با وخیم شدن اوضاع‌ایران آغاز شده..." (همانجا)

آری، اگرقراراست برای‌گسترش حضور نظامی‌آمریکای جهانخوار در منطقه "بهانه" پیداکنیم، قبل از همه باید شهدای میدان شهدا، سرچشمه، ۱۳آبان، ۱۶آذر، ۱۵خرداد و ... پیروزی ۲۲ بهمن را "بهانه" به حساب بیاوریم، زیرا که آمریکا عیناهمین کار را کرد:

"... رویتر– هارولدبراون‌وزیر دفاع آمریکا دیروز تائید کردکه‌جبران ازدست رفتن پست‌های‌الکترونیکی جاسوسی‌آمریکا در ایران ۵ الی ۶سال به‌طول‌می‌انجامد‌اما آمریکاظرف مدت یک سال می‌تواند وسایل‌دیگری... فراهم آورد..." (۲۹فروردین ۵۸ – کیهان)

ویااینکه:

"... آمریکا به جای‌ایران، در قبرس، پایگاه جاسوسی ایجاد کرده است..." (۱۹فروردین ۵۸– کیهان)

وهمچنین:

"... به‌گزارش‌روزنامه نیویورک تایمز، پنتاگون نقشه تشکیل یک سپاه اعزامی۱۰۰هزارنفری برای مداخله‌ٔ نظامی، به منظور دفاع از مصالح و علائق‌آمریکائی درمناطق‌دارای‌اهمیت استراتژی درجهان تهیه وتنظیم کرده است. نیروهای زمینی‌مسلح به تانک سنگین، توپ و موشک‌های ضدتانک جزو این‌سپاه‌اعزامی خواهدبود. قرار است که سپاه تازه مامو رسرکوب در ناحیه پهناوری از بخش‌شمالی غرب اقیانوس‌آرام گرفته تا خاور نزدیک فعالیت‌کند..." (کیهان – ۱۹ اردیبهشت ۵۸)

"بهانه" دوم: مبارزه خلق‌های منطقه

توجه دارید که "سپاه واکنش سریع" دقیقا و صریحا به منظور محاصره انقلاب‌اسلامی‌ایران و سایر جنبش‌های‌مترقی درمنطقه تشکیل‌شدو به‌همین‌منظوربود که آمریکا و متحدان اروپائیش به تسلیح نوکرهای خود در خلیج فارس و خاورمیانه‌و به نوسازی‌و تجهیزپایگاه‌های خود در این‌نواحی پرداختند:

"... یک هیات عالی مقام آمریکایی دیروز وارد ترکیه شد. او ماموریت دارد در حفظ پایگاه های نظامی ایالات متحده در ترکیه تلاش کند..." (کیهان – ۸ اردیبهشت ۵۸)

ویا: "... روزنامه‌الاهرام در

بقیه‌درصفحه ۱۷





شعار تظاهرات میلیونی مردم در راهپیمائی علیه طرح فهد :

مرگ بر آمریکا ! مرگ بر صهیونیسم !

جمعه ۲۹ آبان ۱۳۶۰ ایران انقلابی یک دهان بود : مرگ بر آمریکا ، مرگ برصهیونیسم! خلق قهرمان ایران یکمشت بودکه بر پوزه امپریالیسم و ارتجاع جهانی بسرکردگی امریکاکوبیده می‌شد . خروش زحمتکشان ایران یک‌صدا بود ، که‌پیمان خودرا باخلق فلسطین تجدید و طرح فهد را محکوم می‌کرد .

در تهران شعار "مرگ برآمریکا" خزان رابهارکرد . دراصفهان زحمت‌کشان از روی پرچم امریکارژه‌رفتند . در تبریز خروش مردم علیه آمریکا دشمن اصلی بی‌پایان‌بود . درآبادان قهرمان بانگ "مرگ برآمریکا متجاوزان صدامی رالرزاند . در شیراز پرچم‌های امریکا درخشم مردم سوخت ، دربهشهر انبوه زنان‌ومردان نفرت خود را نثار امریکا وصهیونیسم کردند . . . ود رمشهد ، در قم ، در زنجان ، در رشت ، دربهبهان ودرهمه‌جای ایران انقلابی ، ندای خشمگین رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران ودعوت آیت‌الله‌منتظری ، به‌فریاد یگانه‌خلق‌تبدیل شد که‌آمادگی خود را برای نبرد با آمریکا تاآخر ، باردیگر اعلام می‌کرد .

به‌گزارش‌خبرنگاران **"اتحادمردم"** درتهران‌شهر از اولین ساعات روز به خروش آمد . بابرآمدن آفتاب‌ازمحلات جنوبی شهر ، سیل توده‌ها به جانب دانشگاه سرازیر شد . در دست‌ها این پلاکارد بیشتر از همه دیده می‌شد :

ـ همه اگر بمیریم ، بهتر است‌که زیر بار ذلت امریکا واسرائیل‌برویم (امام‌خمینی)

وشعارهابی‌پایان‌بود :

ـ مرگ برآمریکا!

ـ مسلمان ، مسلمان ، بپاخیز ، با آمریکا درستیز!

ـ برپابرپا ، بامسلسل‌ها ، سوی اسرائیل ، سوی امریکا!

ـ طرح فهد ، طرح اسارت‌ماست ، نقشهٔ‌شوم سلطهٔ‌امریکاست!

ـ سازش باآمریکا ، سازش با اسرائیل ، هرگز!

مردم‌قهرمان‌تهران ساعت ۱۰ صبح ، درحالیکه شعار"مرگ برامریکا" فضا رامی‌لرزاند ، به دانشگاه‌تهران‌رسیدندو ساعتی‌بعد محوطه‌چمن ، خیابان ها ی اطراف‌آن‌وخیابان‌های اطراف دانشگاه تهران‌غرق انبوه‌جمعیت‌بود ، که‌بی‌وقفه شعار "مرگ برآمریکا"، "مرگ‌برصهیونیسم" رافریادمی‌کردند .

دراین‌مراسم قطعنامه‌راهپیمایی قرائت‌شدکه درآن از جمله آمده بود : "امریکا به‌دلیل خاصیت‌ذاتی‌خودنمی‌تواند دشمن‌مستضعفین نباشد" و " از امریکای جهانخوار جز قتل وغارت‌مکرر وجنایت‌انتظاری نتوان‌داشت . "

در موا د ۸گانه قطعنامه ، ضمن تجدید بیعت بارهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران ، **امام‌خمینی** ، طرح فهد محکوم وبرحق‌تعیین سرنوشت خلق‌قهرمان‌فلسطین پافشاری شده‌است

درماده ۷ قطعنامه آمده است : "امریکای جنایتکار ، ای دشمن‌سر سخت انسان وبشریت ، ای شیطان‌بزرگ ، ای تجاوزگر به‌حقوق‌ملت‌مستضعف ومحروم جهان ، ای آواره‌کننده مردم قهرمان و مسلمان فلسطین ولبنان! تو نیز بدان که‌تمامی تلاشهای مذبوحانه‌ات جزدر جهت هرچه‌زودترنابودیت ثمری نخواهدبخشید .

در قطعنامه که بندبند آن با فریادهای : "الله‌واکبر ، خمینی رهبر ، مرگ‌برآمریکا" تائید میشد "تاکید شده است‌که‌مردم‌ایران : "همت گمارده ، که تاآخر با امریکای جنایتکار دست از مبارزه برندارد . "

بعد ازقرائت‌قطعنامه ، مردم شعارهای‌ضدآمریکائی وضدصهیونیستی را ، که‌ازتریبون داده میشد به‌زبان‌های فارسی وعربی تکرار کردندوآنگاه **حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** امام جمعه موقت تهران به‌ایراد خطبه‌های نماز جمعه پرداخت وطی آن‌طرح فهد را محکوم کرد .

سیل جمعیت بعدازاقامه نماز به جانب جاسوسخانه سابق امریکاحرکت کرد . طی مراسم‌کوتاهی که در آنجا انجام شد ، مردم‌قهرمان‌ایران‌با شعار : "دانشجوی خط‌امام ، بر تو درود بر توسلام " ، ازاین دانشجویان قهرمان سپاسگزاری کردند . سپس قطعنامهٔ مراسم به‌زبان‌عربی خوانده‌شدومراسم درمیان‌شعارهای :

ـ مرگ برریگان !

ـ مرگ بر آمریکا ، مرگ بر صهیونیسم !

پایان‌گرفت .

اسناد سخن . . .

بقیه‌ازصفحه۱۶

شماره دیروزخودفاش کرد که‌قرار است یک هیئت عالیرتبهٔ نظامی آمریکا یکشنبه وارد قاهره شود ، تا قرارداد مربوط به تحویل سلاحهای مدرن و پیشرفته‌آمریکا به‌مصر رامنعقد سازد . روزنامه‌الاهرام سپس می‌نویسد قرار است دولت‌آمریکا هواپیماهایی ازنوع فانتوم ، موشک‌های‌دفاعی هوائی چند واحد نظامی دریایی و همچنین‌وسایل پیشرفته‌الکترونیکی جنگی در اختیار مصربگذارد . اولین‌هواپیماهای‌فانتوم دراول اکتبر امسال به مصر تحویل خواهدشد . . . " (۲۹ اردیبهشت ۵۸ کیهان)

و: " . . . یک بندر مجهز به‌۶۰ بارانداز در ساحل امارات متحده عربی در دست ساختمان است . این بندر برای پیاده‌شدن‌احتمالی‌سربازان آمریکایی . . . مورداستفاده قرارخواهد گرفت . . . " (۳۱ اردیبهشت ۵۸ ـ کیهان)

وبازهم : " . . . دولت‌آمریکالایحه ای‌رامضاکرده‌که‌برطبق‌آن امریکا ۵ میلیارد دلار کمک نظامی واقتصادی‌به اسرائیل و مصر خواهدکرد . . . " (۳۱ تیر۵۸ ـ کیهان)

و: " . . . شش‌هزارسربازآمریکایی دربحرین مستقرشدند . . . " (اول مهر ۵۸ ـ کیهان)

و: " . . . وزارت خارجهٔ آمریکا اعلام‌کردکه‌آن‌کشور‌به مبلغ یک‌میلیاردو دویست میلیون‌دلار اسلحه‌وتجهیزات نظامی‌به‌عربستان سعودی‌خواهدفروخت این‌اسلحه وتجهیزات برای‌چهارلشکراز نیروهای مسلح عربستان مورد استفاده قرارخواهد گرفت . . . " (۲۳ تیر۵۸ ـ کیهان)

واینها **۷ ماه قبل** ازکمک نظامی محدوداتحادشوروی‌به‌افغانستان‌است !

واخبارلشکرکشی ادامه‌دارد . تسلیح پاکستان ، کویت . . . هم سخنی نیست که در پس پرده‌مانده باشد . آمریکا امروز می‌کوشد تمام این‌اعمال تجاوزکارانه را درقالب "مقابله‌با نفوذ اتحادشوروی درمنطقه" و ماجرای افغانستان بپوشاند . اما همچنان که روشن است ، ۶ ماه قبل‌از "مسئلهٔ افغانستان "لشکرکشی آمریکا به منطقه خاورمیانه آغازشد و از همان‌ابتدا نیز به‌صراحت هدف آن روشن بود :

" . . . روزنامه‌سووتسکایا راسیا درشماره دیروز خود از یک طرح مهم دولت‌آمریکا در خلیج فارس پرده‌برداشت . برطبق‌این نقشه ، که‌در وزارت جنگ آمریکا طرح ریزی شده ، قراراست دولت‌آمریکا درصورتی‌که‌وضع درمنطقهٔ خلیج‌فارس بحرانی و به حالت استثنائی درآید مناطق وتاسیسات‌نفتی خلیج فارس را دراختیاربگیرد . . . (کیهان ـ ۱۹ خرداد ۵۸)

و: " . . . آمریکامی‌خواهد میان ایران وعراق برخورد ایجاد کرده و خلیج فارس را به آتش بکشد . . . " (۲۷ خرداد ۵۸ ـ کیهان)

و اینها دیگر فقط طرح نبود بلکه‌طرحها بمرحله اجرا درآمده بود . مگرآمریکاجنگ‌علیه‌ایران را توسط رژیم صدام به راه نینداخت ؟

مگر نه اینکه : " . . . نقشه های خطرناک (آمریکا) دیگرازمرحله مطالعه وبررسی گذشته است . در پایگاه‌های نظامی‌آمریکا باسرعت وشدت‌به‌تربیت افراد این نیروها مشغولند . تاکنون ۴۰ هزارنفر طرزاقدام وعمل درصحرا و چگونگی غصب و اشغال‌صنایع نفت‌را تمرین‌کردند . تانک‌ها و سایر وسایل جنگی ، که به رنگ‌صحرا رنگ‌آمیزی شده وبرای انجام عملیات درشرائط صحرا مجهز شده‌اند و برای اعزام‌از طریق‌هوا به‌مناطق بحرانی آماده‌اند ، درحالت‌آمادگی‌جنگی‌دائمی قرار دارند ، همچنین یک ناوگان جدید ، یعنی ناوگان پنجم آمریکابرای‌استقرار وجایگیری دائمی در اقیانوس هند ایجادمی‌شود . پایگاه نیروی دریایی آمریکا درجزیره دیگوگارسیا با سرعت فراوان مدرنیزه می‌شود . . . " (۱۰ تیر ماه ۵۸ ـ کیهان)

"بهانه" سوم:

تسخیر جاسوسخانه آمریکا

"بهانه" امپریالیسم خونخوار آمریکابرای‌لشکرکشی به‌منطقه ، تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران بود .

بعداز قداره‌بندی‌ها ، رجزخوانی‌ها و لشکرکشی‌های یادشده ، همینکه مرکز جاسوسی آمریکا درایران‌به اشغال جوانان مسلمان‌انقلابی درآمد ، سیل نیروهای‌شیطان بزرگ به طرف خلیج فارس سرازیرشد . روز۲۳ آبان ۱۳۵۸ ، یعنی ۱۰ روزبعد از تسخیر جاسوسخانهٔ آمریکا " مانور مشترک آمریکا ، انگلیس و استرالیادرآبهای نزدیک‌خلیج‌فارس" (اطلاعات ـ ۲۳ آبان ۱۳۵۸) انجام‌شد . دراین مانور ۱۸ ناوجنگی " (همانجا) شرکت داشتند . بعلاوه ، در همان‌روزاعلام شد که : "چندکشتی‌جنگی‌آمریکا اینک در خلیج فارس حضور دارد" . (همانجا)

وروزنامه‌ها مشخصات یکی ازاین ناوها را فاش کردند :

"ناو هواپیمابر ۶۴ هزار تنی میدوی ، بندر مومباسا را درکنیا به‌سمت دریای‌عرب (ادامه‌خلیج‌فارس) ترک‌کرد تا در این دریا در یک مانور نظامی با شرکت ناوها و هواپیماهای‌انگلیس و استرالیا شرکت‌کند" . (اطلاعات ـ ۲۳ آبان ۱۳۵۸)

هنوز چند روز از انجام‌این‌مانور نگذشته‌بودکه : نقل وانتقالات نظامی آمریکا در حوالی‌خلیج فارس (اطلاعات ـ ۳۰ آبان ۱۳۵۸) شروع شد و درحالیکه ناومیدوی وچندکشتی جنگی در نزدیکی دهانهٔ‌خلیج فارس لنگرانداختند" (همانجا) وزارت دفاع‌آمریکا دیشب به ناوهواپیما بر سنگین "کیتی‌هاوک" ، که در فیلیپین مستقر بود ، دستور داد که‌بیدرنگ به سوی‌اقیانوس هند حرکت‌کند . ناو هواپیمابر هشتاد و یک‌هزار تنی "کیتی‌هاوک "هشتادوپنج‌هواپیمای‌اف ـ ۱۴ واف ـ ۴ حمل‌می‌کند وپنج ناو جنگی‌ازنیروی‌دریایی‌آمریکاآنرااسکورت می‌کنند" . (اطلاعات ـ ۳۰ آبان ۱۳۶۰)

چندروزبعد ، درحالیکه یک‌ماه‌به پیدایش "مسئله‌افغانستان" مانده بود : " . . . همزمان با نزدیک شدن ناوهای هواپیما برآمریکا به‌آبهای دریای‌عمان وخلیج‌فارس . . . دو ناو سرفرماندهی ناوگان دریایی ایران‌در خلیج‌فارس ودریای‌عمان‌مستقر . . . " شد . (۳ آذر۵۸ ـ اطلاعات)ودو روز بعداعلام شدکه : " . . . یک گروه‌ناو هواپیمابر کیتی‌هاوک باظرفیت ۸۵ هزارتنی و۸۵هواپیمای مختلف ، که قادرند ۹ گونه عملیات جنگی‌درزمینه‌های مختلف انجام‌دهند . . . به طرف‌خلیج‌فارس‌درحرکتند . تابه گروه ناوهواپیمابرمیدوی . . . درنزدیکی خلیج فارس بپیوندد ، که البته این مجموعه نیروی قدرتمندی راتشکیل‌می‌دهد . . . " (۴ آذر۵۸ـ اطلاعات)

و: " . . . یک ناوهواپیمابر دیگر آمریکا عازم خاورمیانه‌شد . . . " (۱۶ آذر ۵۸ ـ اطلاعات)

ودرست روز قبل ازاعزام نیروهای‌محدودشوروی‌به‌افغانستان برای کمک به‌این‌کشور درمقابل‌تجاوزامپریالیستی ، روزنامه‌هانوشتند :

" . . . آمریکا از هفته گذشته‌با کشورهای‌ساحلی‌اقیانوس هند برای به دست‌آوردن حق‌استفاده از بنادر و پایگاه‌های نظامی‌آنها به‌گفتگوپرداخته است . ناوگان‌آمریکا در غرب اقیانوس هند اکنون از بیست ویک کشتی‌جنگی ازجمله دوناوهواپیمابر بایکصدوپنجاه هواپیمای‌جنگنده تشکیل‌می‌شود . . . " (۵ دی‌ماه ۵۸ ـ اطلاعات)

وچنانکه‌رسم شیطان‌بزرگ است ، به‌محض "حضورنیروهای شوروی در افغانستان" ، امپریالیسم‌آمریکا همهٔ این‌لشکرکشی را بحساب "خطرشوروی" نوشت وهمهٔ "بهانه"های یادشده‌را به سوداین‌حربه‌کهنه‌تبلیغاتی فراموش‌کرد

* * *

اسنادیادشده ، که‌مشتی ازخروار بود ، بوضوح تمام نشان می‌دهد که "حضورشوروی‌درافغانستان "تنهاوتنها یک "بهانه" است ، مثل دهها و دهها "بهانه" دیگر ، که درقلب‌آنها "بهانه انقلاب‌اسلامی‌ضداستبدادی ، ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران قرار دارد .

بدین‌ترتیب ، تنهاروزی موفق خواهیم‌شد ، "بهانه"ها را از دست آمریکابگیریم که‌همه‌مردم دنیاغلامان دست‌به‌سینه‌یانکی‌هاباشند .

اتحادشوروی . . .

بقیه‌ازصفحه۳

تامین دفاع اطمینان بخش از کشور خود را بعمل آورند . عاقلانه‌ترو واقع‌گرایانه‌تر ازهمه‌این‌خواهد بود که از حفظ برابری سخن‌گفته‌شود ، که هم اکنون وجود دارد و ، بطوریکه تجربه نشان‌میدهد ، مبنای‌خوبی‌برای‌حراست از صلح است .

درامرتحکیم صلح‌وژرفش‌تشنج‌زدائی‌البته اروپا باید نقش خاصی ایفا کند ، ولو حتی به‌این دلیل که اروپا تنگ‌ترین وآسیب‌پذیرترین "خانه‌های" بشراست ، که‌در صورت وقوع جنگ ، بطور یقین و اجتناب‌ناپذیر قربانی حریق هسته‌ای خواهد شد . سندنهائی کنفرانس هلسینکی بیانگر آنست که‌کشورهای اروپائی ارزش صلح و خطر جنگ را درک‌می‌کنند . وآیاجنبش ضد جنگ وضد موشک ، که‌اکنون خودانگیخته‌دربرخی‌ازکشورهای بلوک "ناتو" ، بعنوان‌پاسخ به سیاست‌خطرناک‌نظامیگری رهبران‌این بلوک‌برخاسته ، بیانگراین‌امرنیست ؟

ولی مطلب تنهادر موج‌اعتراض مردم علیه‌ماجراجوئی خلاصه نمیشود . اروپائی‌ها با فعالیت خلاق روزمرهٔ خود وبا تحکیم و بسط‌دادن مداوم روابط ثمربخش صلح آمیزبین‌ملت‌های قاره ـ روابط‌اقتصادی ـ علمی ـ فنی وفرهنگی ، تماس‌های بین‌پارلمان‌ها ، سازمان‌های اجتماعی ، ارگان های شهرداری والی آخرـ سهم فوق‌العادهٔ پرارزشی در امرتحکیم صلح‌ادا میکنند . صرفنظر از بادهای سرمازا وشعارها ی مخربی که از اردوگاه دشمنان تشنج‌زدائی می‌رسد ، بافت مادی همکاری مسالمت‌آمیز در اروپاهمچنان‌استوارتر وغنی‌تر میشود . در اینجا چگونه‌می‌توان سخنان‌لنین را ، که قریب ۶۰سال پیش‌ازاین ، درزمینه‌مناسبات روسیه شوروی نوبنیادباکشورهای‌سرمایه‌داری گفته بود ، بخاطرنیاورد :

" . . . میتوان‌بحث‌کرد . میتوان مجادله‌کرد . میتوان به علت‌مواضع مختلف از هم جدا شد ـ وممکن است همه اینها درست بنظرآیدوبه‌جدائی بیانجامد ـ اما باوجوداین ، سرانجام ضرورت‌بنیادی اقتصادی راه خود را میگشاید . . . توسعه مناسبات صحیح بازرگانی بین‌جمهوری شوروی وتمامی بقیه دنیای سرمایه‌داری‌ناگزیرپیشرفت خواهدکرد . "

زندگی‌حکمت این سخنان را به اثبات‌رسانیده ودرآینده‌هم به‌اثبات میرساند .

واما درباره آنچه که مربوط به نقش جمهوری فدرال درایجاد این بافت روابط مسالمت‌آمیز در اروپا و اهمیت مناسبات میان دوکشور ما در این متن‌است ، من سخن‌گفتم .

سئوال : مرحلهٔ تازه‌مسابقه تسلیحاتی نزدیک‌میشود . مسئله‌سلاح میان‌برد هسته‌ای ، چه‌جانب شوروی‌وچه آمریکائی ، بصورت‌یکی از حادترین مسائل‌برای اروپادرآمده‌است . آیاشما امکان‌متوقف ساختن‌چنین‌روندی را می‌بینید ؟

جواب : برای من‌بارها اتفاق افتاده‌که‌بگویم : مابرآنیم که‌چنان‌رشته‌ای ازخلع سلاح وچنان نوعی از تسلیحات‌وجود ندارد که درآن‌نتوان به‌توافق رسید . مسئله‌سلاح‌های‌هسته‌ای بابرد متوسط در اروپا رامیتوان‌به نفع تمام ملت‌های اروپاحل نمود . می‌توان وباید‌حل‌نمود . اما انجام‌این‌کار فقط درصورتی میسر است‌که‌تمام طرف‌ها نسبت‌به‌سازندگی صلح‌پایدار بمثابه یک‌وظیفه‌مشترک‌برخورد‌کنند .

مفهوم‌این سخن به طور مشخص چیست ؟

مجله شما "اشپیگل" ، یعنی "آئینه" نام دارد . باشد که‌این‌آئینه منظره واقعی رامنعکس نماید .

درآغاز بخاطر بیاوریم که‌چگونه حوادث گسترش یافت وسرانجام‌بوضع فعلی ، باسلاح‌هسته‌ای در اروپا ، منجر گردید . ازسالهای دههٔ ۵۰ ایالات متحده‌آمریکادراروپاودریاهای پیوسته به‌آن ، به‌منظور واردآوردن ضربه بر مراکز حیاتی اتحادشوروی ومتحدانش ، سلاح‌هسته‌ای مستقر کرد . این سلاح‌را بنام "وسایل پایگاه‌مقدم "نامگذاری کردند ودکترینی که‌این وسایل در خدمت آن‌بود ، زمانی در واشنگتن دکترین "موازنه‌درسرحد جنگ"نامیده میشد . درهمانموقع یاکمی دیرتر سلاح هسته‌ای‌در اروپای غربی ، در برخی‌از کشورهای عضو "ناتو" ، نیز پدیدار گشت .

لحظه‌ای‌درتصورخود ، خودتان راجای‌مابگذارید . آیاما‌میتوانستیم لاقیدانه ناظرآن‌باشیم که‌چگونه‌ازهرطرف مارادرمیان‌پایگاه‌های‌نظامی‌قرارمی‌دهندوچگونه‌ازنقاط مختلف اروپادم‌به‌دم تعدادبیشتری وسایل مرکبار هسته‌ای ـ فرق‌نمیکند باچه شکلی ـ موشک از دریا یا خشکی ، بمب‌های هوائی وغیره به‌سوی شهرهاوکارخانه‌های‌شوروی نشانه‌روی میکنند ؟ اتحاد شوروی‌ملزم‌بودکه‌برای‌دفاع‌از خود ونه برای‌تهدیدیه‌احدی ـ وکمتراز‌همه اروپا ـ وسایل لازم راایجادکند . اتحادشوروی این‌وسائل راساخت ودراراضی خود به تعدادی‌که‌متعادل‌باتسلیحات‌مربوطه آن‌کسانی‌است‌که‌خودرا دشمنان‌بالقوه ، اعلام‌کرده‌اند ، مستقرنمود .

مانه‌آنموقع و نه حالارویاروئی هسته‌ای ، بویژه دراروپا ، را بهترین راه‌حل نشمرده‌ایم ونمی‌شماریم . اتحاد شوروی‌چندین‌بارپیشنهادنمودکه‌لااقل برای رقابت دراین‌رشته‌حدی گذاشته شود . ولی کار ، آخر هم به مذاکرات واقعی نرسید . چرا؟ دولت ایالات متحده‌آمریکا نه‌درسالهای دههٔ ۶۰ و نه‌درسالهای دههٔ ۷۰ مایل‌نبود که سیستم‌های‌میان‌برد ، یعنی باصطلاح وسایل "پایگاه‌مقدم "نیزموضوع بحث ومذاکره قرارگیرد وتوافق‌های احتمالی شامل‌آنهانیز بشود . قرائن و شواهد حاکیست‌که تناسب‌نیروهای‌هسته ای میان‌برد موجود ، در آن‌موقع ، برای امریکائی‌هامناسب بود .

ادامه دارد .

در هفته‌ای که گذشت:

روز شهیدان پاسدار گرامی باد

هفته‌ٔ گذشته، روز ۲۵ آبان، روز شهیدان پاسدار نامیده شد. مردم ما در این روز که زنده کننده خاطره پاسداران قهرمانی است که با نثار خون خود سبب آزادی سوسنگرد از اشغال متجاوزان صدامی شدند، با برگزاری مراسم ویژه‌ای خاطرهٔ شهیدان پاسدار را گرامی داشتند در این روز چنانکه شایسته پاسداران جان بر کف انقلاب است، از فداکاری‌های پاسداران در جبهه‌های نبرد انقلاب با ضدانقلاب و به ویژه جبهه‌های جنگ با متجاوزان صدامی تجلیل به عمل آمد. بیگمان نام این عزیزان قهرمان که جان برکف در تمامی جبهه‌ها حاضر هستند و با ایثار و قهرمانی توطئه‌های ضدانقلاب را در کنار دیگر نیروهای مردمی درهم میکوبند، در تاریخ معاصر ایران با برجسته‌ترین حروف ثبت خواهد شد. مردم دلاور ایران، که خود این فرزندان برومند را در دامن پرورده‌اند، خاطرهٔ جانبازی‌ها و فداکاری‌های آنان را در راه بهروزی خلق از یاد نخواهند برد.

"**اتحاد مردم**" نیز همراه دیگر مردم قهرمان وطنمان به روان پاک این قهرمانان درود می‌فرستد و خاطرهٔ ارجمند آنان را گرامی می‌دارد.

سخنان وزیر کشاورزی

دربارهٔ لایحه اصلاحات ارضی

آقای محمد سلامتی، یکشنبه‌شب گذشته، در یک مصاحبه تلویزیونی با برنامه دهقانان سیمای جمهوری اسلامی شرکت کرد و به سئوالاتی دربارهٔ اصلاحات ارضی پاسخ گفت.

آقای سلامتی در پاسخ این سئوال که: "لایحه‌ای که از طرف دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد. آیا تفاوتی هم با آن طرح شورای انقلاب خواهد داشت یا نه؟" گفت:

"هیچ تفاوتی ندارد. همان است به خصوص که ما دیدیم که آیات عظام جناب آقای منتظری، شهید دکتر بهشتی و آقای مشکینی آن را امضا کردند و تاکید کردند و بخصوص که جوابگوی آن چیزهایی که مورد توجه ما، که یک ارگان اجرائی هستیم، هست. ضرورتی برای تغییر و اصلاحش ندیدیم. روی این حساب همان را، همان شکلش که در شورای انقلاب تصویب شد، ما به هیئت دولت ارائه کردیم، که انشا الله به مجلس هم ارائه بشود".

وزیر کشاورزی درباره طرحی که ۱۶ تن از نمایندگان به مجلس داده‌اند، گفت: "این طرح متاسفانه چیز جدیدی ندارد" وافزود:

"اما باید ببینیم که این لایحه اصلاحات ارضی اسلامی، که در هیئت دولت دارد بررسی می‌شود و همینطور به تصویب شورای انقلاب رسیده، محور آن چه است؟ ما باید به آن مبنا و اساس کار توجه بکنیم. آن لایحه بر این مبنا ارائه شد که یک عده زمین‌های زیادی دارند، که اینها در واقع غصب کردند، اما از لحاظ ظاهری اینها سند دارند. ظاهرا می‌گویند ما وجوهات شرعی را پرداختیم و اثبات این قضیه، با توجه به سندها و مدارکی که ارائه می‌دهند، مشکل است و حتی غیرممکن. اما قرائن و شواهد و برخوردهای اینها و اظهار نظر زارعینی که روی زمین‌ها کار کرده‌اند، مبین این قضیه است که اینها غاصبین این زمینها هستند و زمین ها باید از آنها گرفته بشود. علاوه بر اینها، در جامعه احتیاج زیادی داریم که سطح تولید کشاورزی بیش از پیش بالا برود که به حد خود- کفائی برسیم، چرا که ما الان مقدار زیادی از نیازمندیهای کشاورزیمان را از خارج وارد می‌کنیم. اما این کار بوسیله این افراد- زمین- داران بزرگ و فئودالها- امکان‌پذیر نیست، چرا که به تجربه ثابت شده اینها پولدار هستند، املاک مختلف دارند، احتیاج به این ندارند که نیروی زیادی روی زمین بگذارند... ما باید به حد خودکفائی برسیم. ما نمی‌توانیم همینطور وابسته به خارج باشیم. این یک احتیاج جامعه است. از طرفی فئودالها اینطور رفتار می‌کنند و ضرر می‌زنند به این احتیاج، به این خواست جامعه که نامشروع است. درنتیجه قاعده لاضرر حکم می‌کند که این زمین‌ها از دست اینها گرفته بشود و به کسانی داده شود که تمام هم و غمشان تولید است. این شیوه برخورد در رابطه با طرحی که از طرف برادرانمان در مجلس ارائه شده جوابگو نیست."

وزیر کشاورزی افزود: "ما امیدواریم بتوانیم با تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی مقابله بشود، با این کلکهائی که فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ و با سوء استفاده- هائی که از اصل مالکیت می‌کنند."

همه چیز برای اجرای قانون آماده است

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت‌الاسلام رفسنجانی ضمن تاکید بر این امر که: "یادمان هست که امام امسال در ملاقاتی که اول سال نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ایشان داشتند، فرمودند امسال سال قانون است"، به لوایحی که برای استقرار حاکمیت قانون در مجلس تصویب شده، از جمله قانون احزاب و اراضی شهری اشاره کرد و اعلام داشت که:

"قانون مطبوعات بزودی می‌گذرد... لایحه تجارت خارجی بزودی در دستور قرار می‌گیرد".

رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن تشریح ضرورت قانون برای جامعه و پیشبرد انقلاب، به شرح دوران سختی که انقلاب پشت سر گذاشته، پرداخت وگفت:

"یک مشکل ما مشکل دوستان نادان است و یک مشکل، مشکل دشمنان حیله‌باز و مکار و دانا. دشمنان دانا و وارد دائما توطئه می‌- کنند، که توی این مملکت اعتماد نباشد، شایعه راه می‌اندازند، جنگ درست می‌کنند، ناامنی درست می‌کنند..."

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ضمن برشمردن برخی از توطئه‌های دشمن و مشکلاتی که دوستان نادان فراهم می‌سازند و تاکید بر ضرورت شناخت دوستان و دشمنان انقلاب گفت:

"پس چیزی که ما تعقیب می‌کنیم این است که، مملکت‌مان حالت اعتماد به خودش بگیرد. کاسب مطمئن باشد. متخصص مطمئن باشد. کسی که پولی دارد و می‌خواهد بکار بگذارد، مطمئن باشد. مستضعف به آینده خودش مطمئن باشد. کسانی که داعیه سیاسی در مملکت دارند، مطمئن باشند. کسانی که داعیه دیگری دارند، مطمئن باشند. حدود و حقوق همه معین شود. تا به این نقطه نرسیم، نمی‌توانیم یک کشور جا افتاده داشته باشیم".

امام جمعه موقت تهران ضمن تاکید بر این امر که خودسری‌ها و تجاوز از مرز قانون، چه به دست دوست و چه بدست دشمن دوست نما اثر بی‌اعتمادی و شکستن اعتماد مردم و فلج شدن نیروهای سازنده و فلج شدن اقتصاد کشور را بدنبال دارد، از سخنان خود نتیجه گرفت:

"سیاست کشور ما این نیست که با بی- قانونی و با شعار با مردم برخورد کنیم... این اطمینان را داشته باشید که گفته امام، امام گفته هاست و رویش می‌ایستیم و سال سال قانون است و سال آینده محکمتر از امسال و همیشه سال قانون است".

باید با کمال خرسندی گفت که امام جمعهٔ موقت تهران، که ریاست قوه مقننه را هم برعهده دارد؛ بدرستی تمام بر یکی از مهمترین نیاز- های انقلاب انگشت گذاشته و بر حل آن تاکید ورزیده است. در واقع یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های فعالیت دشمنان همه انقلاب‌ها و از جمله انقلاب شکوهمند مردم قهرمان ما، جلو- گیری از آماده شدن شرایط امن در جامعه برای گذار از رژیم طاغوتی گذشته به رژیم انسانی آینده است. هرقدر که دشمن در ایجاد ناامنی، هرج و مرج، قانون شکنی و متزلزل کردن اعتماد عمومی بیشتر موفق شود، به دریدن گلوی انقلاب بیشتر نزدیک شده است. موفقیت دشمن غدار در از میان بردن امنیت و قانون در جامعه چیزی نیست جز آستانه پیروزی آن برای تراشیدن جانورانی از قبیل رضاخان، محمدرضا، پینوشه و... که گویا قصدشان برقراری امنیت در جامعه است، اما هدفی غیراز استقرار نظام سرنگون شده، گیرم به شکلی تازه نداشته و ندارند.

خوشبختانه به برکت حضور توده های میلیونی و رهبری قاطع **امام خمینی** جامعهٔ انقلابی ما چندین توطئهٔ خطرناک دشمن را برای رسیدن به این هدف شیطانی پشت سر گذاشته است. اکنون می‌توان گفت که تا دشمن شکست خورده نیروی خود را مجددا گرد بیاورد بهترین فرصت در اختیار است. همانطور که رئیس مجلس گفته است، برخی از قوانین - علیرغم نقایص آنها - از تصویب گذشته است. باید بیدرنگ آنها را به اجرا درآورد. باید به احزاب و سازمانهای طرفدار انقلاب اجازه فعالیت داد. باید راه را برای انتشار روزنامه - های انقلابی بازکرد. باید با استفاده از لایحه اراضی بایر شهری برای مسکن محرومان برنامه‌ریزی کرد. لوایح محوری چندی، از جمله لایحه اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی، در دستور کار مجلس است. باید با استفاده از تفویض اختیار امام به مجلس، آنها را بسرعت تصویب و اجرا کرد. لوایح حیاتی دیگری باید در دستور کار مجلس قرار گیرد، که از آن جمله است حدود مالکیت‌ها. باید هر چه زودتر آنها را تهیه کرد و به مجلس فرستاد...

باید اکنون که همه شرایط فراهم است، از فرصت سود جست. دوستان و دشمنان انقلاب در جریان رویدادهای سه سال گذشته در عمل شناخته شده‌اند. باید دشمنان را طرد کرد و دست دوستان را فشرد و بسرعت بجلو رفت. هرگز نباید فراموش کرد که این تنها شرایط آماده نیست که زمینه اجرای قانون را فراهم می‌سازد. کوشش پیگیر برای استقرار قانون نیز زمینه را آماده‌تر می‌سازد. وقتی در حدود تعیین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی شکل گرفت، معیار تازه‌ای هم برای شناخت بیشتر دوستان و هم شناخت دشمنانی که هنوز نقاب از چهره برنداشته‌اند، در دست خواهد بود. آنان که به هر بهانه با استقرار نظام نو مقابله می‌کنند، دشمنانند و آنان که به پیشبرد انقلاب یاری می‌رسانند و مدافع آنند، دوستانند.

در این شرایط که دشمن غدار در خارج مرزهای کشور لشکرکشی می‌کند و دوستانش در داخل در کار تجدید قوا هستند، باید با استقرار قانون و ایجاد جو اعتماد بر قدرت انقلاب افزود و کشور را برای نبردهای سترگی که بیگمان در راه است، آماده کرد.

همه چیز برای اجرای قانون آماده است. جای درنگ نیست...



نخستین رزمندگان عرب فلسطینی (۱۳۱۷–۱۹۳۸)

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۴)

زندگی اقتصادی فلسطین پیش از دست اندازی بریتانیا بر سرزمین فلسطین

فلسطین کشوری کشاورزی و دارای نظام واپس‌ماندهٔ مالکیت فئودالی بر بنیان کلان - زمینداری، بود. شصت و هفت درصد ساکنان فلسطین روستانشین بودند. کشاورزان عرب عموما تحت مناسبات بهره‌کاری به کشت و کار می‌پرداختند، بدین ترتیب، که یک پنجم غله را -که درعمل دوسوم محصول برداشتی بود- به صورت جنسی به "ارباب" می‌دادند.

تحت این شرایط، هر روز شکاف طبقاتی فراختر و تضادهای طبقاتی ژرفتر می گردید. نظام طاقت شکن مالیاتی از سویی و بهرهٔ مالکانه از سوی دیگر، روستائیان زحمتکش را در فشار و تنگنا می‌گذارد. آنها نیز با رها کردن زمین کوچک خود، بدنبال دستیابی به بخور و نمیر، یاتن به کوچ از روستا به شهر می‌دادند ویاکار دیگری را برمی‌گزیدند. به این ترتیب زمین آنها بدست بزرگ مالکان می‌افتاد.

پیش از جنگ اول جهانی، کارگران و پیشه ورانی که در کارگاه به کار سرگرم بودند، کمتر از ده درصد اهالی را تشکیل میدادند. نخستین **مجتمع های صنعتی** در سالهای ۱۲۷۹– ۱۲۶۹) (دههٔ ۱۸۹۰) در فلسطین بر پا شد. در منطقه "**جلیله**" یک کارگاه کوچک ابریشم بافی و یک کارگاه عمل آوردن کشمش و ادویه (فلفل، زردچوبه، دارچین و...) گشایش یافت و در "**طنطوره**" یک کارخانهٔ شیشه‌گری تاسیس شد.

پس از آن، سرمایه‌داران کارخانه‌های کوچک صابونپزی، آردکنی و مجتمع صنایع غذایی ایجاد کردند. در "**مجدل**" و "**باریکهٔ غزه**" چند دستگاه کوچک بافندگی و در "بیت‌المقدس" چند کارگاه قالیبافی در کار بود. روغن گیری از زیتون و کنجد، بویژه در شهرهای **نابلس**، **یافا**، **حیفا** و **بیت المقدس**، رواج بسیار داشت در **یافا** و **حیفا** دو کارخانه کوچک، افزارهای یدکی گوناگون موتور آب و آسیاب و روغن‌گیری تولید میکردند. درسالهای جنگ، میانگین شمار کارگران سرگرم کار در کارگاه‌ها و کارخانه های فلسطین، بین ۶ تا ۱۰ بود.

آهنگ پیشرفت صنعت کند و بازدهٔ کشاورزی ناچیز بود، از اینرو کشور کسربودجه بازرگانی داشت. درسال‌های ۱۳۰۰– ۱۲۹۸ (۲۰– ۱۹۱۹) این کسربودجه به ۳/۴۵۷/۶۰۰ لیرهٔ فلسطین رسید. درسالهای بعد نیز این کسر بودجه افزایش یافت.

فلسطین واردکنندهٔ پنبه، پارچه های نخی، چوب، سیمان، خودرو، ماشین‌افزار، مواد روغنی، سوخت، آرد، شکر، تنباکو، سیگار و دیگر کالاها، و صادرکنندهٔ مرکبات، مشروبات الکلی مرغوب، صابون، خربزه، طالبی، هندوانه، مربای زردآلو، الماس پرداخته و پوست بود.

ادامه دارد

از ساواکی‌ها...

بقیه از صفحهٔ ۱

مسئولان را از غفلت نسبت به آنها برحذر می‌داریم، بهیچوجه از "محکم‌کاری" وملاحظات مشابه برنمیخیزد. این هشدار نسبت به خطری است که متاسفانه ریشه کن نشده است، زیرا ساواکیها هنوز بعنوان یک نیروی ضربتی خطرناک در دست عوامل توطئه‌گر "سیا" علیه انقلاب و جمهوری اسلامی "ایران عمل می‌کنند.

با پیروزی انقلاب، سازمان جهنمی ساواک نخست از جانب مردم انقلابی وسپس از طریق قانونی منحل گردید، اما این اقدام برای خنثی ساختن و برطرف کردن خطر توطئه‌های ضدانقلابی وبراندازی ساواکیها، که با تمام وجود خویش با فساد و جنایت و غارت رژیم سرسپرده وضدمردمی پهلوی پیوند داشتند، کافی نبود. اما ازهزارها مزدور ساواک، که به اشکال مختلف برای این سازمان جهنمی وعلیه مردم ایران عمل می‌کردند، تنها گروه معدودی یابدست مردم و یاتوسط دادگاه‌های انقلاب مجازات گشتند و باقی ــ که بخش عمده‌را تشکیل می‌دهند ــ گریختند وپنهان شدند.

درخارج شدن ساواکیها از زیر ضربه خشم مردم ــ که نه مضمونی انتقام‌جویانه، بلکه بطور عمده هدف حفظ وحراست انقلاب از توطئه‌های این جنایتکاران را تعقیب می‌کرد ــ لیبرال‌های دولت موقت وعوامل ریز ودرشت امپریالیسم آمریکا، که در حاکمیت سیاسی پس از انقلاب نفوذ جدی داشتند، نقش مهمی ایفا کردند. مهندس بازرگان رئیس دولت موقت کوشید تا سپهبد مقدم معدوم، رئیس ساواک، رابه‌ریاست رکن ۲ ارتش بگمارد. لیبرالها و عوامل شیطان بزرگ نهایت تلاش خود را در کند کردن تیغ دادگاه‌های انقلاب بکاربردند، تا ساواکیها را از مجازات برهانند،

بدینسان دشمن سوگندخورده‌ای که براثرانقلاب عظیم مردم، ضربهٔ مهلک خورده بود، امکان یافت تا نیروهای خود را جمع کند و بار دیگر سازمان دهد. تظاهرات صدها ساواکی درمقابل نخست وزیری برای دریافت "حقوق"، در زمان دولت موقت، نخستین وجدی‌ترین علامت سازمان یافتگی مجدد ساواک و خطر مهلک آن بود. تعلل دولت موقت در سرکوب قاطع دشمنان انقلاب تا بدانجا رسیده بود که، دشمن کینه‌توز و تشنه‌به خون حتی تقاضای رسمیت یافتن وقانونی شدن می‌کرد!

هستهٔ اصلی ساواک را کارشناسان اطلاعاتی و سیاسی، متخصصین بمب‌گذاری و ترور وتخریب تشکیل می‌دادند، که در مکاتب "سیا" و "موساد" و "اینتلیجنس سرویس"، آموزش دیده بودند و در پیوند با این سازمان های جاسوسی عمل می‌کردند. بر گرد این گروه اصلی ــ که متاسفانه بطور عمده دست نخورده باقی ماند ــ گروه‌بزرگی از جنایتکاران حرفه‌ای، شکنجه‌گران، مامورین حفاظت و... قرار داشتند، که مجری طرحهای گروه نخست بودندو بیشتر از همه خشم مردم‌رابخود متوجه ساخته بودند. از این جنایتکاران نیز ــ هرچند بخشی از آنها مجازات شدند ــ گروه‌بزرگی گریختند. گروه سوم خبرچینان ساواک بودند، که کثیرالعده‌ترین گروه‌های ترکیب کنندهٔ آن را تشکیل می‌دادندو گروه اول و دوم از میان آنها سربازگیری می‌کردند. این گروه تقریبا بطورکامل از مجازات و پیگرد مصون ماند.

درماههای نخست پس ازانقلاب این واقعیت تلخ آشکار گردید که هیولای ساواک باردیگر، واین بار به عنوان اهرمی برای تخریب و توطئه علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، آغاز به فعالیت کرده است. خود این امر گواه بر آن بود که هستهٔ اصلی جنایتکاران ساواک ومغزهای متفکر آن دست‌نخورده مانده‌اند و بسرعت کار بسیج بقایای گروه دوم وسوم‌راسازمان می‌دهند. درتمامی اقدامات قانون شکنانه، چون حمله به دفاتر احزاب و گروه‌های مدافع انقلاب، دست عوامل هر سه گروه آشکار بود. یکبار رسولی و ازقندی، از گردانندگان ساواک، به هنگام رهبری عملیات حمله به یکی از دفاتر گروه‌های مدافع انقلاب دیده‌شده بودند. افشین، شکنجه‌گر ساواک، در مقابل لانهٔ جاسوسی آمریکا علیه شوروی شعار می‌داد. عوامل ریزودرشت ساواک بارها وبارها درجریان حملات به دفاتر و اماکن وکیوسکهای روزنامه فروشی مشاهده شدند. در جریان کشف گروه تروریست فرقان، وجودیکی از عوامل ساواک در آن فاش گردید. موج بمب‌گذاریها، که تنها توسط گروه‌های مجهز وکارکشته امکان وقوع داشت، از نقش فعال ساواک سازمان یافته خبر می‌داد.

پس از شکست تجاوز نظامی طبس، وجود ۶۰۰۰ مزدور مجهز و آماده، که قرار بود در پیوند با تجاوزگران عمل‌کنند، ازجانب مقامات آمریکائی فاش گردید. پس از شکست توطئه‌کودتای نوژه، همین اعترافات از وجود گروه‌های مسلح و توطئه‌گرخبر می‌داد.

بارها وبارها از جانب مسئولین جمهوری اسلامی ایران وجودگروه های سلطنت طلب وبمب‌گذارمورد تائید قرار گرفت و...

اما متاسفانه نام ساواکی‌ها و جنایتکاران سرشناس آن هرچه بیشتر به‌فراموشی سپرده شدو هیچ برنامهٔ جدی برای کنترل، شناسائی، پیگرد و دستگیری عوامل اصلی این سازمان جنایتکار بعمل نیامد.

بمب‌گذاریها، ترورها و خرابکاری‌های اخیر باردیگر ضرورت توجه جدی به عملکرد ساواکیها را مطرح میسازد. هرچند بسیاری از این اعمال توسط تروریست‌های پیرو رهبری خائن "مجاهدین خلق" انجام می‌گیرد، ولی توجه به‌این مسئله که، تمامی شواهد از زندگی وفعالیت ساواک حکایت می‌کند و توجه به‌حرفه‌ای بودن برخی ازاین عملیات خرابکاری و جنایت، ــ که بارها و بارها از جانب دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی مورد تاکیدقرار گرفته است ــ مسئولین جمهوری اسلامی ایران را ملزم می‌سازد که در عین توجه به‌تروریست‌های پیرو رهبری ضدانقلابی "مجاهدین خلق"، عوامل جنایتکار ساواک را نیز، که بدون تردید در حوادث اخیر دست دارند، بازشناسند و به مجازات شایسته برسانند.

چنین برخوردی نه فقط به‌هشیار شدن هر چه بیشتر هواداران ناآگاه "مجاهدین خلق" کمک خواهدکرد، بلکه انقلاب را از خطری که واقعا وجوددارد وباتمام نیرو علیه آن عمل می‌کنند، رهایی خواهد بخشید.

استفاده از...

بقیه از صفحه ۱

باپیروزی انقلاب بهمن، این بخش از روشنفکران یا ازکشور گریختند ویا به کیفر خیانت به خلق رسیدند. آن عده قلیلی هم که در کشور ماندند، طبعا نتوانسته و نمی توانند در خدمت انقلاب باشند، زیرا که سینه‌شان مالامال از خصومت و کین نسبت به‌انقلاب است وباهزاران رشته مرئی و نامرئی باگذشته پیوند دارند. به این گروه از روشنفکران، درهر درجه تخصص که باشند، انقلاب نیاز ندارد.

اما بخش عمدهٔ روشنفکران و متخصصان یامعتقد و مومن به انقلابند ویا به‌سبب بغرنجی های روندانقلاب، از درک اهداف انقلاب عاجز مانده‌اند. انقلاب باید از استعدادها، وتخصص این عده از روشنفکران، که از نظر عقیدتی و مسلکی طیف گسترده‌ای راتشکیل میدهند، بسود خود بهره گیرد ونه‌فقط قشر مومن به انقلاب رابه دایرهٔ فعالیت عملی جلب کند، بلکه حتی قشر بیطرف و غیر فعال را به حقانیت اهداف خود قانع سازد وآنرا بموضع پشتیبانی فعال از انقلاب بکشانده.

متاسفانه باید گفت که‌انقلاب تا کنون درجذب روشنفکران و متخصصان قصور داشته‌است. حجةالاسلام خامنه‌ای درسخنرانی خودبعنوان کاندیدای ریاست جمهوری، دربیان این‌واقعیت اظهار داشت:

"...کشف و بکار گیری تمام استعدادهای انسانی در همهٔ میدان ها از تکنیک تا هنر، حقیقت اینست‌که در این‌کار در دوران دوسال ونیم بعد از انقلاب تلاش کمی انجام‌گرفته و جنگ ماراتاحدودی به‌توجه‌به این امر ناگزیر کرد. امابااید این توجه را چند برابر کنیم و استعدادها را پیدا کنیم وآنها رابکار گیریم واستقلال ما جز ازاین‌راه تامین‌نیست".

طرح شعار نادرست تخصص یا ایمان، که‌گروه‌های افراطی هریک‌بر حسب منافع خود تعابیر غلطی از آن داشته‌اند، موجب شده‌که‌هرگز به‌مسئله اساسی‌ضرورت جذب متخصصان مومن به‌انقلاب توجه نشود.

در دوران دولت موقت با مطلق کردن مسئله تخصص، هرمتخصص ضدانقلابی نظیر مولوی‌ها، ایزدی‌ها وامیر انتظام‌ها در راس مقامات‌حساس قرار گرفتند وضربات‌سنگینی بر پیکر انقلاب وارد آوردند. صدماتی که انقلاب‌ازاین گروه‌از متخصصان فاقد ایمان انقلابی دیده‌بود، سبب شدکه‌این بار نظریه افراطی دیگری امکان عمل‌یابدوضرورت استفاده‌از متخصصان مومن به‌انقلاب یکباره به‌فراموشی سپرده‌شود.

این نظریه، بامطلق‌کردن مسئلهٔ ایمان، تخصص را نفی میکرد. نتیجه‌آن شدکه جمع کثیری از متخصصان، که پشتیبان‌انقلاب بودند و یا حداقل، فعالیت ضدانقلابی به‌هیچ‌رو نداشتند، به‌بهانه "غیرمکتبی" بودن از موسسات دولتی و خصوصی پاکسازی وخانه‌نشین شدند و انقلاب از دانش و تجربه آنان محروم ماند.

برای‌مشخص کردن صف‌ها، تنها وتنها یک معیار وجود دارد وآن موضع گیری افراد نسبت به‌انقلاب است. با بکارگیری چنین معیاری، ضد انقلاب‌در یکسوی مرز قرار خواهد گرفت و عناصر انقلابی وهواداران غیر فعال انقلاب‌در سوی دیگر، دوگروه اخیر را باید جذب کرد و گروه نخست را طرد. هرکسی که بخواهد عوامل دیگری و ازآنجمله‌نحوه تفکر و اندیشه افراد را ملاک قراردهد، چه‌بخواهد و چه نخواهد، به انقلاب زیان‌رسانده‌است.

خوشبختانه دیده میشودکه فکر استفاده از متخصصان مومن به انقلاب، عمومیت‌می‌یابد، چون رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ آبان ماه ۶۰اعلام کردکه:

"من به آنها (نیروهای متخصص و تکنوکرات) این بشارت را می دهم که مسئولان کشور هم به این‌نتیجه‌رسیده‌اندکه‌بدون حضور شما نیروهای‌متخصص ونیروهای‌انسانی وکسانی که حاضرند مخلصانه به‌این کشور وانقلاب و مردم خدمت بکنند، کارها به پایان نمی‌رسد ...به‌شما نیروهای‌انسانی‌تحصیل‌کرده ودوره‌دیده و مجرب‌اطلاع میدهیم که امیدواریم باجوسالمی که بوجودمی‌آید ...میدان‌فعالیت در همه‌ابعاد اقتصادی و اداری و فنی برای شما وما باز شود".

آری، دردوران‌بازسازی‌انقلابی مابه‌هزارها متخصص در رشته های صنعتی کشاورزی، نظامی، آموزش و پرورش نیازمندیم که مسلما در یک قالب نمی اندیشند و نحوه‌تفکرواحد ندارند. امااین گونه‌گونی طرز فکر نه فقط مانعی در اعتلاء انقلاب ایجاد نمی‌کند، بلکه همزیستی آنها به غناء انقلاب یاری میرساند. مانه‌تنها باید ازمتخصصان‌موجودبه‌شرط ایمان انقلابی استفاده‌کنیم، بلکه باید چندین‌برابر آنچه راکه داریم، در دورانی کوتاه پرورش دهیم. نه فقط باید متخصصان مومن به‌انقلاب را از عزلت بازنشستگی‌به عرصهٔ فعالیت زنده‌فراخوانیم، بلکه باید دانشگاه‌ها راهرچه‌زودتر برای پذیرش صدهاهزار جوان‌آوارهٔ خیابان‌ها آماده‌کنیم، تا بیاموزند وآموخته‌های خود را در خدمت انقلاب قراردهند.

شرط استقلال کامل ما تامین استقلال اقتصادی است و دراین راه دشوار به میلیون‌ها بازوی کار، صدها هزار مغز مبتکر و میلیونها استعداد و تجربه نیاز داریم. برخورد قشری با این‌مسئله مهم انقلاب وتقسیم افراد به "مکتبی" و "غیرمکتبی"، جز محروم ساختن انقلاب از صدها هزار مغز اندیشمند نتیجه‌ای به‌بارنخواهد آورد. بایدگفتاررئیس جمهور حجت الاسلام خامنه‌ای رابکار بست و تمام استعدادهای‌انسانی درهمهٔ میدان‌ها از تکنیک تا هنر را کشف نمود و به‌کار گرفت. باید وعدهٔ رئیس مجلس‌شورای اسلامی حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی راعملی ساخت ومیدان‌فعالیت را در همه ابعاد اقتصادی و اداری و فنی برای نیروهای متخصص و همه کسانی که حاضرند مخلصانه به کشوروانقلاب ومردم خدمت بکنند، بازکرد، زیرا اگر چنین‌نشود، "کارها به‌پایان‌نمی‌رسد".

فاجعه‌ای که...

بقیه از صفحهٔ ۱

اجرای رهنمودهای امام‌خمینی مبنی بربازگشایی‌دانشگاه‌هادرسال تحصیلی جاری را وعده دادند. پس از چندی، این‌وعده‌ها درچارچوب‌اتمام تحصیل دانشجویانی که ۲۵ واحد به پایان تحصیل‌شان مانده وپذیرش دانشجوی جدیددر رشته‌های پزشکی‌و تربیت معلم محدود شد. مهرماه آمدوگذشت‌و تنها‌بخش‌اندکی‌ازدانشجویان پزشکی برای اتمام تحصیل‌به‌دانشگاه‌راه‌یافتند پذیرش دانشجویان سال‌های‌آخر سایر رشته‌ها، طبق گفته‌های‌اخیروزیرفرهنگ وآموزش عالی وبرخی‌ازاعضاء "ستاد انقلاب فرهنگی" در۲ــ ۳ ماه آینده وعده داده شده‌است.

بر سر راه ادامهٔ تحصیل دانشجویان سال‌های آخر پزشکی نیز مشکلات عدیده‌ای وجود دارد: عدم آمادگی دانشگاه اهواز برای ثبت نام دانشجویان پزشکی، عدم‌ثبت‌نام در برخی موسسات‌آموزش پزشکی، به این عنوان که باید "کمیتهٔ‌پیگیری" تشکیل شود وبه پرونده تک‌تک دانشجویان، مطابق ضوابط‌وزارت فرهنگ و آموزش عالی، رسیدگی‌کند، عدم ثبت نام برخی از دانشجویان طبق ضوابط تنگ‌نظرانه وانحصارگرایانه.

درزمینه پذیرش دانشجو، تنها کنکور رشته‌های تربیت‌معلم، بابیش از یکصدهزار داوطلب برگزار شد، که تا کنون ازنحوهٔ‌بازگشایی رشتهٔ‌فوق، به طور رسمی اطلاعی در دست نیست. پذیرش دانشجو برای بقیه رشته‌ها، طبق گفته وزیر فرهنگ وآموزش عالی؛ "درصورت‌امکان"، به بعداز فروردین سال آینده‌موکول شده‌است.

تعلل و تاخیر در اجرای‌این گام‌ها، که‌بطورعمده هنوز درسطح وعده باقی‌مانده‌اند و درصورت اجرا کمکی‌به تسریع بازگشایی دانشگاه‌ها و دفع پیامدهای خطرناک توقف آموزش‌عالی خواهند بود، بیانگر آن است که مسئولین ودست‌اندرکاران "انقلاب فرهنگی" هنوز به عمق رهنمودهای امام‌خمینی مبنی بر بازگشایی‌دانشگاه‌ها و "انجام‌اصلاحات لازم در حین فعالیت‌آن" واقف نیستند و یادست‌هایی در کار است که آگاهانه‌دراجرای این رهنمودها کارشکنی می‌کند، تاروند بازسازی میهن انقلابی را به تاخیر اندازد.

درعین‌حال، برخی اقدامات نشان می‌دهد که مسئولین "انقلاب فرهنگی" به‌توان شگرف بکارگیری همهٔ نیروها در بازگشایی دانشگاه‌ها و در انجام‌تغییرات بنیادین درنظام‌آموزش عالی، بهای‌کافی نمی‌دهند. از جمله، طرح "پذیرش استاد ودانشجو دردورهٔ انتقال" و "طرح‌گزینش دانشجو" در بردارندهٔ برخی‌نکات منفی‌است، که‌نه تنها به‌دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی یاری نمی‌رساند، بلکه زمینه‌ای برای اخلال در آن فراهم می‌آورد.

برخی‌ضوابط مبهم، قابل‌تفسیر و تنگ‌نظرانه در این طرح‌ها راه را بر به کارگیری همهٔ‌نیروهای مومن‌به‌انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی‌ایران ــ صرف‌نظر ازاعتقادات‌مسلکی ــ و بهره‌گیری ازحداکثرنیروی موجود می‌بندد ودست کسانی راکه زیرپوشش قشری‌گری در روندانقلاب‌وبازسازی میهن‌انقلابی خرابکاری‌می‌کنند، علیه‌نیروهای دگراندیش انقلابی ومتعهد به انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران باز می‌گذارد، همان‌طورکه‌هم‌اکنون دربرخی موسسات آموزشی پزشکی شاهد آن هستیم. این ضوابط با رهنمود صریح‌رهبرانقلاب‌و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در مورد بهره‌گیری از کاروتخصص‌اساتیدی که حاضرند در خدمت انقلاب باشند، صرفنظر از اعتقادات مسلکی‌آنان، ونیز با اصل ۲۳ قانون‌اساسی‌که: "هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای موردتعرض ومواخذه‌قرارداد"، منافات آشکار دارد.

همانطورکه وزیرفرهنگ وآموزش عالی بیان داشته‌است:

"در ارتباط با گزینش استاد و دانشجو شرایطی را قایل بشویم که اساتیدی که متعهد به انقلاب‌هستند و درجهت انقلاب‌حاضرندکه‌اقدام‌بکنند وهمچنین دانشجویانی که لااقل‌پس از فراغت ازتحصیل، درخدمت‌کشورحاضر باشند عمل بکنند وعنادی بانظام‌جمهوری‌اسلامی‌نداشته‌باشند، دراین‌دانشگاه‌این عده‌را فارغ‌التحصیل بکنیم". (دانشگاه انقلاب ــ شمارهٔ آبان۱۳۶۰)

مصالح‌انقلاب وجمهوری اسلامی ایران می‌طلبد که‌معیارهای واقع‌بینانه‌و منطقی جایگزین ضوابط‌ابهام‌برانگیز شود و راه برهرگونه بهانه‌جویی‌و خرابکاری دربهره‌گیری ازهمهٔ‌نیروهای انقلابی‌بسته‌شود.

ما امیدواریم که هرچه سریعتر وعده‌های داده شده در ارتباط باطرح اتمام تحصیل دانشجویان سال‌های آخر عملی‌شوند، واین‌گام‌حداقل، در جهت‌بازگشایی‌کامل‌دانشگاه‌هاومدارس عالی‌برداشته‌شود.

ماجدا از مسئولین‌آموزش عالی انتظار داریم که هرچه زودترمشکلات موجود در ثبت نام دانشجویان‌سالهای آخرپزشکی در سراسر کشور برطرف‌شود. باشدکه این بخش فوق‌العاده اندک‌از دانشجویان‌بتوانند درمحیطی فارغ از بیم محرومیت از تحصیل و "تصفیه"، تحصیل‌شان را به اتمام برسانند.

* * *

میلیون‌هاجوان‌ونوجوان‌وهزاران خانواده نگران وضع مبهم نظام‌آموزش عالی هستند. میهن انقلابی ما تشنهٔ دست‌ها و مغزهای متخصصی است که باید چرخ‌های بازسازی آن‌را به حرکت درآورند وبر انبوه کاستی‌هاونابسامانی های‌به‌ارث رسیده از سال ها سلطهٔ امپریالیسم ونظام ضدمردمی‌گذشته‌نقطه پایان‌نهند. در چنین‌شرایطی، تعطیل دانشگاه‌ها، همان‌گونه که فقیه‌عالیقدر آیت‌الله منتظری گفته‌اند،، "اگر طول بکشد ومعلم و دانشجو در دانشگاه ها نباشد، فاجعه است برای کشور ما". از این "فاجعه" باید جلوگیری کرد.

باید بر رهنمودهای ارزندهٔ امام خمینی، رهبرانقلاب‌وبنیانگذارجمهوری اسلامی‌ایران، جامهٔ‌عمل پوشانید و دانشگاه‌ها و مدارس عالی را هر چه سریعتر گشود. باید باواقع‌بینی‌وژرف‌اندیشی اشتباهات‌گذشته‌رامورد مداقه قرار داد وبرای آینده برنامه ریزی کرد، برنامه‌ای بنیادین، واقع‌گرایانه و مبتنی برنیازهای‌انقلاب‌ومیهن. باید باسعهٔ‌صدر و به‌دور از انحصار طلبی و تنگ‌نظری ازهمهٔ‌نیروهای مومن به انقلاب بهره جست و همهٔ دست ها و مغزها را در ساختمان‌ایرانی مستقل، آزاد و آباد به کار گرفت.

"جبههٔ پایداری" حضور نظامی آمریکا را مسبب تشنج در منطقه خواند

"کنفرانس وزیران خارجه "جبهه پایداری عرب" اجلاس خود را در عدن پایان داد. این کنفرانس وضع انفجار-آمیزی را، که در نتیجه حضور نظامی فزاینده ایالات متحده و موضع گیری تجاوزکارانه اسرائیل در منطقه پدید آمده است، بررسی کرد.

ازسوی دیگر، در جنوب لبنان، نیروهای جدایی طلب به محاصرهٔ نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد دست زدند. آنها به دستور سرکرده خود حداد، مخزن آب این نیروها را نابود ساختند. جدایی خواهان خواستار خروج نیروهای سازمان ملل برای دست‌یابی به‌برتری نظامی هستند. آنها، که در واقع مزدوران اسرائیل به‌شمار می‌روند، به‌تشویق رژیم صهیونیستی به این اقدام گستاخانه دست یازیده‌اند.

معمرقذافی، رهبر لیبی، ازخطر ادامه گسترش نفوذ اسرائیل درخاور-میانه سخن گفت. وی در پیامی به خالد شاه عربستان، یادآور شد که "تل‌آویو" قصد دارد "مناطق اشغالی خود را توسعه دهد و کشوری صهیونیستی، از فرات تا نیل و ازقدس تا مکه برپا سازد".

به‌گفته **معمرقذافی** اسرائیل، برای این منظور قصد حمله به اردن را دارد. وی خالد و دیگر رهبران عرب را به مقابله با گسترش طلبی اسرائیل فرا خواند.

کوشش سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی برای رخنه‌گری در لهستان

"**پراودا**"، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نامه‌هایی چند از خوانندگان خود منتشر ساخت، که در آنها از اوضاع کنونی لهستان ابراز نگرانی شده‌است. نویسندگان این نامه‌ها خواستار دادن جواب دندان‌شکن به نیروهای ضدانقلابی گردیده‌اند. آنها نوشته‌اند که رهبران "همبستگی" هر روز برخواست‌های خود می‌افزایند و می‌کوشند تا کشور را به راه سرمایه داری بکشند. خوانندگان "پراودا" معتقدند که "سیا" از نیروهای ارتجاعی لهستان پشتیبانی می‌کند. آنها انزجار خود را از باصطلاح فراخوان کنفرانس همبستگی درگدانسک به "خلق های اروپای خاوری" ابراز می‌دارند و آن را "سخنی گستاخانه" می‌خوانند.

ازسوی دیگر، روزنامه لهستانی "**ژول نژول نشتی**" نوشت:

"**بحران لهستان به‌رخنه گری سازمان‌های جاسوس غرب در کشور انجامیده‌است.**"

این روزنامه از فعالیت فزاینده وابسته‌های نظامی کشورهای "ناتو"، "توریست"ها و "روزنامه‌نگاران" سخن می‌گوید.

به‌گزارش "**ژول نژول نشتی**"، بسیاری ازسفارتخانه‌های غربی در ورشو ستادهایی برای ارتباط با "همبستگی" تشکیل داده‌اند.

ضیاءالحق پاکستان را به زندانی بزرگ تبدیل کرده است

ضیاءالحق، دیکتاتور نظامی پاکستان، هرگونه امکان تشکیل یک دولت غیر نظامی را در آن کشور ردکرد. وی دریک کنفرانس مطبوعاتی در اسلام‌آباد گفت که وضع فوق‌العاده تمدید خواهد شد.

ضیاءالحق اعتراف کرد که قوانین فوق‌العاده ثمربخش نبوده‌است. ظاهرا منظور او آنست که این قوانین نتوانسته است مردم را به‌پشتیبانی از او درصورت برگزاری انتخابات برانگیزد. این قوانین مدتهاست که با اعتراض مردم وشخصیت های پاکستان روبروشده‌است. به‌گفته مخالفان رژیم، ضیاءالحق کشور را به‌زندانی تبدیل کرده‌است. بر پایه اطلاعات "حزب مردم پاکستان"، در این کشور هزاران زندانی سیاسی وجود دارد.

ازسوی دیگر **یان‌داچی** رئیس ستاد ارتش‌چین با ضیاءالحق دیدار کرد. درباره‌محتوی‌مذاکرات میان آنها تنها گفته شدکه "درباره‌مسائل مورد علاقه‌طرفین" به‌گفتگو نشستند.

نقشهٔ تجاوز آمریکا به نیکاراگوئه برملاشد

توطئه‌های تجاوزکارانهٔ آمریکا علیه کوبا خشم جهانیان را برانگیخته است. سفیران مکزیک، برزیل، ونزوئلا، آرژانتین، پاناما، کستاریکا، اکوآدور و پرو در نیکاراگوئه اظهار داشتند که دولت‌های آنها با هر گونه مداخلهٔ مسلحانه درآمریکای مرکزی مخالفند.

در پاناما "**کمیته ملی دفاع از حاکمیت وصلح**" تظاهرات وسیعی را به هواداری از کوبا فراخوانده‌است.

ژوآئو برناردوویه‌را، رهبر گینهٔ بیسائو، تهدیدات "واشینگتن" را علیه کوبا محکوم کرد.

"شورای همبستگی محارستان" در تلگرامی به "کمیته‌دفاع از انقلاب کوبا" تدارکات نظامی ایالات‌متحده را علیه "حزیره‌آزادی" بشدت محکوم ساخت.

بسیاری از نمایندگان پارلمان مکزیک در پیامی به همتاهای خود در کوبا همبستگی خویش‌را با کوبا درقبال تجاوزات امریکا اعلام داشتند.

دولت نیکاراگوئه اعلام کرد که از نقشه‌ای برای حمله مسلحانه به کشور آگاه شده است. **آلواروراميرس‌گونسالس** سفیرنیکاراگوئه دربرلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، این موضوع را درمصاحبه‌ای مطبوعاتی فاش ساخت.

به‌گفته وی، قرار است افرادی در لباس مبدل‌سربازان نیکاراگوئه‌ای در ۲۹نوامبر ۸۱ (۸ آذر ۶۰) در مرزهندوراس بروی سربازان مرزی این کشور آتش بگشایند. بموجب این نقشه، آنگاه ارتش هندوراس و مزدوران آمریکایی به‌نیکاراگوئه حمله خواهندکرد.

دولت افغانستان مداخله در امور داخلی خود را ردکرد

نمایندهٔ افغانستان در سازمان ملل‌متحد بحث دربارهٔ به اصطلاح "مسئلهٔ افغانستان" را در "مجمع عمومی" "مداخله درامورداخلی کشورخود" خواند.

محمدفریدظریف در "مجمع عمومی" گفت که افغانستان "آماجکار زار گسترده جهانی" شده‌است، که ایالات‌متحده آمریکا و چین آنرا طرح‌ریخته‌اند. به‌گفته‌وی:

"چنانچه به‌اشرار ضدانقلابی از خارج به‌ویژه از پایگاه‌های پاکستانی کمک‌نمی‌رسید، مدت‌ها پیش‌نابود شده‌بودند."

ازسوی دیگر، نماینده ویتنام در "مجمع عمومی" دسیسه‌های‌تجاوز-کارانه ایالات‌متحده آمریکا وچین را علیه افغانستان" علت عمده تشنج دراین نقطه‌جهان" خواند. وی گفت که پیش نویس‌قطعنامه "مجمع عمومی" درباره‌باصطلاح "مسئلهٔ افغانستان" نقض‌منشور سازمان ملل‌متحداست، زیرا که در مسائل درونی کشوری مستقل دخالت می‌کند.

نماینده‌لهستان پشتیبانی دولت خودرا از پیشنهاد دولت‌افغانستان درباره‌مذاکره باپاکشتان وایران‌اعلام داشت.

ازسوی‌دیگر، نماینده‌افغانستان در سازمان ملل‌متحد قطعنامه مجمع عمومی را درباره باصطلاح "مسئلهٔ افغانستان" "غیرقانونی و بی‌اعتبار" خواند. وی افزودکه: "حتی بحث درباره این موضوع مداخله در امور داخلی کشوری مستقل است."

افغانستان اتهام پاکستان رادرباره اینکه‌هلیکوپترهای افغانستان‌به حریم‌هوائی پاکستان تجاوزکرده‌اند، بی‌پایه نامید. یک سخنگوی وزارت خارجه افغانستان این‌ادعا را "کوشش برای منحرف ساختن افکار عمومی‌از پیشنهاد دولت افغانستان درباره عادی سازی مناسبات میان‌دو کشور" خواند.

استفاده از همهٔ استعدادها در همهٔ میدانها

میهن انقلابی ما که وارث یک اقتصاد وابستهٔ از هم گسسته، کوهی از دشواریهای ناشی از سیاست غلط اقتصادی دولت "گام‌بگام"، زیان های ناشی ازمحاصرهٔ اقتصادی امپریالیسم و خرابیهای جنگ تحمیلی است، نیاز وافر به بازسازی انقلابی دارد. این باز-سازی صرفنظر از منابع مادی، دردرجه اول به‌نیروی انسانی نیازمنداست که باید کشور را در راستای سازندگی به پیش برد، نیروی متخصصی که باید بر حسب تخصص خود اجرای گوشه‌ای از برنامه‌های اقتصادی وعمرانی کشور را بر دوش گیرد.

تردید نیست که سلطهٔ فرهنگ نواستعماری طی سالیان دراز، بخشی از نیروی تحصیلکرده ومتخصص کشور را بری از عواطف میهن‌پرستی و مردم-دوستی، خودمحوربینی و شیفته جامعه مصرفی غرب، پرورده‌است. این بخش از روشنفکران جدا از مردم، دردوران سلطهٔ طاغوت-آرایشگر رژیم، ساتر عیوب آن، وآذین‌بند مفاسد آن بوده‌اند، با امپریالیسم دمنش‌پیوند دوستی داشتند ورژیم دست‌نشانده آنرا در طمع کسب مال ومنال، نردبان ترقی خویش قراردادند، اینان در هرمقامی که‌بودند وظیفه‌ای جز حفظ رژیمی که سرکوب‌گر خلق بود، برای خودنمی شناختند.

بقیه در صفحه ۱۹

وقایع مهم جهان در یک هفته

"ستارهٔ درخشان": تمرین آمریکائی‌ها برای اشغال خاورمیانه

مانور "**ستاره‌درخشان**" روز شنبه ۲۳ آبان‌ماه ۶۰، با پیاده‌شدن چند صدنفر چترباز "سپاه‌واکنش‌سریع" آمریکا در مصر آغاز شد. این مانور بطور عمده در خاک‌مصر صورت خواهد گرفت ودوهفته به‌درازا خواهدکشید. اما مانورهای کوچکتری نیز در سودان، سومالی و عمان درجریان است.

بیشترکشورهای عرب این‌مانورها را محکوم کرده‌اند.

در مانور "ستاره درخشان" ۶۰۰۰سربازآمریکایی شرکت‌دارند. مانور نامبرده‌ازنظر وسعت در ۲۵سال‌گذشته در "منطقه بی‌سابقه است.

روز دوشنبه ۲۵ آبان ۶۰، "**پراودا**" در تفسیری درباره جنگ‌بازی‌های "ستاره درخشان" "این مانورها را" تمرینی برای اشغال کشورهای‌خاور میانه‌ازسوی آمریکا" خواند.

عبیدی، دبیر "دفتر مردمی لیبی برای مناسبات خارجی"، گفت: "اگر خطری متوجه‌خاورمیانه باشد، ازایالات‌متحد ناشی می‌شود."

تشکیل فدراسیون "سنگامبیا"

سنگال و گامبیا اعلام کردندکه قصد دارند فدراسیونی بنام "سنگامبیا" تشکیل دهند. این‌نقشه در اعلامیهٔ مشترکی اعلام شده‌است، که پس از دیدار روسای جمهور دوکشور انتشار یافت. به‌موجب این‌نقشه، ارتش و نیروهای امنیتی سنگال و گامبیا نیز یکی خواهند شد. بگفته‌اعلامیه‌مشترک نامبرده، سنگال وگامبیا درعین حال استقلال خودراحفظ خواهند کرد. رئیس جمهور سنگال ریاست کنفدراسیون را بعهده خواهد داشت.

آمریکا در السالوادور هم به جنگ میکربی-شیمیایی دست زده است

در السالوادور، "خونتا"ی وابسته به‌آمریکا در جنگ با انقلابیون ازجنگ‌افزارهای‌میکروبی وشیمیایی ساخت ایالات‌متحده استفاده‌می‌کند. درنتیجه بیماری‌های خطرناکی در السالوادور شایع و به‌مرگ بسیاری از غیرنظامیان‌منجر شده‌است. این خبر را رئیس "کمیسیون‌همبستگی کستاریکا باالسالوادور" درسان‌خوسه فاش ساخت. به‌گفته‌او، هواپیماهای "خونتا" به‌سبک‌اربابان‌آمریکایی‌خود در ویتنام بر جنگل‌ها وکشتزارهای‌السالوادور سم می‌پاشند.

مردم شوروی به تحول اقتصادی-اجتماعی کشور خود باخوشبینی می‌نگرند

روز دوشنبه ۲۵ آبان ۶۰پلنوم کمیته‌مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. پلنوم خطوط‌اساسی پیش نویس برنامهٔ اقتصادی-اجتماعی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ و هم-چنین برنامهٔ اقتصادی‌وبودجه کشوررا برای سال آینده تصویب کرد. پلنوم کمیته‌مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، علاوه بر این، فعالیت هیئت سیاسی را در زمینه اجرای مشی استراتژیک کنگره‌بیست وششم حزب‌در زمینه‌های داخلی وخارجی موردتائید قرارداد.

لئونید برژنف در پلنوم کمیته مرکزی‌حزب درباره پیش نویس‌برنامه اقتصادی-اجتماعی اتحاد شوروی تاسال ۱۹۸۶سخن‌گفت. دراین‌برنامه درباره‌رشدتوان‌اقتصادی، چگونگی نیل به‌هدف‌های اجتماعی، گسترش پویای صنعت واقتصادوتامین‌نیازهای دفاعی کشور سخن به‌میان‌می‌آید. در دوران نامبرده درآمد ملی اتحاد شوروی ۱۸ درصد و درآمد سرانهٔ سالیانه ۱۶/۵درصد افزایش خواهد یافت.

لئونید برژنف خاطرنشان ساخت که‌برنامه‌پنج‌ساله‌اتحادشوروی درشرایطی نه‌چندان آسان به‌مرحلهٔ اجرا درمی‌آید، زیرا اقتصاد کشور سه سال پی درپی‌باخشکسالی درکشاورزی روبروبود. اوضاع‌بین‌المللی پیچیده ترشده‌است.

لئونید برژنف اظهار داشت: "مسئله‌خواربار مسئله‌مرکزی دوران پنجساله خواهدبود. برنامه‌پنج ساله راه حل آنرا ارائه می کند. تولید غلات، گوشت سبزیجات ومواد غذایی، افزایش خواهد یافت."

اتحادشوروی صدور سوخت‌رابه کشورهای‌سوسیالیستی برادر و بازار جهانی به‌مقدار کافی تامین خواهد کرد.

لئونید برژنف از وزارت‌خانه‌هایی که‌در اجرای تصمیمات اهمال نشان‌می‌دهند، انتقاد نمود و آنها را فراخواند، تا بیدرنگ دراینباره‌اقدام کنند.

به‌گفته رهبر شوروی: "مردم دوران‌پنج‌ساله را باخوشبینی‌واعتماد کامل‌به‌توان‌خودآغاز می کنند. آنها اعتقادعمیق‌دارند، که‌به‌هدف های بزرگ وپیچیده‌شان درزمینه ساختن جامعه‌ای کمونیستی دست خواهند یافت."

دربودجه‌سال آینده ۱۱۰۰۰۰ میلیون‌روبل‌به‌توسعه‌کشاورزی و تنها ۱۷۰۵۰میلیون‌روبل (۵/۳ در صد بودجه) به‌مصارف دفاعی اختصاص داده‌شده‌است. بدین‌ترتیب، هزینهٔ نظامی‌اتحادشوروی‌ثابت‌خواهدماند.

ازسوی دیگر، اجلاس "شورای-عالی اتحادشوروی" در مسکو برگزار شد وبه‌بررسی پیش نویس برنامهٔ اقتصادی-اجتماعی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ وهم-چنین برنامه اقتصادی وبودجه کشور برای سالهای آینده پرداخت‌و پس از پاره‌ای اصلاحات‌آنها راتصویب‌کرد.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. بهآذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷